

# آموزشی ابتداری

رشد



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای آموزگاران، دانش‌جو معلمان و کارشناسان  
وزارت آموزش و پرورش  
دوره‌ی بیست و هفتم، اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳  
اشماره‌ی بی‌دری ۴۸ | ۲۲ صفحه  
[www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

من معلم هستم

هر شب از آینه‌ها می‌پرسم:

به کدامین شیوه، وسعت یاد خدا را بکشانم به کلاس؟

بچه‌ها را ببرم تالاب دریاچه‌ی عشق؟

غرق در بای تفکر بکنم؟...

من معلم هستم...

«فریدون مشیری»

# رسالت معلمی بیدارگر در دنیاست و شهادت روح هنر بیدارگر در آن

معلم شهید فائزه رحیمی، شهید حادثه تروریستی گلزار شهدای کرمان



کاری از فعالان حوزه‌ی تعلیم و تربیت

# آموزشی ابتدایی



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

خانواده‌ی مجلات رشد هم‌هی تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس‌ترین عموم جامعه‌ی آموزشی و تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۱۱۰۰۰۰ ریال



nazar.roshdmag.ir



برگه‌ی اشتراک مجله

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره‌ی بیست‌وهفتم | اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ | شماره‌ی بی‌دری ۲۲۱ | ۴۸ صفحه  
www.roshdmag.ir

بسم الله الرحمن الرحيم  
اللهم صل على محمد وآل محمد وعجل فرجهم

مدیر مسئول: محمد صالح مدنی

سر‌دبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: دکتر فاطمه وجدانی، دکتر معصومه فرحوش،

مریم پراکنده، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش یارساناژاد

طراح گرافیک: مجتبی زند

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

تصویرگر: حسین یوزباشی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۲۱

۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌رسان شاد: @roshdmag

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۲۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۲۱

## فهرست

۲ تا انتهای مسیر، چشم به راه آینده | مهدی رضایی

۳ به زبان مادری | نگین مقصودی

۴ تقویم | فاطمه نوروزی

۶ قدر قرآن | مریم خدادادی

۸ احساس خوب طبیعت | ساجده صالحی نودز

۱۰ گودال همیشه ترسناک نیست | سیدعلی عبداللهی حسینی، دکتر عدرا بیگم هژبری

۱۲ آموزش مایگیری به جای دادن ماهی | محمد سبحانی، الهه صیوری‌فر

۱۶ بازی هدایت‌شده | زهرا لاهوتی فرد

۱۸ اتاق فکر | مهدی رضایی

۲۰ کام‌های خودیادگیری | دکتر سارا سلیمی‌نمین، دکتر آمنه سلیمی‌نمین

۲۲ آموزش کمستانزیا | ژارمن یولید سن‌ونسان

۲۴ آموزش و تحرک | سحر زمانی بلیوندی

۲۶ یادگیری یارزنی | معصومه مسلمی اجارستانی

۲۸ بازی و تمرکز | فاطمه قاسمی، مهوش افروغ

۳۰ کنترل درونی | عاطفه هاشمی‌پناه

۳۲ میم مثل معلم | اعظم لاریجانی

۳۴ رشد با رشد | سیده فاطمه موسوی‌تبار، سهیلا محسنی

۳۶ جنبش جهانی محیط زیستی | فاطمه شیخ محسنی، مجتبی محرابی

۳۸ یاداها و میاداهای معلمی | معصومه همت‌زاده

۴۰ تأثیر کلام مثبت | سمیه سورانی

۴۱ از نگاه خفاش | آزاده طوسی‌طیبری

۴۲ پر نشاندن نهال خواسته | زهرا کوراوند

۴۳ چتر کلمات | معصومه هدایتی

۴۴ هم‌راه با رشد | محمدرضا رشیدی

۴۶ در انتظار نامه‌ای از آسمان | حمیده رسولی

۴۸ تو مرا باز رساندی به یقینم | الهه دیبی



نشانی کانال رشد آموزش ابتدایی  
در برنامه‌ی شاد  
@roshd\_amoozesh\_ebtedaei



خاطره‌ای از مهلا غفاری، دختر شهید حسن غفاری  
در انتظار نامه‌ای از آسمان

قابل توجه نویسندگان و مترجمان، مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید: ● با اهداف و رویکردهای آموزشی- تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد ● قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد ● در حد ۱۰۰۰ کلمه و خلاصه‌ی علمی-آموزشی باشد ● روان و نظر دستور زبان فارسی درست باشد ● چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و اثر وی پیوست شود ● اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد. ذکر این نکته ضروری است ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

# تا انتهای مسیر، چشم به راه آینده



مهدی رضایی

خدایا جهان پادشاهی تو راست  
ز ما خدمت آید خدایی تو راست  
پناه بلندی و پستی تویی  
همه نیستند آنچه هستی تویی

## نظامی گنجوی

شاید دانستنش عجیب باشد، اما بر اساس آمارهای چندین سال اخیر، ۶۰ تا ۷۵ درصد تصادفات مرگبار جاده‌ای، در ۳۰ کیلومتری شهرها، یعنی وقتی فقط نیم‌ساعت مانده است تا به مقصد برسیم، اتفاق می‌افتد و سفر را به کام مسافران تلخ می‌کند. همین‌تک گزاره شاید نشان‌دهنده این روحیه در ما باشد که معمولاً در انتهای یک مسیر و در جمع‌بندی یک روند طی شده کمی عجله داریم و طمأنینه‌ی کمتری از خود نشان می‌دهیم. این موضوع می‌تواند در ابعاد گوناگونی بررسی شود؛ ولی می‌توانیم از این بُعد هم نگاه کنیم که عجله‌ی ما در رسیدن به مقصد فعلی در واقع عجله برای شروع مسیر بعدی است؛ یعنی دوست داریم هر چه سریع‌تر این مرحله را به‌نهایت برسانیم تا مرحله بعد پیش رویمان روشن شود؛ مثل بازی‌های رایانه‌ای راهبردی که با طی مسیر، باقی مسیر روشن می‌شود. اصلاً چرا چنین نینیم که زندگی هم همین‌طور است و نحوه‌ی حضور مادر در مراحل قبلی نشان‌دهنده‌ی مراحل بعدی روند زندگی ماست.

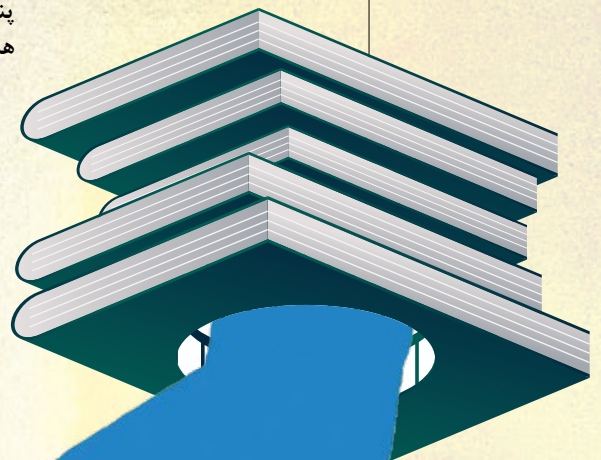
سال تحصیلی روبه‌تمام است. روزهای آخر سال معمولاً به جمع‌بندی و تکمیل آموزش‌ها اختصاص دارد. کم‌کم باید دانش‌آموزان را آماده‌ی انتقال به کلاس بالاتر کنیم و خودمان بمانیم و فرصت چندماهه‌ی بازآموزی و تقویت ذهنی و عملی خودمان. از نظر ما تابستان فصل آموختن و تمرین کردن است، برای شروعی متفاوت و البته روشن‌تر در مهرماه پیش رو.

این تلاقی ماه‌انتهایی سال تحصیلی با روز معلم و رواج فرهنگ قدردانی از زحمات معلم از این منظر شایان توجه است که هم حس خوبی از سال گذشته برای ما ایجاد می‌کند و هم انرژی کافی را در اختیار مامی گذارد تا برای قرار گرفتن مجدد بر سر خط سال تحصیلی آینده آماده باشیم.

سالی که سپری کردیم با ذکر دلآوری‌ها و مظلومیت‌های مردم شریف غزه و فلسطین عجیب بود. حوادثی رخ داد که دنیا باز هم در مقابل دیدگان خود مرزبندی جبهه‌ی حق و باطل را - شاید روشن‌تر از قبل - نظاره‌گر بود. به امید روزی که هر چه زودتر با خبر نابودی رژیم صهیونیستی، جشن پیروزی مجدد خون بر شمشیر و آزادی قدس شریف را در این نشریه روایت کنیم.

در ابتدای آخرین شماره‌ی امسال از رشد آموزش ابتدایی از همه‌ی همکاران گران‌قدری که در مسیر این دوره از رشد همراه ما بودند، تشکر می‌کنم. از همه‌ی عزیزی که در سطوح گوناگون، از پیگیری مطالب و مطالعه‌ی نشریه تا ارسال مطلب و همکاری در تولید و ارائه‌ی بازخورد، به ما یاری رساندند.

مسیری که در رشد آموزش ابتدایی داریم مسیر مشارکت آموزگاران در تولید و حتی راهبری نشریه است و امیدواریم در این مسیر با شما نیز هم‌قدم شویم. اگر مایل به همکاری با ما هستید، از راه‌های ذکر شده در صفحه‌ی شناسنامه‌ی مجله با ما در ارتباط باشید. برای دوره‌ی آینده، در مسیر طراحی و تولید محتوای مجله برنامه‌های ویژه‌ای در پیش رو داریم که با همراهی شما این برنامه‌ها کامل‌تر و غنی‌تر خواهند شد.



# به زبان مادری



ادرس کلاس

نگین مقصودی

آموزگار پایه چهارم ابتدایی،

شهرستان شاهین شهر اصفهان

زنگ هنر بود. بچه‌ها مشغول نقاشی بودند. تقویم روی میز من توجهم را جلب کرد. در حال ورق زدن تقویم و خواندن مناسبت‌های هر روز بودم که چشمم به دوم اسفند افتاد؛ «روز گرامیداشت زبان مادری».

جرقه‌ای در ذهنم ایجاد شد. با خود گفتم بهتر است موضوع انشای فردا را بچه‌ها به زبان و گویش مادری خود بنویسند. کلاس من ایران کوچکی است در گوشه‌ای از میهن. بچه‌هایی از قوم کرد،

لر، ترک... در آن زندگی می‌کنند و با عشق خالص کودکانه‌شان در کنار هم درس می‌خوانند.

موضوع انشای پای تابلو نوشتم؛ «خودت را به زبان مادری ات توصیف کن». همه‌ام‌ای در کلاس بر پا شد:

- خانم یعنی به زبان لری؟

- خانم یعنی به زبان کردی؟

- خانم حتی به زبان گزی؟

این آخری را زهراد دختر آرام و مهربان کلاس پرسید. پاسخ دادم: «بله زهراجان، حتی به زبان گزی».

روز چهارشنبه فرارسید. بچه‌ها مشتاقانه در انتظار زنگ انشا بودند. آن‌ها یکی یکی می‌آمدند و خود

را به زبان مادری خود توصیف می‌کردند. طنز را به زبان کردی، مهدیس و آفرین به زبان لری و زهرا به زبان گزی.

بعد از اینکه زهرات انشای خود را به پایان برد، با چشمان معصوم و مهربانش به من نگاه کرد و گفت: «جازه خانم، من تا امروز از بچه‌ها و دوست‌هایم خجالت می‌کشیدم که بگویم من گزی هستم؛ ولی از امروز با افتخار و خوش حالی می‌گویم که من اهل گز هستم و به گویش گزی صحبت می‌کنم».

اشک شوق در چشمانم حلقه زد و در فضای پاک کلاس غرق شدم که صدای زنگ مدرسه مرا به خود آورد.

ابتدایی

اردیبهشت ماه

دوره بیست و هفتم

شماره ۸ | ۱۴۰۳

۳

۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ | روز بزرگداشت شیخ بهایی، روز ملی کارآفرینی

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ | شهادت استاد مرتضی مطهری، روز معلم

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ | شهادت امام جعفر صادق علیه السلام

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ | روز اسناد ملی و میراث مکتوب

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ولادت حضرت معصومه سلام الله علیها و روز دختران

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ | روز بزرگداشت فردوسی

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ | ولادت امام رضا علیه السلام

### فاطمه نوری

#### معلم محور حرکت جامعه

استاد شهید علامه مرتضی مطهری، در کتاب ارزشمند *تعلیم و تربیت در اسلام*، با استناد به آیات ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه ی زمر، روی یکی از ستون‌های مهم در امر تربیت تأکید می‌کند و آن را تربیت بر پایه‌ی عقلانیت تمییز دهنده می‌داند. ایشان متذکر می‌شود متری باید بیاموزد سخن راست را از دروغ، سخن قوی را از سخن ضعیف و سخن منطقی را از غیر منطقی غربال کند. در این نوع تربیت ضرورت ندارد معلم و مربی در تمام لحظات کنار متری حضور فیزیکی داشته باشد و دست او را از ترس لغزیدن و افتادن رها نکند؛ بلکه معلم باید عقل غربالگر را به دانش آموز نشان دهد و مسیر را با راهنمودهایش روشن کند تا او با اقتدار و استوار، بدون ترس از حواشی تاریک در بزنگاه‌های انتخاب، دل به راه زند و با مهندسی ذهن خویش، در مسیر هدایت حرکت کند. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «معلم یعنی آن کسی که می‌تواند خصوصیات اخلاقی خوب را در بچه پرورش دهد و معلومات خوب، فکر کردن و استقلال رأی را به کودک بیاموزد.» (۱۳۷۸/۲/۱۵).

فکر کردن و استقلال رأی، از عقل تمییز دهنده و غربال کننده نشئت می‌گیرد. انسان با این ابزارهایی توانست حق و باطل را تشخیص دهد و در بزنگاه‌های انتخاب، راه سلامت بر گزیند و بگذرد. نسل تربیت شده با این ساز و کار هویت مستقل و باعزت می‌یابد و جریان ساز و عمل ساز در عرصه‌ی اجتماع و تاریخ و آینده‌ی کشورش می‌شود. پایه‌ریزی تمدن نوین اسلامی با چنین نسلی صورت می‌پذیرد.

#### معلم؛ میراث‌دار ارزشمندترین اسناد تاریخ

هر یک از بندگان و مخلوقات خداوند ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که آن‌ها را از دیگر مخلوقات متمایز می‌کند. کسی که می‌خواهد بسیار هدفمند، در سیر تربیتی اشرف مخلوقات، دنباله‌رو انبیا و اولیای الهی باشد، می‌باید با دستورالعمل مواجهه با این مخلوقات آشنا و بر آن مسلط شود. این دستورالعمل در لابه‌لای کلام وحی در قرآن کریم و در بیان معصومین (علیهم السلام) یافت می‌شود. این دستورالعمل برای هر یک از مخلوقات پروردگار متفاوت و تنها برای کسانی که دغدغه‌ی تربیت دارند، قابل کشف و شهود است. این کشف و شهود همان میراث باارزشی است که معلمان میراث‌داران آن هستند.



سخنرانی رهبر معظم انقلاب در مورد شهید مطهری

آیندازی

اردیبهشت‌ماه  
دوره‌ی بیست و هفتم  
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۳



ملت باهدف



### آداب زبان آموزی به معلم

رهبر انقلاب در خصوص اهمیت زبان و شعر فارسی، همچنین ضرورت فهم حکمت‌های نهفته در متون کهن ادبیات فارسی همواره متذکر شده‌اند، از جمله است توصیه‌ی ایشان در مورد حکیم فردوسی مبنی بر اینکه نباید فقط وجه شاعرانگی این شاعر برای نسل جدید پررنگ شود، بلکه لازم است پیام حکیمانه‌ی نهفته در اشعارش نیز مورد توجه و تعلیم قرار گیرد: «فردوسی، حکیم فردوسی است. شما توجه کنید، در بین شعرای ما حکیم فردوسی است. حکمت فردوسی حکمت الهی است. در عمق داستان‌های فردوسی، حکمت گنجانده شده است. تقریباً در همه‌ی داستان‌ها یا بسیاری از داستان‌های فردوسی، حکمت هست؛ لذا به فردوسی می‌گویند: حکیم فردوسی» (۱۳۹۸/۲/۳۰).

### روش تعلیم رئیس مذهب شیعه

حضرت امام صادق، علیه‌السلام، با تربیت شاگردان بسیار، تلاش در گفتمان‌سازی معارف اسلام ناب و مذهب تشیع داشتند. ایشان با انتقال مفاهیم در لایه‌های متعدد و بنا بر ظرفیت وجودی شاگردان خود، حلقه‌های معرفتی و بصیرت‌افزایی تشکیل داده بودند و با کمک شاگردان، جریان حق را تقویت و با جریان باطل مبارزه می‌کردند. ایشان خوب می‌دانستند برای مبارزه با جریان باطل که بر وهمیات و فریب و خرافه سوار شده است و حرکت می‌کند، استفاده از ابزار علم روشی مطمئن و دقیق است. از این رو، شاگردانشان را برای مواجهه‌ی عقلانی با جریان باطل تربیت و هدایت کردند. روش ایشان الگوی محکمی برای همه‌ی معلمان و تعلیم‌دهندگان آینده‌ساز ایران اسلامی است.



### در مدح امام رضا علیه‌السلام

یم توحید گوهر آوردی  
شجر نور نوبر آوردی  
مه ذیقعه چشم ماروشن  
که ز خورشید بهتر آوردی  
نجمه‌ای مادر امام رضا  
تو علی یا پیمبر آوردی  
پسری بهتر از همه پدران  
بهر موسی بن جعفر آوردی  
حرم الله را چون بنت اسد  
حجت‌الله اکبر آوردی  
نام فرزند خود علی بگذار  
تا بینند حیدر آوردی  
چاره روح پاک را امشب  
در یکی پاک‌پیکر آوردی  
این پسر مثل مادرش زهر است  
پاره‌ی پیکر رسول خداست



میلاد امام رضا (ع)

کانون هنر شیعی



آبشار

اردیبهشت ماه  
دوره‌ی بیست و هفتم  
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۳



(استاد غلامرضا سازگار)

# قدر قرآن

## چگونگی آموزش سوره‌ی قدر به دانش آموزان پایه‌ی سوم

مریم خدادادی

مسئول کارگروه مدرسه‌ی دانشجویی قرآن

و عترت (ع)

در شماره‌های پیشین، با تعریف فهم قرآن در دوره‌ی ابتدایی و برنامه‌ی آموزش سوره‌های جزء سی آشنا شدیم. در دو شماره‌ی قبل نیز نحوه‌ی آموزش سوره‌ی مبارکه‌ی حمد و سوره‌ی مبارکه‌ی قریش را به‌عنوان نخستین سوره‌های پایه‌های اول و دوم بررسی کردیم. اکنون در این شماره، درصدد بیان چگونگی یاد دادن سوره‌ی مبارکه‌ی قدر به دانش آموزان پایه‌ی سوم ابتدایی هستیم. این سوره اولین سوره‌ای است که به‌منظور «فهم قرآن»، به دانش آموزان پایه‌ی سوم آموزش داده می‌شود.

محور آموزشی سال سوم «فصل و تفصیل» و به‌منظور کشف ارتباطات و فهم قوانین است. مقصود از فصل جداسازی انتخاب‌ها و دانستن راه‌حل‌های متعدد مسئله‌ها، طبقه‌بندی، دسته‌بندی، مرحله‌بندی و فصل‌فصل کردن چیزهاست. منظور از تفصیل هم که معنایش در اینجا معادل جداسازی و کشف ربط آمده است، مشاهده‌ی اجزای یک پدیده یا یک اتفاق است، به‌گونه‌ای که آن مشاهده قضاوت فرد را در مورد آن پدیده و اتفاق تقویت کند؛ مثلاً می‌توان با مشاهده و بهره‌مندی از زمان‌های متنوع شبانه‌روز، به تنوعی از کارآمدی دست یافت یا با در نظر گرفتن منافع و خواص اشیا به تمایز آن‌ها از هم و بهره‌مندی متفاوت از آن‌ها رسید.

دانش آموزان در پایه‌ی سوم باید با قوانین متعدد هستی و ارتباطاتی که میان پدیده‌ها وجود دارند، آشنا شوند و متناسب با قوانینی که یاد می‌گیرند، برای تنظیم عمل و رفتار خود تلاش کنند. مفهوم عمل به دانسته‌ها و رفتار کردن بر اساس ادراک و دریافت، آرام‌آرام، از این پایه موضوعیت پیدا می‌کند. در این سن می‌توانیم انتظار عمل از دانش آموزان داشته باشیم، از جمله

آشنا شوند. به علاوه در خلال گفت‌وگو در باره‌ی ارزشمندی شب قدر، در قبال سایر شب‌های سال، ارزشمندی قرآن در برابر همه‌ی کتاب‌های دیگر را هم می‌توانیم مطرح کنیم.

می‌دانیم که هنگام آموزش سوره‌های نیازی به خواندن ترجمه نیست؛ زیرا کودکان در این سن، همانند سال‌های پیش، درک و دریافت چندانی از ترجمه‌ی یک سوره نخواهند داشت. البته اگر خودشان بخواهند و اصرار کنند، می‌توانیم ترجمه‌ی سوره را برایشان بخوانیم.

پیام سوره را با هر روشی که می‌توانیم منتقل می‌کنیم. مهم این است که به واسطه‌ی آموزش سوره‌ی قدر، دانش آموزان هم با این سوره انس بگیرند و هم بیش از پیش قدر زمان خود را بدانند و در حد خودشان تلاش کنند که برای کارهایشان برنامه بریزند. علاوه بر این، در ماه رمضان نیز توجه بیشتری به شب‌های قدر داشته

موضوعاتی که دانش آموزان در این پایه می‌توانند به آن توجه کنند و همچنین می‌تواند بر عمل و رفتار آن‌ها اثر بگذارد، اهمیت زمان است. این امر به واسطه‌ی آموزش سوره مبارکه‌ی قدر، در ابتدای پایه‌ی سوم، اتفاق می‌افتد.

در این سوره، موضوع ارزشمندی شب‌های قدر مطرح می‌شود. «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنَ الْيَوْمِ» (شب قدر بهتر از هزار ماه است). هزار ماه بیش از هشتاد سال است؛ یعنی ارزش یک شب می‌تواند به اندازه‌ی ارزش عمر یک انسان باشد. فردی که برای تک‌تک دقیقه‌های زندگی‌اش اهمیت قائل است، وقتی مفهوم «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنَ الْيَوْمِ» را درک می‌کند، بسیار خوش حال می‌شود؛ مانند اینکه به چنین شخصی که از دقیقه‌های زندگی خود کمال استفاده را می‌برد، بگوییم: «آیا می‌خواهی یک شب چندین هزار برابر برایت سود داشته باشد؟»

اما برای آموزش این سوره به دانش آموزان پایه‌ی سوم، بیش از اینکه از مفهوم شب قدر سخن بگوییم، به بحث ارزشمندی زمان و اوقات می‌پردازیم. البته در نهایت به ارزش شب قدر هم می‌رسیم؛ اما از ابتدا وارد این موضوع نمی‌شویم. آنچه از این سوره به دانش آموزان می‌گوییم، این است: «بچه‌ها، سوره‌ی قدر به ما یاد می‌دهد زمان بسیار ارزشمند است و زمان‌های گوناگون با هم فرق دارند. صبح با ظهر و روز با شب متفاوت است. هر کدام ارزش خود را دارند و هر یک برای انجام برخی کارها مناسب‌اند. بعضی کارها را می‌توان شب‌ها انجام داد و بعضی کارها مناسب روز هستند. مهم این است که قدر زمان خود را به خوبی بدانیم و از هر وقتی به درستی استفاده کنیم.»

با آموزش سوره‌ی مبارکه‌ی قدر، در این پایه، دانش آموزان باید با ارزش زمان آشنا شوند، کمی برنامه‌ریزی یاد بگیرند و کم‌کم بتوانند برای کارهای کوچک، یک برنامه‌ی مختصر و کوتاه‌مدت بریزند. همچنین لازم است، به واسطه‌ی این سوره، با شب قدر و ارزش آن





باشند. قبل از آموزش ارزش زمان، می‌توانیم به عنوان مقدمه، کمی روی مفهوم «ارزشمندی» کار کنیم و مصداق‌هایی از افراد، مکان‌ها و امور ارزشمند را با بچه‌ها مرور کنیم؛ مثلاً از پدر و مادر که دو فرد ارزشمند در زندگی هر انسانی هستند، یاد کنیم یا از حرم‌ها و مسجدها که از ارزشمندترین مکان‌ها هستند، صحبت کنیم. بهتر است پیام سوره را با انجام فعالیت‌هایی به دانش‌آموزان منتقل کنیم؛ مثلاً می‌توانیم در قالب فعالیتی در قالب نقش‌های گوناگونی که افراد در جامعه دارند و همچنین تأثیر نقش آن‌ها در جامعه، ارزشمندی جایگاه افراد متعدد را بیان کنیم یا مستندی در مورد ویژگی‌های شب و روز به بچه‌ها نشان دهیم تا تمایز کارهایی که در هر یک از این اوقات می‌شود انجام داد، برای آن‌ها روشن شود. حتی می‌توانیم از افرادی که در کارشان موفق هستند، دعوت کنیم و آن‌ها

از ارزش زمان در کارشان برای بچه‌ها بگویند و نقش برنامه‌ریزی در پیشبرد کارهایشان را توضیح دهند؛ مانند ناوای موفقی که لازم است نیمه‌شب یا صبح خیلی زود، مقدمات مهمی را برای پخت نان فراهم کند یا یک نقاش ساختمان که وقتی زمانی را برای پایان کار معین می‌کند، از زمانش به خوبی بهره می‌برد و سعی می‌کند زیر وعده‌اش نزند. اگر بتوانیم برای انتقال پیام سوره‌ی مبارکه‌ی قدر از قالب‌های متنوع استفاده کنیم، بی‌شک فضای کلاس‌مان جذاب‌تر و بانشاط‌تر می‌شود. دانش‌آموزان در این سن با کمی طنزآمیز شدن فضا حس و حالشان تغییر می‌کند و اشتیاقشان برای شنیدن مطالب ما به مراتب بیشتر می‌شود. استفاده از شعرها و شعارهایی که در مورد ارزش زمان است و امکان حفظ کردن یا نصب آن در فضای کلاس وجود دارد، می‌تواند مفید باشد.

تمرین و حفظ سرودی با موضوع شب قدر یا ارزشمندی زمان، اجرای نمایش با مضمون استفاده از وقت‌ها و زمان‌ها، بیان داستان‌هایی که در مورد شب قدر است و می‌تواند احساس دانش‌آموزان به شب قدر را بیشتر و بیشتر تحت تأثیر قرار دهد، بیان داستان‌هایی که توجه دانش‌آموزان را به وقت‌شناسی جلب می‌کند، همگی از قالب‌های انتقال پیام سوره‌ی قدر هستند. آنچه در میان همه‌ی فعالیت‌ها از بالاترین سطح اهمیت برخوردار است، خواندن مستمر سوره همراه با حس خوب است؛ زیرا این امر است که اصل رشد را در دانش‌آموزان رقم می‌زند.

منبع  
دربخش، رضا و خدادای، مریم، ۱۴۰۲، فهم قرآن پایه‌ی سوم دبستان، چاپ اول، تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت (ع).



# احساس خوب طبیعت

خانواده‌هایشان، احساس خوب طبیعت را به فعالیت آنان ابراز می‌کنند. در ادامه، بازی‌های گروهی را هم برای نشاط و هیجان بیشتر بچه‌ها انجام می‌دهیم و در آخر، پس از صرف یک عصرانه، کیسه‌های زباله را از آن مکان خارج می‌کنیم.

## ■ ایده‌ی «من و محیط زیست» چطور شکل گرفت؟

محیط زیست متعلق به همه است. گاهی برای تفریح و گردش به طبیعت می‌رویم و متأسفانه هر بار می‌دیدم خانواده‌ها هیچ توجهی به طبیعت ندارند. ناخوشایندتر از آن، تکرار رفتار بزرگ‌ترها از سوی کودکان بود؛ مثلاً می‌دیدم همان‌طور که پدر یا مادری زباله‌ی خودش را در رودخانه رها می‌کند، فرزند خردسال او هم چنین کاری را انجام می‌دهد.

اینجا بود که تصمیم گرفتم این برنامه را با حضور خانواده‌ها انجام دهم. پنج سال پیش اولین بار این برنامه را اجرا کردم و از آن به بعد، هر ساله این برنامه را در کودکانمان اجرا می‌کنیم.

کوشا باشیم، یک برنامه‌ی آموزشی و تربیتی را با حضور کودکان، والدین آن‌ها، پاکبانان محیط زیست و مسئولان آموزش و پرورش ترتیب می‌دهد. در این برنامه که در یک منطقه‌ی تفریحی و گردشگری اجرا می‌شود، ابتدا پاکبانان محیط زیست در مورد محیط زیست و ارزش و جایگاه آن برای کودکان مطالبی را بیان می‌کنند. در ادامه‌ی برنامه، پلاستیک‌های زباله به همراه دستکش بین خانواده‌ها و کودکانشان پخش و از آن‌ها خواسته می‌شود با همراهی هم‌زبانان خود در محیط اطراف خود را جمع‌آوری کنند و در پلاستیک زباله بریزند. بعد از آن هم یکی از محیط‌بانان، ضمن تشکر از نواآموزان و

گفت و گوکننده:

ساجده صالحی نودز



خانم معصومه ارجمند متولد شهرستان رودان استان هرمزگان است و مدرک کارشناسی آموزش ابتدایی دارد. او در حال حاضر کودکستانی را دایر کرده است و با سابقه‌ی دوازده‌ساله‌ی مربیگری در این حوزه به مدیریت آن مشغول است. در حال حاضر، وی علاوه بر مدیریت کودکستان، در حوزه‌های فرهنگی هم فعالیت دارد و جزو گروه مرپیان هم‌اندیش در این حوزه در منطقه‌ی خویش است.

## ■ چه شد که مربیگری دوره‌ی کودکستان را انتخاب کردید؟

از کودکی رابطه‌ام با همه به خصوص بچه‌های کوچک‌تر از خودم خوب بود. در هر مهمانی بچه‌ها را دور خودم جمع می‌کردم و به آن‌ها درس می‌دادم، معلم بازی را دوست داشتم. این روحیه‌ی من باعث شده بود همه‌ی اطرافیان، من را به شغل معلمی تشویق کنند. از همان روزها بود که تصمیم گرفتم معلم شوم. دبیرستان را که تمام کردم، بعد از مدتی کار در دارالقرآن و سازمان تبلیغات را به من پیشنهاد دادند و این گونه شد که به صورت غیررسمی فعالیت فرهنگی را شروع کردم. بعد از آن برای مربیگری در یک مهدقرآن دعوت به کار شدم. اولین تجربه‌ی رسمی من از آنجا شروع شد و خدا را شکر همان سال اول مربیگری من، مورد توجه مسئولان مجموعه و والدین قرار گرفت و از آنجا بود که به صورت حرفه‌ای کارم را شروع کردم. تحصیلات دانشگاه را در همین راستا ادامه دادم تا امروز که به عنایت خداوند مهربان و اهل بیت، علیهم السلام، کودکستانی مستقل دارم.

## ■ لطفاً ایده‌تان را برای ما توضیح دهید.

من نام ایده‌ام را «من و محیط زیست» گذاشته‌ام و بر طبق آن، کودکان ما هر ساله با هدف آشنایی نواآموزان با محیط زیست، لزوم حفظ و نگهداری آن و با شعار «محیط زیست متعلق به همه‌ی موجودات است، در حفظ و نگهداری آن



■ چرا به طراحی برنامه‌ی درسی برای حفظ محیط‌زیست، آن هم با محوریت کودکان سنین قبل از دوره‌ی اول ابتدایی، پرداخته‌اید؟

شخصیت کودکان در هفت سال اول زندگی آنان پایه‌ریزی می‌شود. بنابراین اگر ما آموزش مهارت‌ها را از این سن آغاز کنیم، در آینده باز خورد و نتیجه‌ی بهتری خواهیم گرفت. از طرفی به نظرم می‌توان گفت از احترام به طبیعت و محیط‌زیست به احترام به پدر و مادر، احترام به دوستان و هم‌سن و سالان نیز خواهیم رسید.

■ کار با کودکان پیش از دبستان چگونه است؟

کار با کودکان، به خصوص کودکان پیش از دبستان، شیرین و لذت‌بخش است. دنیای آن‌ها وصف‌شدنی نیست. هیچ چیزی را نمی‌توان با در کنار کودکان بودن مقایسه کرد، به‌ویژه زمانی که مهارتی را به آن‌ها آموزش می‌دهیم و رشد

آن مهارت را در آنان می‌بینیم. آن لحظات برای هر مربی بسیار شیرین و دلنشین است.

■ تاکنون خانواده‌ها چه واکنشی به این ایده از خود نشان داده‌اند؟

خانواده‌ها از اجرای این برنامه راضی بودند و حتی درخواست برگزاری مجدد این برنامه را داشتند. ما به مناسبت روز هوای پاک هم تصمیم داریم این برنامه را با حضور خانواده‌ها و فرزندان‌شان برگزار کنیم. البته بعضی خانواده‌ها نگرانی‌هایی در خصوص آسیب‌رسیدن به دست کودک خود داشتند؛ مثلاً شنیده می‌شد که ممکن است دست بچه‌ها به شیشه برخورد کند و... که با همراهی خود خانواده‌ها این نگرانی نیز بر طرف شد.

■ خاطره‌ای از اجرای این ایده در طول این سال‌ها دارید؟

می‌توان گفت لحظه‌به‌لحظه‌ی اجرای این ایده سرشار از خاطره است. وقتی کودکی کیسه‌ی

زباله‌ی خودش را پر کرده است، گویی احساس قدرتمندی می‌کند و زمانی هم که کیسه‌ی پرشده‌ی خودش را به رخ دوستش می‌کشد، بسیار دیدنی است.

■ پیشنهادتان برای تأثیر بیشتر موضوعات و مباحث محیط‌زیستی در ذهن کودکان و اولیا چیست؟

باید شرایطی برای آموزش خانواده‌ها ایجاد شود تا آن‌ها بتوانند با جاذبه‌های محیط‌زیست منطقه‌ی خود و اهمیت و نقش آن در زندگی آشنا شوند. به نظرم آن‌ها این‌گونه اشتیاق بیشتری برای حفظ محیط‌زیست و پاکسازی آن خواهند داشت.

■ به نظر تان چگونه می‌توان این ایده را وارد دوره‌ی ابتدایی کرد؟

می‌توان بخشی از برنامه‌ی درسی و محتوای یک کتاب مثل علوم یا مطالعات اجتماعی را به محیط‌زیست و پاکسازی آن یا یک جاذبه‌ی گردشگری در منطقه‌ی بومی خود دانش‌آموزان اختصاص داد. همچنین دانش‌آموزان می‌توانند، در ادامه‌ی یک درس، به همراه والدین و آموزگاران خود به یک منطقه‌ی گردشگری بروند و به جمع‌آوری زباله‌های آن محیط بپردازند.

■ در روزهای بعد از این تجربه، به محیط‌زیست چه بود؟ آیا دوست داشتند دوباره آن را تکرار کنند؟

می‌توان گفت عکس‌العمل آن‌ها فوق‌العاده بود، به خصوص وقتی تصویرهایشان را مشاهده می‌کردند یا اتفاقاتی را که برایشان افتاده بود، تعریف می‌کردند؛ مثلاً کودکی هنگام برداشتن زباله، ملخی را دیده بود و با هیجان آن را برای دوستانش تعریف می‌کرد. برخی از آن‌ها روزهای بعد هم که با خانواده برای تفریح بیرون رفته بودند، یکی از برنامه‌هایشان پاکسازی محیطی بود که برای تفریح به آنجا رفته بودند.

■ آیا در این بین کودک یا والدی بود که نخواهد به جمع‌آوری زباله بپردازد؟

خیر. چنین موردی نداشتیم. تاکنون همه مشتاقانه این کار را انجام داده‌اند.

■ ضمن تشکر از حضور تان در این گفت‌وگو، ما نیز آرزو می‌کنیم، همان‌گونه که شما در تلاش هستید، فرهنگ حفظ محیط‌زیست در هر خانواده و در وجود هر ایرانی نهادینه شود.



# گودال همیشه ترسناک نیست

سیدعلی عبداللہی حسینی

سفیر نوآفرینی آموزش، مربی (کوچ)

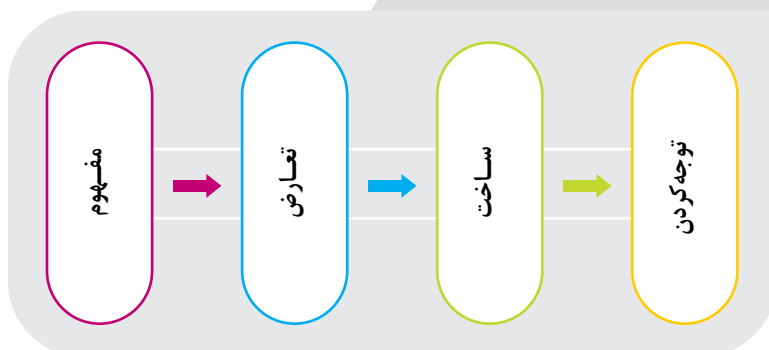
دکتر عذر ایبگم ہژبری

مدیر مدرسه دخترانه‌ی مهرگان بابل

## اشاره

همه‌ی ما وقتی با یک چالش روبه‌رو می‌شویم، ناگزیر از سفر به درون گودال تردید هستیم. افکاری مانند «من شکست خوردم» یا «گیر افتادم» نشانه‌هایی از روبه‌روی با این گودال و البته حاکی از شروع یادگیری عمیق‌تر است. هدف این نوشتار ارائه‌ی راهکاری به دانش‌آموزان است تا در هنگام قرار گرفتن در وضعیت تعارض شناختی، آن‌را فرصتی برای یادگیری بیشتر قلمداد کنند. آن‌ها باید بتوانند بودن در خارج از منطقه‌ی راحتی و امن خود را بدون احساس انزجار توصیف کنند. در ضمن، باید با آن‌ها در مورد اثر مثبت نوسانی عمل کردن نیز صحبت کرد و بر ایشان خاطر نشان ساخت که این نوسانات به معنای این است که آن‌ها در حال پیشرفت هستند و اینکه اشتباهات مایه‌ی خجالت نیستند؛ بلکه پله‌هایی برای پیشرفت‌اند.

## مراحل گودال یادگیری



**۱. مفهوم:** اولین قدم در گودال یادگیری این است که مفهوم خود را به‌طور واضح مشخص کرده باشید (مقصد یا هدف خود را بدانید)، به‌گونه‌ای که وقتی فرایند پرسشگری خود را برنامه‌ریزی می‌کنید، بتوانید دانش‌آموزان خود را به سمت اهداف دوگانه سوق دهید؛ نخست درک و فهم بهتر مفهوم و سپس، به‌چالش کشیدن آن.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که اگر فراگیرندگان هیچ ایده‌ای در ذهن نداشته باشند، در گودال نخواهند بود. گودال نشان‌دهنده‌ی حرکتی فراسوی یک ایده‌ی اصلی واحد به سمت داشتن ایده‌های چندگانه است که هنوز مرتب نشده‌اند. این فرایند هنگامی رخ می‌دهد که فراگیرندگان به شکل هدفمندی ناسازگاری‌ها، استثنایاها و تضادها را در تفکر خود یادگیران بررسی کنند تا از این طریق درک و فهم غنی‌تر و پیچیده‌تری بیابند.

**۲. تعارض:** لازمه‌ی چالش یادگیری این است که دانش‌آموزان خود را از طریق ایجاد تعارض شناختی در ذهن وارد گودال کنید. ایجاد تعارض شناختی حساب‌شده‌ی عاملی است که چالش یادگیری را برای ایجاد جو چالش، کاوشگری، استدلال و منطقی بودن به یک مدل خوب تبدیل می‌کند. شرط لازم برای به‌هم‌زدن تفکر دانش‌آموزان پرسشگری متمرکز، هدفمند و آگاهانه است.

افراد در نتیجه‌ی رویارویی با تعارض شناختی ترغیب می‌شوند کارهایی را انجام دهند، از جمله



جست‌وجوی راه‌حل‌ها یا پاسخ‌های جایگزین، تلاش برای شناسایی علت و معلول، درخواست راهنمایی، تفکر در مورد مزیت‌های نسبی یک رویکرد در مقایسه با رویکردی دیگر و ... به بیان دیگر، تعارض شناختی ترغیب افراد به تفکر است.

**۳. ساخت:** پس از مدتی در گودال بودن (این زمان ممکن است دقیقه‌ها، ساعت‌ها یا گاهی اوقات تاروژها و هفته‌ها بسته به موقعیت طول بکشد)، برخی از دانش‌آموزان شما به بالا رفتن از گودال اقدام می‌کنند. آن‌ها این کار را با شناخت یادگیری خود، ایجاد پیوندها، ساخت معنا، اجرای ماهرانه‌تر مهارت‌ها، بررسی گزینه‌ها، پیوند دادن ایده‌ها به یکدیگر و توضیح علت و معلول انجام می‌دهند. هدف بالا رفتن از گودال، لزوماً راهی از گودال و رسیدن به جواب نیست؛ چراکه بسته به موقعیت، ممکن است جواب‌های احتمالی زیادی وجود داشته باشند. هدف از بالا آمدن از گودال این است که دانش‌آموزان بتوانند درک و فهم پیچیده‌تر و کامل‌تری از مفهوم ارائه کنند. اغلب، اگر چه نه همیشه، این کارها آن‌ها را به سمت احساس «یافتن» هدایت می‌کند. آن‌ها در این زمان بینش تازه‌ای پیدا می‌کنند.

**۴. توجه کردن:** دانش‌آموزانی که به مرحله‌ی چهارم می‌رسند، باید در مورد سفر یادگیری خود تأمل کنند. آن‌ها این کار را با توجه به نحوه‌ی پیش‌روی و حرکت خود از ایده‌های اولیه و سطحی مرحله‌ی اول و با شناسایی ایده‌های متعارض و پیچیده‌تر مرحله‌ی دوم و رسیدن به درک و فهمی عمیق‌تر از چگونگی ارتباط همه‌ی این ایده‌ها در مرحله‌ی سوم انجام می‌دهند و در نهایت، در مرحله‌ی پایانی، دانش‌آموزان می‌توانند



مرتب کنند و درک بهتری از مفاهیم ریاضی به دست آورند. در نهایت، از مفاهیم درسی استفاده و مسائل را حل کنند.

مثال دیگری را که در مورد استفاده از گودال یادگیری در کلاس‌های درس یا مدرسه مطرح می‌کنیم. فرض کنید گروهی از دانش‌آموزان علاقه‌مند به هوش مصنوعی و روباتیک، تصمیم می‌گیرند یک گودال یادگیری تشکیل دهند. آن‌ها در یک فضای آزاد، مثل کتابخانه‌ی مدرسه یا بوستان محل، دور هم جمع می‌شوند.

در مرحله‌ی اول یا همان مرحله‌ی مفهوم، بچه‌ها درباره‌ی علاقه‌ی مشترکشان به روباتیک صحبت می‌کنند و ایده‌های اولیه‌ی خود را مطرح می‌سازند.

در مرحله‌ی تعارض، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح می‌شوند؛ مثلاً برخی فکر می‌کنند روبات‌های خانگی مفیدترند و برخی روبات‌های صنعتی را بهتر می‌دانند. آن‌ها درباره‌ی این تعارض‌ها به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند.

در مرحله‌ی ساخت، آن‌ها تلاش می‌کنند ایده‌های مشترک‌ی بیابند؛ مثلاً تصمیم می‌گیرند یک روبات ساده برای کمک به کارهای منزل طراحی کنند. در نهایت، در مرحله‌ی آخر که همان مرحله‌ی توجه است، بچه‌ها نظرات و بازخوردهای دربار‌ه‌ی فرایند یادگیری مشترکشان ارائه می‌دهند تا دفعه‌ی بعد بهتر عمل کنند.

با احساس غرور، هشتمین مقاله‌ای را که محور اصلی‌اش رهنمودها و روش‌هایی برای تقویت مهارت پرسشگری و پرسش‌آفرینی در دانش‌آموزان بود، در هشتمین شماره‌ی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی به اشتراک گذاشتیم. همکاری با این مجله‌ی معتبر و تأثیرگذار برای ما بسیار ارزشمند بود و خاطرات شیرینی به یادگار گذاشت. همکاری سردبیر محترم و هیئت تحریریه‌ای که همواره با توجه و انرژی‌شان ما را تشویق می‌کردند و بازتاب‌ها و نظرات خوانندگان گرامی موجب شد مقالات ما از کیفیت بیشتری برخوردار شود و مسیر خلاقانه‌تری را طی کند. اکنون با خاطره‌های شیرین از این همراهی‌ی خداحافظی می‌کنیم و امیدواریم همکاری‌مان برای سال آتی ادامه یابد. الهی آمین.

پی‌نوشت

۱. برای جلوگیری از افزایش متن، از نوشتن فرایند تدریس به شیوه‌ی مکاشفه‌ای پرهیز شد.

منبع

رنتون، مارتین، چگونه پرسش‌های خود را در کلاس مطرح کنیم؟ راهنمای عملی معلمان و دانش‌آموزان در به چالش کشیدن یادگیری با پرسشگری، مترجمان: دکتر حسن نادعلی پور، زهرا اسدی و مریم‌السادات موسوی، از مجموعه کتاب‌های توسعه‌ی سواد سنجش معلمان، شماره‌ی ۶، تهران: آوای نور.

اعدادی هستند که بر ۲ بخش پذیرند. برعکس اعداد فرد اعدادی هستند که قابل تقسیم بر ۲ نیستند و باقی‌مونده دارند.

معلم: خیلی خوب، حالا بیایم این مفهوم را با تجربه‌های خودتون مقایسه کنیم. آیا تجربه‌ای داشتین که ممکنه با تعریفی که به شما دادم، تعارض داشته یا متفاوت باشه؟

دانش‌آموز ۶: من تجربه داشتیم که برخی اشیاء را به دو گروه تقسیم می‌کردیم؛ اما این اشیاء همه اعداد زوج نبودند.

معلم: عالی‌ه. درسته، این تجربه می‌تونه با تعریف اعداد زوج و فرد تعارض داشته باشه. حالا بیایم سعی کنیم این تعارض را حل کنیم و اطلاعات جدید را با دانسته‌های قبلی خود مرتبط کنیم. چه جوری می‌تونیم این تعارض را حل کنیم؟ دانش‌آموز ۷: ممکنه تعریف اعداد زوج و فرد تنها در ریاضیات برقرار باشه و در دیگر موارد، تقسیم بر ۲ می‌تونه به شیوه‌های متنوعی انجام بشه؟

معلم: دقیقاً! این نتیجه صحیح‌ه. تقسیم بر ۲ به شیوه‌های متنوعی صورت می‌گیره و تعریف اعداد زوج و فرد تنها در ریاضیات برقراره. حالا که این تعارض را حل کردیم، می‌تونیم از این مفهوم در حل مسائل ریاضی استفاده کنیم؛ مثلاً می‌تونیم از تعریف اعداد زوج و فرد در جدا کردن اشیاء به دو دسته استفاده کنیم.

در این روند، از مفهوم اعداد زوج و فرد استفاده می‌شود تا دانش‌آموزان درک بهتری از این مفهوم پیدا و از آن در حل مسائل استفاده کنند. گودال یادگیری به دانش‌آموزان کمک می‌کند با تعارضات موجود و دانسته‌های قبلی خود مواجه شوند، اطلاعات جدید را با دانسته‌های قبلی خود

در مورد بهترین راه‌ها برای ارتباط و به‌کارگیری درک و فهم جدید خود در زمینه‌های متعدد و به‌چالش کشیدن دیگران تفکر کنند.

در ادامه با هم وارد کلاسی می‌شویم که قرار است این چهار مرحله را در درس ریاضی با مفاهیم زوج و فرد و بخش‌پذیری اعداد بر دو اجرا و پیاده‌سازی کنیم:

معلم: سلام دانش‌آموزان عزیز. امروز می‌خوایم درباره‌ی مفهوم اعداد زوج و فرد صحبت کنیم. آیا کسی می‌دونه این دو مفهوم چه معنی دارن؟ دانش‌آموز ۱: من می‌دانم. اعداد زوج عددهای دوتایی هستند. یعنی با هم هستند.

معلم: خوب، تا حدودی درسته. آیا کسی می‌تونه مثالی در این مورد بزنه یا بیشتر توضیح بده؟ دانش‌آموز ۲: مثل خود عدد ۲. ۲ تایی است. هر دو در کنار هم هستند. پس می‌تونه زوج باشه.

معلم: عالی‌ه. حالا درباره‌ی عددهای فرد صحبت کنیم. اعداد فرد چه ویژگی‌هایی دارن؟ دانش‌آموز ۳: من فکر می‌کنم اعداد فرد تکی هستند، تنها هستند.

معلم: درست است. آیا کسی می‌تونه یه مثال از اعداد فرد بزنه؟

دانش‌آموز ۴: عدد ۱ فرد است، چون هیچ رفیقی کنارش نیست و تنهاست.

معلم: حالا با توجه به پاسخ‌هایی که دادین، برای اینکه کامل‌تر این مفاهیم را یاد بگیرین، به درس امروز با دقت گوش بدین...!

خب، حالا با توجه به مراحل که تدریس کردم، اگر بخواهین به تعریفی از اعداد زوج یا فرد ارائه بدین، چی می‌گین؟

دانش‌آموز ۵: (با حمایت معلم): اعداد زوج

# آموزش ماهیگیری به جای دادن ماهی

محمد سبحانی

عضو بنیاد تعلیم و تربیت برهان

آلهه صبوری فر

آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی استان قم

گرسنگی را بفهمد و برخیزد. آن وقت است که خودش در پی آموختن ماهیگیری می‌رود. به قول حضرت حافظ: «طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک/ چو درد در تو نبیند که را دوا بکند» وقتی دانش آموز درد و دغدغه را بفهمد، خودش برای حل آن پیش قدم خواهد شد. خوشبختانه برخی از مربیان در شهرهای متعدد روش مسئله‌محوری را پیش گرفته‌اند و با این فضا پیش می‌روند و نمونه‌هایی نیز برای بنده ارسال کرده‌اند.

در این نوشتار، می‌خواهم به موضوع دیگری اشاره کنم که بیشتر مدرسه‌ها با آن درگیر هستند. موضوعی که در قالب مسئله‌محوری باید به آن پرداخت و آن را حل کرد.

## نظافت و باز یافت

همه‌ی ما دیده‌ایم که گاهی بچه‌ها کلاس‌ها را خیلی کثیف می‌کنند و به نظافت آن اهمیتی نمی‌دهند. این موضوع دغدغه‌ای را برای همه‌ی ما ایجاد کرده است و دائم در تلاشیم، تا حد امکان، این رفتار را اصلاح و اوضاع را بهتر کنیم. بی‌شک همگی کارهای متعددی را امتحان کرده‌ایم؛ ولی آن کارها یا اصلاً جوابگو نبوده‌اند یا برای مدت کوتاهی فایده داشتند و دوباره با این معضل روبه‌رو شده‌ایم.

در ادامه، راهکارهایی بیان می‌شوند که حاصل تجربه‌ی خودم با برخی از دوستان پیشنهاد دادن جایزه و هدیه را مطرح کردند. این راهکار فقط مدت زمان کوتاهی فایده داشت. نخست، همه‌ی دانش‌آموزان برای نظافت مدرسه همراه شده بودند؛ ولی بعد از یکی دو روز، این روش جذابیت خودش را از دست داد و دوباره اوضاع به روال قبل برگشت.

یک راهکار دیگر این بود که برای بچه‌ها نمره در نظر گرفتیم. آن هم مثل جایزه جواب نداد. یک بار هم از خود بچه‌ها خواستیم که کلاس‌ها را نظافت کنند که با اعتراض برخی از اولیا روبه‌رو شدیم. برایشان مثال مدرسه‌های ژاپن را زدیم که خیلی قانع نشدند.

تاکنون در این بخش از مجله مطالب و طرح‌های در زمینه‌ی «مسئله‌محوری» بیان شده‌اند که با توجه به آن‌ها، امیدواریم این مفهوم برای همه‌ی عزیزان مشخص شده باشد. به‌طور کلی می‌توانیم مسئله‌محوری را چنین توضیح دهیم: «فرایندی که در آن کاری می‌کنیم تا دانش‌آموز به موضوعی خاص احساس نیاز پیدا کند و بعد از احساس نیاز، به سمت رفع این احساس پیش برود.»

برنامه‌ی درسی موقعیتی است که دانش‌آموز را به سمت شناخت وظایفش و عمل به آن‌ها سوق می‌دهد. حال وقتی دانش‌آموز در مسیر عمل به وظیفه‌اش با تهدیدها یا فرصت‌هایی مواجه می‌شود، یادگیری مسئله‌محور شکل می‌گیرد. در واقع رشد و تربیت حقیقی به شیوه‌ی مسئله‌محور زمانی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموز مسائل را با انگیزه‌ی عمل به تکلیف‌هایی که بر عهده‌اش است، حل کند. با این توضیحات مسئله به این شکل تعریف می‌شود: «موقعیتی که بر سر راه دست‌یابی به ارزش‌ها هدف‌های فرد ایجاد می‌شود و به خاطر موانعی که در آن وجود دارد، وی را از رسیدن به آن هدف دور می‌کند.» در واقع مربی باید به دانش‌آموزان یاد دهد که چگونه در موقعیت‌های گوناگون تلاش کنند. وظیفه‌شان را متناسب با سنشان پیدا کنند. اگر دانش‌آموز به خوبی در این زمینه تمرین کند، در آینده خودش وظایفش را پیدا می‌کند. چنین شخصی جامعه‌را موقعیتی می‌داند که می‌تواند در آن به حل مسئله بپردازد و به مردم در زمینه‌های ایمانی و انسانی و اجتماعی کمک کند. پس همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم، مربی باید کاری کند که دانش‌آموز حساس شود و نه تنها ماهی که حتی ماهیگیری هم به او یاد ندهد؛ بلکه باید کاری کند که وی درد خود یعنی

آیندازی

از دین بهشت ماه  
دوره‌ی بیست و هفتم  
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۳

۱۲

حتی کمی هم به مدرسه‌های ژاپن فکر کردیم که آیا ما هم باید مثل آن‌ها باشیم یا نه. آن‌ها چه کار می‌کنند؟ بعد از کمی تحقیق و بررسی متوجه شدیم بیشتر دانش‌آموزان ژاپنی به خاطر وجود دوربین و اینکه مجبورند چنین کنند، به نظافت کلاس‌ها و مدرسه می‌پردازند. این مطلوب ما نبود. دوست داشتیم خود بچه‌ها به این موضوع برسند که نظافت را باید انجام دهند. چند وقتی گذشت تا اینکه فیلم کوتاهی دیدم به نام «عباس» که خاطره‌ای از شهید عباس بابایی بود. قبلاً خاطره‌اش را هم خوانده بودم؛ ولی یادم رفته بود.

در این خاطره نقل شده بود که روزی عباس بابایی در مدرسه در حال بازی کردن بود. ناگهان معاون مدرسه را دید که دارد بابایی مدرسه را بازخواست می‌کند که حیاط و کلاس‌ها باید حتماً هر روز کامل تمیز باشند؛ و گرنه باید شخص دیگری به جای شما به مدرسه بیاید. بابایی مدرسه هم که کمی پیر بود و کمی هم ناخوش احوال، خیلی ناراحت و افسرده شد. حتی همسرش هم که با او در مدرسه زندگی می‌کرد، زیاد نمی‌توانست به او کمک کند. عباس بابایی که این صحنه را دید، چند شب یواشکی وارد مدرسه می‌شد و قبل از اینکه بابایی مدرسه از خواب بیدار شود، مدرسه را نظافت می‌کرد. بعد از مدتی بابایی مدرسه فهمید که نظافت مدرسه کار عباس است و کلی از او تشکر کرد.

کمی که فکر کردم دیدم شهید بابایی درد و دغدغه را فهمیده است. او به گونه‌ای رشد کرده بود که درد بابایی مدرسه را درد خودش می‌دانست. ما هم باید همین کار را انجام می‌دادیم؛ یعنی باید دغدغه‌ی خودمان را تبدیل به دغدغه‌ی بچه‌ها می‌کردیم.



روزی در یکی از مدرسه‌هایی که مشغول بودم، پای بابای مدرسه شکست. فرصت خوبی بود که این را با خود دانش‌آموزان مطرح کنم. همین کار را کردم. به بچه‌ها گفته شد: «آیا کسی حاضر است کمک کند؟» نتیجه این شد که خود بچه‌ها کار گروه‌هایی تشکیل دادند و به کمک ما نوبتی هر روز یک گروه مدرسه را نظافت می‌کرد. در هر کلاس هم گروهی تشکیل شد که کلاس خودشان را نظافت می‌کردند.

در مدرسه‌ی دیگری، یکی از همکاران کار جالبی را انجام داد. یک روز که خیلی حیاط مدرسه کثیف بود، بچه‌ها را به حیاط برد و خواست تا حیاط را خوب نگاه کنند. بعد از آن‌ها خواست در مورد چیزهایی که می‌بینند، صحبت کنند. بچه‌ها هم در مورد کثیفی حیاط و اینکه مدیر یار چقدر باید زحمت بکشد، صحبت کردند. مربی گفت: «من خودم هم خجالت می‌کشم.» بچه‌ها تصمیم گرفتند که از این به بعد بیشتر مراقب حفظ نظافت باشند. یک برنامه‌ریزی هم برای کمک به نظافت مدرسه انجام دادند.

در یکی دیگر از مدرسه‌ها، یکی از مربیان دستکش دست کرد و خودش به حیاط رفت و بدون اینکه چیزی به بچه‌ها بگوید، به نظافت حیاط پرداخت. عده‌ای با او همراه شدند و کم‌کم تعدادشان نیز زیاد شد.

در مدرسه‌ای دیگر، یکی از مربیان دوست داشت، علاوه بر نظافت مدرسه، برای بچه‌ها دغدغه‌ی بازیافت را نیز ایجاد کند و بچه‌ها را به سمت تفکیک زباله و همین‌طور استفاده‌ی کمتر از پلاستیک سوق دهد.

مربی تکه‌فیلمی را از سواحل و مکان‌های عمومی که کثیف بودند، برای دانش‌آموزان پایه‌ی ششمی‌اش پخش کرد و بعد از اینکه دغدغه‌ای برای بچه‌ها ایجاد شد، از آن‌ها خواست راهکارهایشان را بگویند. آن‌ها نیز هر چیزی که به ذهنشان می‌رسید، مطرح می‌کردند. خلاصه با هم‌فکری هم به راهکارهایی مثل تقسیم کار در کلاس و مدرسه و مدیریت نظافت و سطل‌های بازیافت و... رسیدند.

در این گفت‌وگو، یکی از بچه‌ها پرسید: «اگر ما همه‌ی این‌ها را رعایت کنیم، اما بچه‌های پایه‌های پایین‌تر رعایت نکنند، چه خواهد شد؟» با این سؤال همه‌ی بچه‌ها و مربی به فکر فرو رفتند و نکته‌ی او را تأیید کردند. مربی از بچه‌ها خواست در این مورد هم راهکار ارائه دهند. بعد از مشورت و هم‌فکری به این نتیجه رسیدند که گروه نمایشی را شکل دهند و با اجرای نمایشی خوب برای بچه‌های پایه‌های پایین‌تر، آن‌ها را هم با خود همراه کنند. مربی هم قرار شد با مدیر و مربیان پایه‌های پایین‌تر هماهنگی‌های لازم را انجام دهد.

بچه‌ها با کمک مربی روی یک داستان (سناریو) تمرکز کردند و ایده‌های خود را مطرح و سپس یک نمایش نامه‌ی جذاب طراحی کردند.

نمایش به این صورت بود که یک نفر نقش کره‌ی زمین را داشت. این کره‌ی زمین ابتدا حالش خوب نبود و مریض شده بود (فردی که نقش کره‌ی زمین را بازی می‌کند، می‌تواند یک نقاشی کره‌ی زمین را که ماسک زده است، در دست بگیرد). دو نفر دیگر هم نقاشی دریا و جنگل را در دست داشتند و در کنار کره‌ی زمین بودند. جلوی این‌ها هم کمی زباله ریخته شده بود. کره‌ی زمین ابتدا می‌گوید: «حالم خیلی بد است و نمی‌توانم نفس بکشم، کاش انسان‌ها کمی به فکر من بودند و کمتر هوا را آلوده و مرا کمتر آذیت می‌کردند.»

سپس دو نفر وارد صحنه می‌شوند. یکی با کیسه‌ای پارچه‌ای و دیگری کیسه‌ای پلاستیکی ظرف‌های یکبار مصرف. آن‌ها کنار ساحل می‌روند و شروع به خوردن خوراکی می‌کنند. یکی از آن‌ها زباله‌هایش را لب ساحل می‌ریزد و دیگری به او تذکر می‌دهد که چرا این کار را می‌کنی؟

او هم در جواب شروع می‌کند به بهانه آوردن و می‌گوید: «همه‌ی می‌ریزند. همین یک آشغال که اینجا را آلوده نمی‌کند. اینجا هم که سطل نیست و...»

در یا ابراز ناراحتی می‌کند. سپس آن دو نفر به







جنگل می‌روند و همین اتفاق در جنگل هم می‌افتد و جنگل هم ابراز ناراحتی می‌کند. (مربی یکی از کلاس‌ها تأکید کرده بود که بچه‌های کلاس ما خیلی کاغذ اسراف می‌کنند. اگر می‌شود، این را نیز در نمایش بیاورید.) با توجه به گفته‌ی یکی از مربیان در این قسمت از نمایش یکی از بچه‌ها مدام از دفترچه‌ی خاطر‌اتش کاغذی را پاره می‌کند و می‌گوید: «می‌خواهم خاطر‌ات امروز را بنویسم و خوش خط نمی‌شود.» در نهایت دانش‌آموز دیگر با عصبانیت به او می‌گوید: «می‌دانی چقدر از درختان بابت درست شدن این کاغذها قطع شده‌اند؟» خلاصه با کمی صحبت دوستش را قانع می‌کند و او هم تصمیم می‌گیرد دیگر محیط زیست را آلوده نکند. آن‌ها با کمک هم می‌روند و اشغال‌ها را نیز جمع می‌کنند. در همین زمان کره‌ی زمین که حالش به سبب این کار خوب شده است، وارد صحنه می‌شود و می‌گوید: «بچه‌ها، به نظر تون برای بهتر شدن حال من دیگه چه کارهایی می‌تونین انجام بدین؟»

در اینجا مربی وارد می‌شود و از بچه‌ها سؤال می‌پرسد که هر کس نظرش را بگوید. بچه‌ها در آخر به این نتیجه می‌رسند که باید در کلاس، سطل بازیافت داشته باشند و زباله‌های خشک و تر را نیز از هم جدا کنند و مسئولی نیز برای این کار در نظر بگیرند. کسی که اول روز سطل را بیاورد و در پایان روز سطل را در محل مشخص قرار دهد تا تخلیه شود. این مسئول هر دو هفته عوض می‌شود.

بچه‌ها سطل‌ها را نیز با یک کارتن بازیافتی درست کردند و هر کس روی آن یک نقاشی مرتبط را که خودش کشیده بود، چسباند و آن را تزئین کرد. در مدرسه‌ی دیگری که حتی مدیر یار هم نداشت، بعد از طی کردن مراحلی که گفته شد، یکی از بچه‌ها مطرح می‌کند که با این زباله‌های خشک بازیافتی می‌توانیم برای کلاسمان درآمذزایی نیز داشته باشیم. هر کس نظری داد؛ یکی گفت: «می‌توانیم هزینه را کنار بگذاریم و در اردوها استفاده کنیم.» دیگری پیشنهاد داد که اقلامی را برای کلاس خودمان بخریم و در کلاس از آن‌ها استفاده کنیم؛ مثل توپ والیبال، رومیزی یا وسایل تزئینی.

یکی دیگر از بچه‌ها کمک به خیریه یا هدیه به مدرسه را مطرح کرد. مربی گفت: «آفرین! خیلی ایده‌هایتان خوب است.» و همه‌ی ایده‌ها را پای تخته نوشت. در نهایت خودش هم ایده‌ای به آن‌ها اضافه کرد. او به بچه‌ها گفت: «افرادی مثل شماها هستند

مسئله‌محوری، مسئولیت‌پذیری و کرامت نفس که وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند هم مربی و هم دانش‌آموز را رشد می‌دهند.

- احساس مسئولیت بچه‌های ششمی در قبال بچه‌های کوچک‌تر و ایجاد دغدغه برای آن‌ها موضوع ارزشمندی است که باید به آن توجه شود. - ایده‌ی معلم برای سوق دادن بچه‌ها به سمت کمک به هم‌نوع ایده‌ی انسان دوستانه‌ای است که باعث رشد روحی بچه‌ها خواهد شد. - این طرح درس موقعیتی خوب، واقعی، مسئله‌محور و جذاب بود که برخی از پایه‌ها، در ضمن آن، درس‌های علوم و اجتماعی خود را نیز تدریس کردند.

- باز هم می‌گوییم این جمله یادمان باشد: «بچه‌ها آن چیزی که می‌خواهیم نمی‌شوند؛ بلکه آن چیزی می‌شوند که ما هستیم؛ پس روی خودمان هم کار کنیم و یادمان باشد ما الگوهای دانش‌آموزانمان هستیم.»

امید که با کمک هم بتوانیم دانش‌آموزانمان را مانند شهید عباس بابایی تربیت کنیم که روحشان نیز هر روز مانند جسمشان رشد کند.

که پشت همین میز و نیمکت‌ها می‌نشینند؛ ولی اوضاع مالی خوبی ندارند و از عهده‌ی هزینه‌های تحصیلشان بر نمی‌آیند. شاید در حد خیلی کم بتوانیم به آن‌ها نیز کمک کنیم.»

قرار شد رأی‌گیری کنند. همه‌ی بچه‌ها به این ایده رأی دادند که به یک نفر مثل خودمان کمک کنیم. مربی با خیره‌ای تماس گرفت. بعد هم بر گه‌ای را به مدرسه آورد و همه‌ی کلاس یک کودک را تحت حمایت مالی گرفتند. حس خیلی خوبی ایجاد شد. بچه‌ها علاوه بر اینکه هزینه‌ی بازیافتی‌ها را به او اختصاص می‌دادند، هر هفته از پول توجیبی‌هایشان هم برای کمک به او کنار می‌گذاشتند.

یک بازارچه‌ی خیریه نیز در مدرسه راه‌اندازی کردند و از آن طریق، هم هزینه‌ای برای آن کودک جمع‌آوری کردند.

### نکته‌ها

- همان‌طور که می‌بینید، در این نوشتار، چند محور در کنار هم قرار گرفتند و اتفاقات خوبی را رقم زدند. محورهایی مانند مربی‌محوری،



# بازی هدایت شده

زهرا لاهوتی فرد

معلم سواد رسانه‌ای منطقه‌ی ۱ تهران

درس سواد رسانه‌ای هنوز جایگاهی رسمی در دوره‌ی ابتدایی ندارد؛ اما گفت و گو درباره‌ی موضوعات تربیتی مربوط به کاربری رسانه‌ها و آموزش استفاده‌ی صحیح و فهم درست از رسانه‌ها موضوع آن چنان مهمی است که بدون شک باید در فرایند رشد و آموزش دانش‌آموزان قرار بگیرد.

در این بخش از مجله، هر شماره، با هدف آموزش سواد رسانه‌ای و ارتقای تربیت رسانه‌ای دانش‌آموزان به یکی از تجربه‌های اجرا شده، در مدرسه‌های متعدد، می‌پردازیم:

بازی یکی از مهم‌ترین سرگرمی‌های انسان از ابتدایی‌ترین روزهای کودکی تا جوانی و حتی بزرگسالی است که امروزه سهم زیادی از آن اختصاص دارد به بازی‌های دیجیتال، اعم از بازی‌هایی که با گوشی همراه صورت می‌گیرد یا به واسطه‌ی پیشانه‌ی (کنسول) بازی یا بازی‌های رایانه‌ای انجام می‌شود. چرا بازی‌های دیجیتال تا این اندازه کودکان و نوجوانان را ادر گیر خود کرده و روز به روز تعداد کاربران و زمان مصرف آن‌ها

رو به افزایش است؟ برای پاسخ به این سؤال، باید نگاهی دقیق به عوامل جذابیت این نوع از بازی‌ها بیندازیم. از جمله عوامل جذابیت این است که در این بازی‌ها سطوح بالایی از احساسات شادی و ترس و خشونت تجربه می‌شوند. همچنین در این نوع بازی‌ها تجربه‌هایی مانند احساس آزادی و قدرت، فرار از دنیای واقعی و کمبودهای آن، انجام کارهای غیرممکن، زندگی به سبک بزرگسالان و استفاده از فناوری‌های روز دنیا در دسترس است. همچنین احساس اعتماد به نفس از موفقیت‌ها و دستاوردهای بدون رنج و وصول راحت و کم هزینه به اهداف با کمترین احساس مسئولیت‌پذیری و نقش‌آفرینی در هویت‌های متعدد و متنوع و بسیاری از عوامل دیگر همگی نقش اساسی در جذب مخاطبان به این دسته از بازی‌ها دارند.

بنابراین یکی از مسائلی که در مباحث کلاس تربیت رسانه‌ای مورد انتظار مدرسه و خانواده‌هاست و باید به آن پرداخته شود، همین موضوع بازی‌های دیجیتال است.

در گفت و گو با دانش‌آموزان درباره‌ی انواع رسانه‌ها اعم از رسانه‌های تصویری، مثل سینما و تلویزیون، یا رسانه‌های صوتی، مثل موسیقی، و رسانه‌های نوشتاری، همچون کتاب و روزنامه، یک ویژگی

مشترک دیده می‌شود که اساساً اصلی‌ترین شاخصه‌ی تعریف رسانه هم است و آن داشتن پیام برای مخاطب است. در بازی‌ها نیز این عنصر به وضوح یافت می‌شود، هر چند کودکان و نوجوانان، در بیشتر اوقات، به سبب جذابیت‌های سمعی و بصری و گرافیکی واز همه مهم‌تر داستانی بازی، به پیام‌های دریافتی از آن بی‌توجهند. بنابراین ضروری است، در کلاس، در مورد اهمیت بازی دیجیتال و مهارت انتخاب آن گفت و گو کنیم. از مهم‌ترین مهارت‌های انتخاب، آگاهی دادن در مورد نظام رده‌بندی سنی بازی‌هاست که باید پیش از نصب بازی به آن توجه شود. به همین منظور لازم است با همراهی و نظارت والدین، از سامانه‌های هدایت مصرف، در حوزه‌ی بازی دیجیتال، کمک گرفت. از جمله‌ی این سامانه‌ها می‌توان به «کدومو» و «رامون» اشاره کرد. بسیاری از بازی‌ها در این وبگاه‌ها ارزیابی کارشناسانه و نقد و بررسی شده‌اند.

در کلاس تربیت رسانه‌ای، بعد از گفت و گو در مورد انواع بازی‌ها و عوامل جذابیت آن‌ها، فرصت خوبی است که در مورد میزان مهارت‌افزایندگی بازی‌ها و کمک به رشد انواع توانمندی‌های ذهنی و حرکتی صحبت کنیم. با توجه به نگاه‌های متعدد روان‌شناسی به ابعاد متنوع

هوش بین فردی و اجتماعی نیز تقویت می شود. ● بازی دیگر برای تقویت هوش کلامی این است که معلم یک کلمه برای شروع اعلام می کند و نفرات بعدی با دو حرف پایانی کلمه‌ی ما قبل کلمه‌ی جدیدی را می‌سازند؛ مثلاً اگر کلمه‌ی اول فرش باشد، کلمه‌ی بعدی می‌تواند رشادت باشد.

● روش دیگر بازی برای تقویت هوش کلامی این است که یک کلمه برای شروع بیان شود و هر نفر یک کلمه به کلمات ماقبل اضافه کند تا کم‌کم یک داستان کامل شود؛ مثلاً اولین نفر کلمه‌ی «من» را می‌گوید، نفر بعد می‌تواند بگوید «من و دوستم» و به همین ترتیب بازی ادامه می‌یابد تا داستانی کامل شود.

### پیشنهاد کار در منزل

از دانش آموزان می‌خواهیم یکی از بازی‌های دیجیتال خود را که بیشتر مورد علاقه و مصرفشان است، با جست‌وجو در سامانه‌های هدایت مصرف ارزیابی کنند و در مورد معرفی بازی، داستان بازی و شخصیت‌ها و پیام‌های مثبت و منفی و موارد دیگر به صلاح‌دید معلم یادداشتی بنویسند. همچنین در مورد میزان مهارت‌افزایی بازی و اینکه این بازی احیاناً در تقویت کدام یک از هوش‌های چندگانه کمک‌کننده است، نظر خود را بنویسند و نمره بدهند.

معلم برای تقویت انواع هوش می‌تواند با خلاقیت خود انواع فعالیت‌ها و بازی‌ها را در طول سال طراحی و در جلسات متعدد بخشی از هر کدام را توضیح دهد و اجرا کند و در مورد میزان مهارت‌افزایی آن‌ها و ارتباط آن‌ها با انواع هوش‌های چندگانه با دانش‌آموزان گفت‌وگو کند.

### پیشنهاد بازی در کلاس

● برای تقویت هوش تصویری ابتدا همه‌ی بچه‌ها جای خود را با فرد دیگری عوض می‌کنند. سپس یک نفر به صورت داوطلبانه انتخاب می‌شود. از او می‌خواهیم، به جای نشستن تک‌تک بچه‌ها یا به اجزا و وسایل کلاس با دقت و تمرکز نگاه کند و جای آن‌ها را به خاطر بسپارد و از کلاس بیرون برود. بعد بقیه‌ی دانش‌آموزان جای نشستن دو نفر یا جای یک وسیله در کلاس را جابه‌جا کنند تا او حدس بزند و این جابه‌جایی را تشخیص دهد.

● برای تقویت هوش کلامی چند کلمه‌ی غیرمرتبط با هم را روی تخته می‌نویسیم (این کلمات را خود دانش‌آموزان هم می‌توانند پیشنهاد دهند) و از آن‌ها می‌خواهیم، به صورت گروهی، داستان کوتاه طنز یا ماجراجویانه‌ای را بنویسند. البته در این فعالیت و همه‌ی بازی‌هایی که به صورت گروهی انجام می‌شوند،



پرورش هوش و استعداد، می‌توان سطوح گوناگونی از انواع آن را در بازی‌ها بررسی کرد. هوش جنبشی و حرکتی، هوش منطقی و ریاضی، هوش زبانی و کلامی، هوش دیداری و فضایی، هوش درون‌فردی، هوش بین‌فردی، هوش موسیقایی و همچنین هوش طبیعت‌گرایی هر کدام در بازی‌های متعدد استفاده و به میزان استفاده، تقویت هم می‌شوند.

در ادامه، می‌توانیم به سرعت معرفی تعدادی از بازی‌هایی غیردیجیتال برویم و برخی از آن‌ها را با هدف تقویت هوش‌های چندگانه انتخاب و در کلاس انجام دهیم. با انجام این بازی‌ها در کلاس، علاوه بر توجه دادن دانش‌آموزان به بحث مهارت‌افزایی بازی و تقویت انواع توانمندی‌ها و استعدادها از طریق بازی‌ها، به معرفی انواع بازی‌های فردی و گروهی به‌عنوان جایگزین بازی‌های دیجیتال می‌پردازیم.

معلم همچنین می‌تواند چند نمونه از بازی‌های رومیزی و بازی‌های فکری موجود در بازار (که مورد تأیید سامان‌دهی منابع آموزشی هستند) را اسر کلاس بیاورد و به بچه‌ها معرفی کند و با توضیح روش بازی به بررسی آن از لحاظ میزان مهارت‌افزایی برای تقویت انواع هوش‌های چندگانه بپردازد.



# اتفاق فکر

## برخورد مناسب با دانش آموز پرچالش پایه‌ی دوم



برانگیزد، بیچ پیچ می‌کنم. با دیدن این صحنه همه‌ی دانش آموزان ناخودآگاه آرام و به حالت طبیعی و عادی کلاس برمی‌گردند و به دلیل همان حس کنکاو خیلی سریع نگاهشان به معلم دوخته می‌شود و سکوت می‌کنند تا متوجه صحبت‌های من با آن دو دانش آموز شوند (سحر زمانی، فولادشهر اصفهان).

### پاسخ سوم

معلمان گرامی بارها در چنین موقعیت‌هایی قرار گرفته‌اند. از این رو، ممکن است در هر زمان واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دهند. بنده در بیشتر مواقع در چنین شرایطی بی‌اعتنایی می‌کنم و توجه خاصی به آن دانش آموز نشان نمی‌دهم؛ زیرا این گونه دانش آموزان مدام در پی جلب توجه هستند و در صورت دیدن واکنش از سوی معلم کار آن‌ها تقویت می‌شود و در پی تکرار آن برمی‌آیند؛ اما در انتهای کلاس حتماً به‌طور خصوصی به آن دانش آموز تذکر می‌دهم و رفتار اشتباه او را محکوم می‌کنم. در صورت تکرار رفتار نیز با توجه به مقرراتی که برای حفظ نظم و انضباط در ابتدای سال تحصیلی با کمک و هم‌فکری همه‌ی دانش آموزان مشخص کرده‌ایم، تنبیه غیر کلامی مثل گرفتن نمره‌ی منفی یا دادن تعهد کتبی و... خواهیم داشت (زهرا داستانی، ورامین).

### پاسخ چهارم

این گونه اتفاقات در کلاس درس زیاد پیش می‌آید و من با یک بار محکم دست‌برهم‌زدن و گفتن «بریم سر درس و کتاب» توجه دانش آموزان را به درس جلب می‌کنم. شاید این روش برای دفعات اول زیاد مناسب نباشد؛ ولی بعد از چند دفعه و توضیح دادن این کار برای دانش آموزان کاملاً نظم کلاس برقرار می‌شود (اعظم برزگری، یزد).

### پاسخ پنجم

هر کلاس دانش آموزان گوناگونی دارد که از لحاظ مشخصات فردی با هم تفاوت دارند. دانش آموزانی هستند که رعایت سکوت، حتی در مواقع تدریس مباحث مهم، برایشان بسیار مشکل است. در چنین مواقعی که بسیار هم پیش می‌آید، نخست، من سکوت می‌کنم و با نگاه و زبان بدن به این دانش آموز تفهیم می‌کنم که ادامه ندهد؛ اما گاهی این روند ادامه‌دار می‌شود. در آن مرحله با زبان طنز او را وادار به سکوت می‌کنم. با این کار هم به جلب توجه او پاسخ کوچکی می‌دهم و هم به مقصود

### مهدی رضایی

در کلاس‌های درس موارد این چنینی زیاد پیش می‌آید. این دانش آموزان نیاز به توجه و تأیید مثبت و حتی منفی از سوی معلم و دیگران دارند. در این قبیل موقعیت‌ها، بنده بدون توجه و پررنگ کردن رفتار دانش آموز خاطمی و به خاطر از بین بردن و کم‌رنگ کردن این حس تأیید و توجه در وی، به دانش آموز مورد نظر اجازه‌ی خروج از کلاس را می‌دهم و خیلی عادی به روند آموزش ادامه خواهیم داد (حمیده ناصری، شهر قدس).

### پاسخ دوم

همان‌طور که با تسلط کامل در کلاس حاضر شده‌ام، سعی می‌کنم آرامش خودم را هم کاملاً حفظ کنم. با ظاهری قاطعانه و با جدیت به روند کلاس ادامه می‌دهم و به دانش آموز مورد نظر اجازه‌ی خروج از کلاس را می‌دهم. در ادامه با توجه به اینکه باید دوباره دانش آموزان را در مدت زمان کوتاهی به روال عادی کلاس برگردانم، سعی می‌کنم شگردی به کار ببرم که توجه همه‌ی دانش آموزان را در آن واحد جلب کنم. در این جور مواقع با یک یادو تاز دانش آموزانم خیلی آرام، به گونه‌ای که توجه بقیه را جلب کند و حس کنکاویشان را

یکی از همراهان نشریه ایده‌ی جدیدی را مطرح کرد که ایده‌ی خوبی بود. قرار شد در هر شماره بخشی با موضوع روایت برخورد با یک حادثه یا اتفاق در کلاس به مجله اضافه شود. در این بخش، نخست، موقعیتی را در کلاس درس توضیح می‌دهیم و سپس سؤالی مطرح می‌شود. آموزگاران که مایل هستند در یک بند (سه تا ده خط) نظر خود یا کاری را می‌نویسند که اگر در این موقعیت باشند، انجام می‌دهند و برای نشریه می‌فرستند. امیدواریم با این کار در پیچه‌ی جدیدی از تجربه‌ها و تبادل آرا به‌رو می‌گشوده شود.

### برخورد با دانش آموز پرچالش

فرض کنید مشغول تدریس مبحث مهمی هستید و تلاش می‌کنید کلاس آرام و ساکت باشد. حال یکی از دانش آموزان پرچالش که معمولاً نظم کلاس را به هم می‌ریزد، درخواست مهمی از شما می‌کند که با توجه به لحنش موجب خنده‌ی دانش آموزان و به هم خوردن مجدد نظم کلاس می‌شود؛ مثلاً می‌خواهد برای رفتن به سرویس بهداشتی اجازه بگیرد، در این موقعیت چه کار می‌کنید؟

خودم می‌رسم؛ مثلاً به او می‌گویم: «ببخشید، من می‌بینم کلام شما صحبت می‌کنم...! اجازه می‌دید ادامه‌ی درس رو بدیم، از نظر شما اشکالی نداره؟»

دقیقاً با بیان همین ادبیات دانش‌آموز کمی خجالت می‌کشد و اکثر مواقع سکوت می‌کند. اگر این دو مرحله جواب ندهد، جای او را چند دقیقه عوض می‌کنم؛ مثلاً نزدیک میز خودم صندلی‌ای دارم و از او می‌خواهم آنجا بنشیند (هانیه قاسمی، ورامین).

### پاسخ ششم قضاوت ممنوع!

خب بچه‌ها، امروز مطلبی رو با هم می‌خوانیم یاد بگیریم که همیشه به دردتون می‌خوره و خیلی هم دوستش دار. اتفاقاً داستان هم می‌خوام براتون تعریف کنم. خب، حالا با دقت گوش کنید. آماده‌اید؟

بله‌هه!  
- خانم اجازه، خانم اجازه، خانم... خانم... خانم...  
\_ چه خبره؟! چه خبره؟! بله حسین آقا.  
\_ خانم اجازه، خانم، برم دشوری؟  
بله؟ درست صحبت کن تا متوجه بشوم.  
\_ خانم، می‌شه برم دستشویی؟  
\_ مگه الان از زنگ تفریح نیومدی؟  
\_ چرا خانم؟ ولی می‌خوام بروم. لطفاً...  
- خانم اجازه، داره الکی می‌گه، ولش کنید.  
- شما از کجا متوجه شدی؟!  
- خانم، مشخصه دیگه.

معلم با کمی مکث، سکوت عمیقی را در کلاس، جاری می‌سازد و ادامه می‌دهد: «بچه‌ها، گوش کنید! داستان امروزمون تغییر کرد. داستان جدید رو بشنوید.

- او ممممم...  
- بچه‌ها، داستانی که می‌خوام برای شما تعریف کنم، مربوط به اول صبح امروزه. امروز صبح من داشتم می‌اومدم مدرسه، توی تاکسی نشسته بودم، کنار من یک خانم و آقای نشسته بودن. زمانی که این آقای خواست پیاده بشه، کرایه‌ش رو بدون گفتن حتی یک کلمه مثل «بفرمایید»، «پیاده می‌شم» و... فقط بازدن به شانه‌ی آقای راننده پرداخت کرد.

بچه‌ها، می‌دونید این لحظه چی شد؟ خانمی که کنار من نشسته بود، آرام گفت: «نگاه کن. ادب نداره که بگه بفرمایید. همین جور می‌زنه به شانه‌ی آقای راننده.» بچه‌ها، نظر شما هم همینه؟  
\_ بله خانم. خب بی ادب بوده دیگه. باید می‌گفت: «بفرمایید.»

\_ خب حالا با دقت تمام گوش کنید. بچه‌ها، آن آقا کر و لال بود و نمی‌توانست صحبت کند. آقای راننده هم او را می‌شناخت. چون مسافر همیشه این خط بود. آقای راننده هم به خانم کنار دستی من گفت: «لطفاً قضاوت نکنید!»

\_ (بچه‌ها با تعجب، بغض و در کمال ناراحتی) وای! وای! خانم! واقعاً نمی‌تونست صحبت کنه؟ چقدر بد شد که قضاوتش کردن!

\_ بله بچه‌ها، می‌دونید ما هیچ وقت نباید کسی رو قضاوت کنیم؛ چون ما از شرایط زندگی و... آن فرد خبر نداریم. همیشه این نکته را از من به خاطر بسپارید. باشه بچه‌ها!

\_ (بچه‌ها با صدای آرام و ناراحت) چشم خانم. بچه‌ها، این داستان شبیه همین موقعیت در کلاس امروز ماست. دوست شما هم می‌خواست به دستشویی بره. بیان سعی کنیم به هم گمان بد نداشته باشیم و همدیگر را قضاوت نکنیم. احسنست به شما عزیزانم (ریحانه گل محمدی، تهران).

### پاسخ هفتم

در کلاس‌های پودمان مهارت‌آموزان به همکاران پیشنهاد می‌کنیم، در ابتدای سال تحصیلی، در کنار تعیین قانون کلاسی، کدسازی انجام دهند. برخی از روش‌های کدسازی عبارت‌اند از:

\_ استفاده از زبان بدن؛  
\_ استفاده از متن؛  
\_ استفاده از تابلو.

در کدسازی، معلم برای دانش‌آموز مشخص می‌کند که بعد از انجام چه حرکتی چه انتظاری از آنان دارد (حامد شاکریان، خراسان شمالی).

### پاسخ هشتم

من اول سال تحصیلی قوانین کلاسی را با کمک خود دانش‌آموزان می‌نویسم. به آن‌ها می‌گویم: «بچه‌ها، به نظر تون در کلاس چه قوانینی بین خودمون بنویسیم که یک کلاس منظم داشته باشیم؟» بعد قوانین را روی تابلو نصب می‌کنم. اگر دانش‌آموزی موضوعی را رعایت نکرد، مثل همین موقعیتی که توضیح داده شد، به قوانین ارجاع داده می‌شود. ترفند دیگر ایجاد موقعیتی برای رفع خستگی بچه‌هاست. وقتی بچه‌ها خسته هستند، زیاد حرف می‌زنند و حاشیه می‌روند. من برای رفع خستگی آن‌ها از چند نرمش و حرکات‌های صورت و بدن استفاده می‌کنیم؛ مثلاً می‌گویم: «همه لبخند!» یا «همه بخندید!» یا «بشین، پاشو!» و...

برای جمع کردن حواس بچه‌ها از ترفند دیگری نیز استفاده می‌کنم؛ مثلاً به آن‌ها می‌گویم سه

بار پشت سر هم کف بزنند و بگویند: «یک، دو، سه.» این روش دیگر تبدیل به یک عادت در کلاس من شده است. هر بار که بچه‌ها، حین درس، شلوغ می‌کنند، یکی از بچه‌ها انجام این روش را یادآوری می‌کند. به نظر من خیلی تأثیرگذار است (سیده سهیلا طاهری، ایلام).

### پاسخ نهم

موقعیت‌های پرچالش که بیشتر اوقات خنده‌ی بچه‌های کلاس را بلند می‌کند، اگر ابتدای کلاس باشد، یخ‌شکن خوبی برای شروع کلاس است. بچه‌ها، بعد از خنده، انرژی و انگیزه‌ی خوبی برای شروع دارند. این گونه موقعیت‌ها اگر اواسط کلاس هم باشد، چون تفریح و مکث برای بازسازی فکری و روانی بچه‌ها ایجاد می‌شود، خوب است. به‌طور کلی، اگر این موقعیت‌ها مدیریت شده باشند، فرصت‌های خوبی هستند. اگر چالش‌های دیگری باشد، مثل اتفاقات پیش‌بینی نشده در ارتباط دادن مطالب درسی، به‌نظر من می‌توان موضوع را هدایت کرد (سمیه خاک‌پاش، شهرری).

### پاسخ دهم

من چند باری این موقعیت را تجربه کرده‌ام. در این مواقع، معمولاً چند ثانیه‌ای مکث و فقط نگاه می‌کنم. ۵ درصد کلاس خودشان را جمع می‌کنند و بعد با شمارش یک تا سه، با صدای ملایم و با مکث، بقیه هم نظم می‌گیرند. چون طی دو سه هفته‌ی اول مهر روی قوانین کار کرده‌ایم، این روش جواب می‌دهد و دانش‌آموز مدنظر خودش ساکت می‌شود (خدیدجه پورمحمدی، نجف‌آباد).

### پاسخ یازدهم

معلم باید شناخت کافی از دانش‌آموزان داشته باشد. شاید این دانش‌آموز از آن دسته دانش‌آموزانی است که کمبود توجه دارند و به دنبال جلب توجه هستند. شاید هم دانش‌آموز از آن گروه دانش‌آموزانی است که در پی لجبازی با معلم و قوانین کلاس است. امکان دارد این دانش‌آموز می‌خواهد از درس فرار کند. شاید هم وی اهل مزه‌پرانی و ایجاد جو خنده و شادی در میان بچه‌هاست؛ اما نمی‌داند هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.

معلم باید طبق شناختی که از دانش‌آموزانش دارد و مطابق با علت بروز چالش، برای رفع آن راهکار ارائه دهد. ریشه‌یابی و شناخت علت‌ها در حل این مشکلات بسیار مهم است (کردی، بندرگز).

# گام‌های خودیادگیری

دکتر سارا سلیمی نمین

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر

دکتر آمنه سلیمی نمین

مدیر مدرسه‌ی ابتدایی، پژوهشگر تربیت

دینی

در شماره‌های پیشین، از شهر کودکان در آب و آینه حرف زدیم که مدرسه‌ای با بهره‌گیری از فناوری‌های نسل‌های چهارم و پنجم خواهد بود؛ مدرسه‌ای که مبتنی بر گام‌های خودیادگیری هر فرد و ترکیبی از علاقه و نتیجه‌ی عملکرد او، زمینه‌ی استعدادی او را تشخیص و مسیر منحصر به فرد پرورش آن را به وی پیشنهاد می‌دهد. سپس آن مسیر را برای او برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کند.

اتاق‌های مدرسه، به جای کلاس‌های پایه‌ای، واحدهای کاری مثل خبرگزاری، درمانگاه، ورزشگاه، رستوران، بانک، بیمه و دیگر واحدهایی هستند که هر انسانی در روز با آن‌ها سروکار دارد. کودکان در این شهر هم خدمات می‌گیرند و هم خدمتی را ارائه می‌دهند. آن‌ها در این مسیر روی گام‌های خودیادگیری خود حرکت می‌کنند. در این مدرسه، انتظار داریم هر دانش‌آموز بر اساس وضعیت خود یا گروه دوستانه‌ی خود، در موقعیت‌های متعدد یادگیری قرار بگیرد و خودیادگیری خود را بسازد. گفتیم که توسعه‌ی این مجموعه به این معناست که موقعیت‌های یادگیری، مرتبط با ساخت‌های تربیتی و از درون زندگی روزمره‌ی هر دانش‌آموز تعریف شود تا دانش‌آموز به معنای واقعی، ضرورت ارتقای مهارت‌ی، دانشی و بینشی خود را برای ارتقای زندگی خود و اطرافیان درک کند و بشود همان مربی که هم موقعیت خود و هم موقعیت دیگران را در مسیر جامعه‌ی صالح بهبود می‌دهد.

به نظر شما ایران به چند شهر کودکان نیاز دارد تا همه‌ی فرزندان‌ش یادگیری شناختی و برساختی خود را با گام‌های خود، آگاهانه و داوطلبانه، طی کنند و مهیای حل مسائل کشور شوند؟ این شهرهای جدید چگونه و توسط

چه کسانی ساخته خواهند شد؟ ساخت این شهرها به چند سال زمان نیاز دارد؟ بی‌شک نگاه بسیاری از ما به این مسئله، با توجه به ویژگی‌های متمرکز آموزش و پرورش امروزی، نگاهی محال و غیرممکن است. به جای این سؤال‌ها، بهتر است از خود پرسیم: «آیا راهی برای گذار از مدرسه‌های امروزی به مدرسه‌های جدید وجود دارد؟ در این مسیر، نقش هر یک از ما چه می‌تواند باشد و چگونه باید دست‌در‌دست هم‌دهیم تا بار دیگر، به تجربه‌های تمدنی خود، عبور از مراحل سخت را نشان دهیم؟»

برای ما آب و آینه‌ای‌ها که از دنیای حل مسئله آمده‌ایم، رمز حرکت‌های کوچک که به نتیجه‌های بزرگ ختم می‌شوند، در همکاری‌های شبکه‌ای هماهنگ با یکدیگر است. شبکه‌ای که امروز به نام زیست‌بوم اقتصاد دانش‌بنیان کشور می‌شناسیم و هنوز منتظریم آموزش و پرورش کشور نیز به آن بپیوندد و مسیر گذار را آغاز کند. سال ۱۳۸۷ که سالی مزین به نام نوآوری و شکوفایی بود، تیم آب و آینه که هنوز به این نام شناخته نمی‌شدند، با سفارش وزیر وقت آموزش و پرورش، سند نظام خلاقیت و نوآوری وزارت آموزش و پرورش را نوشتند. این سند ساختاری برای تغییر مدرسه از مدرسه‌ی امروزی به مدرسه‌ای برای پرورش دانش‌آموز نوآور ایرانی و اسلامی و مبتنی بر سند تحول بنیادین است. سند نظام خلاقیت و نوآوری به‌عنوان راهکار ۱۸-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که مبتنی بر زیست‌بوم اقتصاد دانش‌بنیان کشور تدوین شده است. در سال تدوین این سند، آموزش و پرورش یکی از وزارت‌خانه‌های پیشرو برای پیوستن به اقتصاد دانش‌بنیان مطرح می‌شد، اما با این حال، هنوز بعد از پانزده سال، این سند نیز همچون اسناد دیگر در صفا انتظار است تا اجرایی شود و شاید اجرای آن، همین شروع‌های کوچک، توسط ما و شما، باشد.

کدام اقدامات شبکه‌ای می‌توانند شهر آموزشی کودکان این کشور را محقق کنند و نقش هر یک از ما در این مسیر چیست؟ این شبکه بر اساس همکاری‌های چند جزو ضروری شکل

می‌گیرد. نقش‌های مورد نیاز برای حرکت به سوی مدرسه‌های آینده، مبتنی بر مدرسه‌های نسل چهارم، لازم است در تعامل این چند جزو با یکدیگر تعریف شوند. فعالیت‌ها و اقداماتی که لازم است در این زمینه صورت بگیرند، عبارت‌اند از:

۱. ارائه‌ی تصویری از این نوع مدرسه‌ها در گونه‌های متعدد و بر اساس تنوع الگوهای تربیتی؛
۲. ارائه‌ی برنامه‌های درسی و اقلیم‌های دانش‌آموزی و تعریف مسائل فناورانه برای آن‌ها توسط مدرسه‌ها؛
۳. بیان پاسخ‌های فناورانه به برنامه‌های درسی و روش‌های بازی‌وار اجرای آن‌ها؛
۴. ارائه‌ی تصویر مسیر رشد هر دانش‌آموز توسط کسب و کارهای نوپا و دانش‌بنیان آموزشی؛
۵. ارتقای فناوری‌های کسب و کارهای نوپا و دانش‌بنیان برای تطبیق شدن پاسخ‌ها با نیاز واقعی مدرسه‌ها، در مقیاس بالا، توسط شتاب‌دهنده‌ها و خانه‌های خلاق حوزه‌ی آموزشی؛
۶. پشتیبانی‌های مالی توسط صندوق پژوهش و فناوری تخصصی آموزش و سرمایه‌گذارهای خطرپذیر؛
۷. پشتیبانی‌های حقوقی و مالیاتی توسط پارک‌های علم و فناوری مرتبط؛
۸. برپایی رویه‌های به‌هم‌رسانی کسب و کارهای نوپا و دانش‌بنیان مرتبط با مدرسه‌ها؛
۹. سرمایه‌گذاری‌های تخصصی توسط سکوها تخصصی آموزشی.

خوشبختانه در سال‌های اخیر، بخش‌هایی از زیست‌بوم، فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و دستاوردهای اولیه‌ای نیز داشته‌اند. مدرسه‌های پیشرویی هستند که با همت معلمان خود، الگوهای تلفیقی از برنامه‌ی درسی مسئله‌محور را تجربه و زمینه‌ی اجرای تحول بنیادین را فراهم کرده‌اند. شتاب‌دهنده‌ها و خانه‌های خلاق مانند خانه‌ی تعلیم و تربیت برهان، خانه‌ی خلاق ستاپ، مرکز نوآوری و شتاب‌دهی آب و آینه، خانه‌ی خلاق دانادل و شتاب‌دهنده‌ی متیس نیز شکل گرفته‌اند و از ایده‌های افراد خلاق برای ایجاد تغییرات فناورانه در آموزش و پرورش حمایت



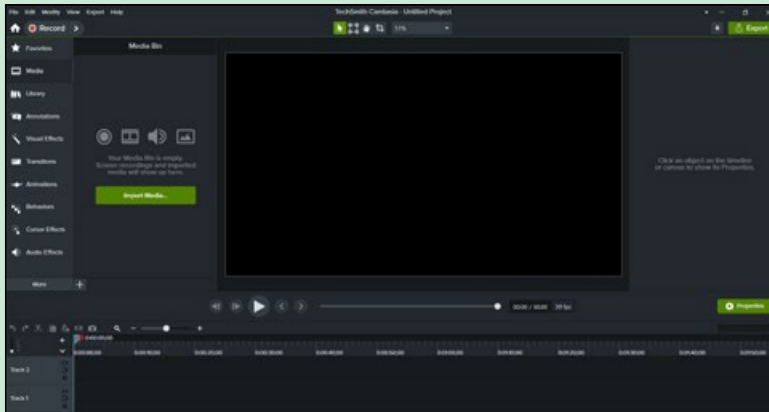
کرده‌اند. رویداد سالانه‌ی ستاپ نیز موفق شده است رابطه‌ی صاحبان ایده‌های خلاق در قالب کسب و کارهای نوپا و دانش بنیان را با خانه‌های خلاق و شتاب دهنده و سرمایه گذاران خطرپذیر این حوزه فراهم آورد. صندوق پژوهش و فناوری تخصصی حوزه‌ی آموزشی نیز در برخی از مدرسه‌ها در حال شکل گیری است.

و حالاً نوبت ما معلمان است که نقش خود را تعریف کنیم. هر یک از ما حداقل در دو نقش می‌توانیم ظاهر شویم. طراحی آموزشی طرح درس‌های تلفیقی مسئله محور، بر اساس مختصات فرهنگی اقلیم خود، و اجرای آن‌ها و سپس به اشتراک گذاری آن‌ها با یکدیگر، برای افزایش تجربه و دانش این حوزه، یکی از این نقش‌هاست که می‌تواند زمینه‌ی تغییر درون‌زای مدرسه‌ها به سمت مدرسه‌ی نسل چهارم و پنجم را فراهم کند. از سوی دیگر، معلمان می‌توانند از اعضای کسب و کارهای نوپا و دانش بنیانی باشند که قرار است راه‌حل‌های فناورانه را فراهم بیاورند. لازم است راه‌حل‌های آن‌ها با شناخت دقیق نیازهای معلمان و مدرسه‌ها همراه باشد. ما معلمان هر کدام عضوی از زیست‌بوم نوآوری وزارت آموزش و پرورش هستیم که باید نقش خود را جدی بگیریم و راه‌های طولانی را با گام‌های کوچک و پیوسته طی کنیم.

# آموزش کم‌تازیا



**زarin من یولیدسن ونسان**  
**مدیر دبیرستان و هنرستان ماری مانوکیان،**  
**منطقه ۶ تهران**



تا چندین سال قبل، قابلیت ضبط ویدئوهای آموزشی فقط در گوشی‌های پیشرفته وجود داشت. افرادی بادی دوست داشتند از چنین نرم‌افزارهایی، برای ضبط ویدئو، در صفحه‌ی نمایش سامانه‌ی عامل ویندوز خود استفاده کنند. در سال ۲۰۲۰ شرکت معتبر تاج اسمیت اولین نسخه‌ی کم‌تازیا را طراحی و در دسترس همگان قرار داد.

این برنامه برای مخاطبانش بسیار جذاب و هیجان‌انگیز بود. این نرم‌افزار به کاربران اجازه می‌دهد ویدئوهایی را ایجاد، ویرایش، ذخیره و به اشتراک بگذارند. این برنامه‌ی کاربردی برای کمک به کسب و کارها با ایجاد نسخه‌های آزمایشی (دمو) و وینارها با تولید انواع ویدئوهای آموزشی طراحی شده است. کاربران می‌توانند صفحه‌نمایش دستگاه‌های مک و ویندوز یا وب‌بین‌ها (وب‌کم‌ها) را ضبط کنند. کم‌تازیا به کاربران اجازه می‌دهد به فیلم ضبط‌شده‌ی خود، حاشیه‌نویسی، جلوه‌ها، الگوها و سایر ابزارهای ویرایش را اضافه و به افزایش تعامل بیننده کمک کنند. برنامه‌ی کاربردی کم‌تازیا مزایایی دارد که در انتهای این نوشتار به ذکر آن‌ها می‌پردازیم. این نرم‌افزار پرکاربرد و خارق‌العاده از دو بخش مهم تشکیل شده است. در اصل هر بخش آن برای انجام فعالیت خاصی طراحی شده است. این بخش‌ها عبارتند از:

• **ضبط ۱:** این بخش ابزاری مجزا برای ضبط و فیلمبرداری از صفحه‌ی نمایش است؛

• **ویرایش ۲:** این قسمت بخش اصلی نرم‌افزار است که از طریق آن شما می‌توانید برای تدوین ویدئوهای آموزشی تان، با استفاده از ابزارهای مورد نیاز که در آن هست، بهره ببرید.

## ویرایش ویدئو با کم‌تازیا

این بخش از کم‌تازیا گزینه‌های گوناگونی دارد که برای شما امکان ویرایش حرفه‌ای را فراهم می‌کند. از مهم‌ترین ابزارهایی که در بخش ویرایشی کم‌تازیا وجود دارد، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

## الف) مسیر زمانی (تایم لاین)

تمام ویرایش‌هایی که برای ویدئوی خود لازم دارید، در اصل در مسیر زمانی موجود است. برای همین است که این بخش، بخش بسیار مهمی است. در این قسمت، شما می‌توانید زمان و سرعت ویدئو، جلوه‌ها و سایر ویرایش‌ها را لحظه‌به‌لحظه روی محتوا قرار دهید.

## ب) نوار (پنل) ابزار

در این بخش می‌توانید به حاشیه‌نویسی، اضافه کردن متن یا ایجاد کارهای گرافیکی و... بپردازید و با ابزارهای ویرایش محتوای ویدئویی را بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی کنید یا پویانمایی‌های محبوب خود را به ضبط‌های صفحه‌ی اضافه کنید.

## ج) بوم

اندازه‌ی تصویرها، جلوه‌ها، متن‌ها، زیرنویس‌ها و بسیاری از تغییراتی که انجام می‌پذیرد، در قسمت بوم کم‌تازیا می‌تواند اجرا و دیده شود.

## د) ویرایش صدا

نداشتن نوبه (نویز) و واضح بودن صدای گوینده در یک ویدئو بسیار اهمیت دارد. به همین دلیل می‌توانید از این بخش برای اصلاح صدای ویدئوی خودتان استفاده کنید.

## ه) تهیه‌ی خروجی

این بخش مرحله‌ی نهایی برای تهیه‌ی خروجی از ویدئو، با انتخاب کیفیت دلخواه، شماست.







آموزش تصویری کار با کمتازیا



### مزایای استفاده از این نرم افزار

در نسخه‌های جدید این نرم افزار، شما می‌توانید با مراجعه به نشانی <https://library.techsmith.com/en/camtasia> قالب‌های آماده، موشن‌ها، جلوه‌ها و انتقال دهنده‌ها (ترنیشن‌ها) و... را انتخاب و در کتابخانه‌ی خصوصی نرم افزار خود بارگیری (دانلود) و ذخیره کنید

با این نرم افزار شما می‌توانید هر چیزی را از روی صفحه‌ی رایانه‌ی خود ضبط کنید؛ وبگاه‌ها، نرم افزارها، تماس‌های ویدئویی یا ارائه‌هایی که در قالب پرده‌نگار (پاورپوینت) هستند.



ویرایش ساده‌ی این نرم افزار که از طریق کشیدن و رها کردن، افزودن، حذف، برش یا جابه‌جایی بخش‌هایی از ویدئو یا صدا صورت می‌گیرد، کار را راحت و لذت‌بخش می‌کند.

گزینه‌های ضبط صفحه در کمتازیا از دیگر مزایای این نرم افزار است. کمتازیا دقیقاً آنچه را می‌خواهید ضبط می‌کند؛ کل صفحه، ابعاد خاص، یک منطقه، یک پنجره یا یک برنامه‌ی کاربردی.

از طریق کمتازیا می‌توانید فایل‌های صوتی خود را ضبط و ویرایش کنید و صدایی عالی برای ویدئوی خود دریافت کنید.

از دیگر مزایای این نرم افزار یکپارچه‌سازی پرده‌نگار است. این نرم افزار از این طریق شما می‌توانید ارائه‌ی خود را به یک ویدئو تبدیل کنید.

همچنین شما می‌توانید فایل‌های ویدئویی، صوتی یا تصویری را از رایانه، دستگاه تلفن همراه یا فضای ابری خود وارد کنید و آن‌ها را مستقیماً به ضبط خود اضافه کنید.

از بهترین مزایای کمتازیا ایجاد فضایی برای تعامل و امتحان است. بدین منظور شما می‌توانید برای تشویق و سنجش یادگیری در ویدئوهای خود، آزمون‌ها و تعاملاتی را اضافه کنید.

کمتازیا به شما پویانمایی‌های از پیش ساخته‌ای را می‌دهد که می‌تواند ویدئوی شما را به سطح بالاتری ببرد. از این طریق شما می‌توانید پویانمایی‌های خود را سفارشی کنید، رفتارهایی را ایجاد کنید، یا پویانمایی‌ها را بزرگ‌نمایی، کوچک‌نمایی یا جابه‌جا کنید.

از طریق این نرم افزار شما می‌توانید مستقیماً به ضبط‌های خود زیرنویس اضافه کنید تا مطمئن شوید که همه می‌توانند ویدئوهای شما را درک کنند.

هر روز و هر سال جلوه‌های ویژه‌ی رایانه‌ای زیادی به فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی افزوده می‌شود. با این نرم افزار شما هم به راحتی می‌توانید با حذف پرده‌ی سبز، از تخیلات و جلوه‌های بی نظیری در محتوای خود استفاده کنید.



پی‌نوشت‌ها

1. Camtasia Recorder
2. Camtasia Editor

# آموزش و تحرک

آموزش کلاسی بر پایه‌ی مؤلفه‌های طرح پاک



سحر زمانی بلیوندی  
سرگروه آموزشی و آموزگار پایه‌ی  
اول ابتدایی، فولادشهر اصفهان

## مقدمه

یکی از آثار کرونا، سوق پیدا کردن دانش آموزان به اتخاذ سبک زندگی غیرفعال در حوزه‌ی ورزش و تغذیه بود. موضوعی که جزو چالش‌های جدی برای سلامت آن‌ها محسوب می‌شود. این اتفاق پیش از کرونا نیز دامنگیر خیلی از افراد شده بود؛ اما با شیوع کرونا و تغییر سبک زندگی با سرعت روند روبه‌رشدی راطی کرد. برای حل این چالش، نیاز است بستر لازمی برای سوق دانش آموزان به سمت ورزش فراهم آورد و برنامه‌های مورد نیاز را در این باره پیش‌بینی کرد. حضور دانش آموزان در مدرسه فرصت خوبی است تا بتوانیم نشاط و شادابی را در این محیط ایجاد کنیم و شاهد افزایش تحرک دانش آموزان باشیم.

یکی از برنامه‌هایی که در این راستا می‌توان به آن توجه کرد، پایش آمادگی کودکان است. برنامه‌ای



که تحت عنوان «طرح پاک» اجرا می‌شود. این طرح در ابتدای ورود دانش آموز به مدرسه شروع می‌شود و در طی سال تحصیلی همچنان ادامه می‌یابد تا وضعیت جسمانی و حرکتی هر دانش آموز رصد شود. این طرح در طی یک سال تحصیلی، بر اساس برنامه‌های خاصی که دارد، تغییرات بچه‌ها را بررسی و شناسنامه‌ی ورزشی و سلامت برای هر کدام از آن‌ها طراحی می‌کند. در این شناسنامه‌ی ورزشی روند چاقی و رشد حرکتی و همچنین افزایش مهارت‌های جسمانی و حرکتی دانش آموز تعیین و از این طریق مدیریت وزن و چاقی برای آن‌ها راحت‌تر می‌شود. اجرای طرح پاک باعث افزایش مهارت‌های جسمی و حرکتی و توانمندی دانش آموزان، در دو بخش پسران و دختران، در هر سه دوره‌ی تحصیلی می‌شود.

یکی از اهداف کلان در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ایجاد تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری است. هدف از طرح ملی پاک نیز افزایش توانمندی‌ها و مهارت‌های جسمی و حرکتی دانش آموزان است.

تجربه‌ای که در ادامه به ذکر آن می‌پردازیم، بر همین اساس و با هدف ایجاد تنوع در محیط و خلق موقعیت‌های یادگیری شکل گرفته است. این تجربه تلفیقی از تمرینات کلاس و مؤلفه‌های طرح ملی پاک است که سبب کاهش فشارهای روانی در ارزشیابی دانش آموزان شده است. این تجربه اهدافی را مدنظر داشته است که عبارت‌اند از:

- افزایش سرعت عمل در انجام فعالیت‌های ورزشی؛
- کاهش فشار روانی و اضطراب در حین ارزشیابی از درس‌های فارسی و ریاضی؛
- افزایش اعتماد به نفس و انگیزه در فراگیرندگان؛
- ایجاد یادگیری لذت‌بخش و حس خوب در دانش آموزان؛
- تقویت روان خوانی کلمات و جمع اعداد؛
- تقویت حس همکاری در بین دانش آموزان (گروه‌بندی دانش آموزان)؛
- رقابت سالم در بین دانش آموزان؛
- ایجاد یادگیری تعاملی بین معلم و فراگیرندگان (دانش آموز محور بودن تجربه)؛
- جلب همکاری فراگیرندگان برای اجرای آزمون‌ها، به ویژه فراگیرندگانی که بی‌رغبت و ضعیف‌تر هستند.

### بیان تجربه

اضطراب و فشار روانی تأثیر بسیار زیادی بر یادگیری دانش آموزان دارد و زمانی که به وجود می‌آید دانش آموزان توانایی پاسخ‌گویی به سوالات

را از دست می‌دهند. گاهی فشار روانی از درون فراگیرندگان آغاز می‌شود و آن‌ها نمی‌توانند آن را مهار کنند. در این مواقع نخست باید ریشه و علت فشار روانی را پیدا کنیم. فشار روانی به دانش آموزان اجازه نمی‌دهد به درستی فکر کنند و مسائل را یاد بگیرند و به نوعی یادگیری آن‌ها را مختل می‌کند. من با هدف کاهش اضطراب و ایجاد آرامش در بین دانش آموزان، حین ارزشیابی، از راهکارهایی استفاده می‌کردم. یکی از این راهکارهای مؤثر استفاده از تمرینات ورزشی بود. نقش ورزش در یادگیری دانش آموزان با یادگیری از طریق ورزش بسیار حیاتی است. از طریق ورزش‌های متناسب بارشده فراگیرندگان می‌توان، به طور چشمگیری، دایره‌ی یادگیری دانش آموزان را ارتقا داد. آموزش با ورزش یادگیری را نه تنها پر تنش نمی‌کند که مسیری لذت‌بخش نیز برای دانش آموز می‌گشاید. به همین منظور تلاش کردم تا از مؤلفه‌های طرح ملی پاک (لی‌لی، رفت و برگشت، ایستادن، تعادلی راه رفتن، تعادلی ایستادن، پرتاپ توپ، انعطاف، مهارت ترکیبی) استفاده کنم و از این طریق فشار روانی دانش آموزانم را در حین ارزشیابی درس‌های فارسی و ریاضی بکاهم.

در طول مدتی که آموزگار هستم، همیشه در تلاش بودم تا با استفاده از معماری نوین و خلاق، در ارزشیابی و تدریس، بتوانم یادگیری دانش آموزانم را به بهترین نحو رشد دهم. امسال با مسئله‌ای در کلاس مواجه شدم؛ برخی دانش آموزان در درس فارسی، املا کلمات، روان خوانی و در شمارش و جمع اعداد ضعف شدیدی داشتند و به همین سبب در هنگام پاسخ‌دهی به سوالات درگیر اضطراب می‌شدند. گاهی با اینکه جواب سؤال یا املا کلمات را بلد بودند، به خاطر این فشار نمی‌توانستند به درستی پاسخ دهند. برای حل این چالش تلاش کردم نحوه‌ی ارزشیابی در درس‌های فارسی و ریاضی را تغییر دهم و با فعالیت‌های ورزشی تلفیق کنم.

بعد از این تغییرات بود که فراگیرندگان بدون فشار روانی و با شوق درس‌ها را یاد می‌گرفتند و از اینکه می‌توانستند کلمات را بخوانند و جمع اعداد را انجام دهند، احساس خوبی را دریافت می‌کردند. این فعالیت‌ها همچنین سرعت عمل آن‌ها را هم در تمرینات ورزشی و هم در یادگیری درس افزایش داد. چند نمونه از این فعالیت‌ها در ادامه بیان می‌شود:

**تعادلی راه رفتن:** کلمات مهم درس جدید را روی خط صاف چهار و نیم متری می‌جسبانیم. فراگیرندگان باید مسافت آن خط را طی کنند.

آن‌ها در حین عبور، کلمات را نیز می‌خوانند و سریع از روی خط عبور می‌کنند. در حین انجام فعالیت، سایر دانش آموزان گروه برای دوست خود دست می‌زنند، شعر می‌خوانند و فردی را که در حال انجام آزمون هست، تشویق می‌کنند. هر دانش آموز که در مدت زمان کمتری آزمون را انجام بدهد و تعداد کلمات بیشتری را صحیح بخواند، گروه آن‌ها برنده است.

**لی‌لی کردن:** در این فعالیت، طبق توضیحات معلم، یک نفر از هر گروه به نوبت جلومی‌آید و در پنج مربع لی‌لی می‌کند. در هر مربع کلمات را می‌خواند یا جمع اعداد را سریع به صورت ذهنی انجام می‌دهد و آزمون را به پایان می‌رساند.

**رفت و برگشت:** دانش آموزان از خط شروع کلمه‌ای را که معلم می‌خواند، سریع برمی‌دارند و فاصله‌ی نه متری را طی می‌کنند و کلمه را در خط پایان می‌گذارند و مجدداً برمی‌گردند تا کلمه‌ی بعدی را بلند بخوانند و همین روند را دوباره طی کنند. هر فردی در مدت زمان کمتری کلمات را بخواند و آزمون را انجام دهد، برنده است و همه‌ی بچه‌ها او را تشویق می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

مهم‌ترین مزایای این فعالیت‌های ورزشی تلفیق شده، تأثیر مثبت بر یادگیری است، به ویژه دانش آموزانی که نیازهای ویژه‌ای دارند؛ مثل دانش آموزان بیش فعال. کاهش اضطراب و بهبود بخشیدن حافظه نیز اثر دیگر این فعالیت‌هاست. مهم‌ترین هدف ما از این فعالیت‌ها، تقویت توانایی دانش آموز در حل مسائل در مدت زمان کوتاه و افزایش بازدهی و در نتیجه تقویت روحیه‌ی فردی او بوده است. بنده خدا را شاکرم که گامی هر چند کوچک برای کمک به رشد و تعالی تحصیلی و ورزشی برداشته‌ام.

### پیشنهادها

• بهتر است ابتدا از دانش آموزانی که در درس قوی‌تر هستند، آزمون بگیرد تا چند مرتبه کلمات یا جمع اعداد را بخوانند و برای سایر فراگیرندگان تکرار شود. سپس سراغ دانش آموزان ضعیف‌تر برویم.

• این فعالیت‌ها باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که از طریق آن، بتوان مطالب قبلی و جدید دانش آموزان را به هم ربط داد.

• معلم می‌تواند هر جلسه تعدادی از دانش آموزان را به ترتیب انتخاب کند تا در نوشتن و نصب کلمات و اعداد روی مکان مورد نظر، معلم را همراهی کنند.



# یادگیری با ارزش

۴. تصمیم‌گیری؛  
۵. باز خورد.

ارزشیابی مقایسه‌ی نتیجه‌ها با هدف‌های آموزشی از پیش تعیین شده و سنجش عملکرد فراگیرندگان است و هدف از آن، پاسخ به این سؤال است که آیا فعالیت‌های آموزشی معلم و کوشش‌های یادگیری دانش‌آموزان یا دانشجویان به بازده مطلوب انجامیده است یا خیر؟

## چرایی و چیستی ارزشیابی کیفی توصیفی

ارزشیابی کیفی توصیفی شیوه‌ای از ارزشیابی تحصیلی و تربیتی است که از طریق آن اطلاعات لازم، معتبر و مستند برای شناخت دقیق و همه‌جانبه‌ی فراگیرندگان در ابعاد متعدد یادگیری به دست می‌آید. این ارزشیابی با استفاده از ابزارها و روش‌های متناسب، مانند انواع آزمون‌ها، با تأکید بر آزمون‌های عملکردی و مشاهدات در طول فرایند یاددهی یادگیری صورت می‌گیرد. بر اساس این نوع ارزشیابی است که بازخوردهای توصیفی مورد نیاز برای کمک به یادگیری و یاددهی بهتر، در فضای روانی و عاطفی مطلوب، برای دانش‌آموز و معلم اولیا حاصل می‌شود.

در ارزشیابی کیفی توصیفی، معلم به دو موضوع اهمیت بیشتری می‌دهد؛ نخست اینکه فرایند یادگیری بهبود پیدا کند و فعالیت‌های یادگیری به درستی در کلاس جریان یابد. مسئله‌ی بعدی توجه به پیامدهای ارزشیابی است؛ به این معنا که آیدار این فرایند و در حین کوشش‌ها و تلاش‌ها، نشانه‌های تحقق تدریجی یادگیری ملاحظه می‌شود؟

## اهداف اصلی ارزشیابی کیفی توصیفی

۱. بهبود کیفیت فرایند یاددهی یادگیری؛ تأکید ارزشیابی کیفی توصیفی بر نتیجه‌ی نهایی نیست؛ بلکه تأکید آن بر بهبود یادگیری دانش‌آموزان است. این رویکرد تعامل دانش‌آموز و معلم را در پی دارد. در این فرایند معلم حامی دانش‌آموزان در محیط یادگیری است.
۲. بهداشت روانی دانش‌آموز: نظام نمره‌ای شیوه‌ای رقابتی و ۲۱ صدمی بود؛ اما با ارزشیابی کیفی، دانش‌آموز به جای اینکه درگیر نمره باشد، درگیر فعالیت می‌شود. همچنین با حذف نظام نمره‌گذاری و ارزشیابی پایانی و کاهش رقابت، از آسیب‌های روانی نیز جلوگیری به عمل می‌آید.
۳. قصد ارزشیابی کیفی پویایی و توانمند کردن دانش‌آموز است. این ارزشیابی جهت‌گیری اصلاحی و درمانی دارد، ابزارهای آن متنوع است و می‌تواند اعتبار اطلاعات را بالا ببرد. در این نوع ارزشیابی،

می‌پندارند. آن‌ها به خصوص به امتحانات پایان سال تحصیلی اعتقاد عمیقی دارند و می‌گویند این امر نشان‌دهنده‌ی پیشرفت دانش‌آموز است.

## دیدگاه معلمان جدید

این گروه در فرایند یادگیری به کلیدواژه‌ی «ارزش» خیلی توجه می‌کند. آن‌ها به دنبال ارزش‌های یادگیری هستند و می‌خواهند از طریق این ارزش‌ها داوری و قضاوت کنند. این مسیر موجب همراهی بیشتر معلم و دانش‌آموزان می‌شود.

## ارزشیابی

گی (۱۹۹۱) ارزشیابی را این گونه تعریف می‌کند: «فرایندی نظام‌دار برای جمع‌آوری و تحلیل و تفسیر اطلاعات، به این منظور که تعیین شود آیا هدف‌های مورد نظر در برنامه‌ی درسی تحقق یافته‌اند یا در حال تحقق یافتن هستند؟ تا چه میزانی این هدف‌ها محقق شده‌اند؟ به این تعریف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی می‌گوییم.»

حسنی (۱۳۹۱) دیدگاه‌گی را نقد کرده و گفته است بررسی میزان تحقق اهداف کافی نیست؛ بلکه باید به روند یادگیری نیز توجه شود. حسنی معتقد است نتایج ارزشیابی‌ها باید در بهبود جریان یادگیری و تصمیم‌گیری‌های آموزشی استفاده شود. دکتر حسنی پنج مؤلفه را برای اجرای ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته است که عبارت‌اند از:

۱. شناخت اهداف، انتظارات آموزشی و نشانه‌های تحقق آن؛
۲. جمع‌آوری اطلاعات؛
۳. تحلیل و تفسیر اطلاعات (داوری)؛

معصومه مسلمی اجارستانی

آموزگار پایه‌ی سوم

ابتدایی، شهرستان شهر قدس



یادگیری فراگیرندگان خود را چگونه می‌سنجید؟ از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کنید؟ برای ارزشیابی یادگیری فراگیرندگان کدام شیوه کامل‌تر است؟ آزمون یا سنجش؟

«آزمون» فرایند استفاده از آزمون است که برای اندازه‌گیری حداقل یکی از ویژگی‌های روانی و تربیتی صورت می‌گیرد. بنابراین هر وقت فرایند آزمون صورت می‌پذیرد، یعنی آزمونی به کار می‌رود و نوعی اندازه‌گیری انجام می‌شود؛ اما هر نوع اندازه‌گیری لزوماً آزمون نیست.

سنجش نوعی اندازه‌گیری با قابلیت‌های بیشتر و گسترده‌تر است که می‌تواند، به جای آزمون یا علاوه بر آزمون، از ابزارهای دیگری هم استفاده کند. به همین دلیل است که می‌گویند سنجش وسیع‌تر از آزمون است. سنجش در روان‌شناسی بالینی و آموزش و پرورش بسیار کاربرد دارد. سنجش به دو روش اعمال می‌شود:

۱. سنجش رسمی که از طریق وظایف و تکالیفی که معلم برای دانش‌آموزش تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد.
۲. سنجش غیررسمی که در شرایط عادی زندگی مثل آزمون تفريح، مراسم صبحگاه، زنگ نماز و... صورت می‌گیرد.

## دیدگاه معلمان سنت‌گرا

این گروه پیشرفت تحصیلی را معادل امتحان گرفتن

آیندازی

اردیبهشت‌ماه  
دوره‌ی بیست و هفتم  
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۳

۲۶



منبع

باز خوردهای شفاهی به چند دلیل می تواند خیلی خوب در جریان کاری ما استفاده شود:

۱. در شرایط زنده کلاس اتفاق می افتد.
  ۲. با آن پدیده و مفهومی که داریم کار می کنیم، مجاورت دارد.
  ۳. به موقع است و با آن لحظه تناسب دارد.
  ۴. حالت چهره در انتقال باز خوردهای شفاهی بسیار مؤثر است و قدرت انگیزشی زیادی دارد.
- یکی از ابزارهایی که در هنگام استفاده از آن، باز خورد زیادی بین ما و دانش آموز ردوبدل می شود، پرسش پیگیر است.

باز خورد شفاهی می تواند فردی باشد. گاهی اوقات می خواهیم چیزی را به دانش آموز بگوئیم که مطرح کردن آن در مقابل دیگران پیامد خوبی ندارد. این را به صورت فردی با خود دانش آموز مطرح می کنیم. ممکن است دانش آموز توضیحاتی داشته باشد که به ما بدهد و ما را در فهم مسئله یاری کند.

گاهی نیز باز خورد شفاهی به صورت گروهی است. باز خوردهای گروهی در زمینه های گوناگونی استفاده می شود؛ گاهی در هنگام جمع بندی مطالب یک جلسه، گاهی در حین اجرای یک فعالیت، گاهی آغاز یک فعالیت، گاهی موقعی که از مونک های مداد کاغذی یا عملکردی بر گزار می شود.

نوع دوم باز خوردها باز خوردهای کتبی هستند و ویژگی خاص این باز خورد فردی بودن آن است؛ ولی باید مواظب باشیم که باز خوردهای کلیشه ای و یکسان ندهیم که مؤثر واقع نمی شود. استفاده از باز خوردهای دارای ابهام مثل آفرین و... خیلی توصیه نمی شود. بهتر است روی عملکرد دانش آموز باز خورد عاطفی از نوع محتوایی داده شود.

سازنده ترین شکل باز خوردها باز خورد از منظر زمان است؛ چون نشئت گرفته از اهداف و انتظاراتی است که فاصله ی یادگیری را نشان می دهند. این باز خورد هم ضعف های دانش آموز و هم پیشرفت های او را نشان می دهد

### گزارش پیشرفت تحصیلی

چه خوب است، در گزارش پیشرفت تحصیلی، تصویری واقعی از دانش آموز ارائه کنیم. در این تصویر واقعی من معلم باید دقیقاً به اهداف هر درس مسلط باشم. اهداف و انتظارات را در کل سال تحصیلی با اجرای فعالیت ها و با به کارگیری ابزارهای هفت گانه در ارزشیابی کیفی توصیفی جمع آوری کرده باشم. بعد بررسی کنم که در هر ماده ی درسی این اهداف محقق شده اند یا نه، به چه میزان و چگونه. آن گاه شروع به توصیف عملکرد دانش آموز کنم.

### نکات قابل توجه در خودسنجی

- الف) قضاوت در مورد رفتار.
- ب) تحلیل قضاوت ها.
- ج) تفسیر قضاوت ها.
- د) تفسیر فردی.
- ه) ارائه ی راهکار.

**گام چهارم:** تصمیم گیری و بازنگری همه ی مراحل در این مرحله معلم می تواند قبل از اجرای آزمون به بررسی ارتباط بین عناصر آزمون عملکرد با هدف ها و ملاک های یادگیری و سایر گام ها اقدام کند (خوش خلق، ۱۳۹۱).

### گام پنجم: باز خورد

بحث باز خورد بسیار مهم است و سر نوشت دانش آموزان را می تواند در تصمیمات پایانی مشخص کند. دو جنبه ی مؤثر در باز خورد عبارت اند از:

الف) باز خورد شناختی؛

ب) باز خورد انگیزشی.

دانش آموز با گرفتن باز خورد آگاه می شود تا چه میزان با اهداف و انتظارات فاصله دارد. بنابراین دانش آموز از فاصله ی خود تا وضع مطلوب مطلع می شود و انگیزه پیدا می کند برای رسیدن به اهداف تلاش کند. مدیریت باز خورد با معلم است؛ چون معلم رهبر کلاس شناخته می شود. معلم به صورت مستقیم با دانش آموزان در تعامل است. پس باید باز خوردها را مدیریت کند. علاوه بر آن، این فعالیت ها و باز خوردها نباید منتهی را برای دانش آموز به دنبال داشته باشد.

از طرفی برخی از معلمان فکر می کنند که باز خورد مؤثر یعنی اینکه دانش آموز را مرتب نصیحت کنند، در صورتی که نصیحت باز خورد مؤثری نیست و مشکل دانش آموز را حل نمی کند.

گاهی توصیف ساده از آن وضعیتی که دانش آموز باید در آن قرار گیرد و بعضی مواقع طرح یک سؤال، ذهن دانش آموز را انگیزه مند و مسیر یادگیری را برایش مشخص تر می کند.

### انواع باز خورد

۱. باز خورد از منظر ارتباط.
۲. باز خورد از منظر محتوا.
۳. باز خورد از منظر منبع.
۴. باز خورد از منظر زمان.

ارتباط معلم و دانش آموز و همچنین مطالب کتاب و محتواهایی که پیرامون مسائل آموزشی هست و چگونگی طرح شدن آن ها و اتفاقاتی که در کلاس می افتد و در نهایت رفت و برگشت این پیام ها باعث می شود باز خوردهای شفاهی در عرصه ی کاری به وجود بیاید.

چون پیشرفت دانش آموز را از منظرهای متعدد محک می زنند، قضاوت و داوری عادلانه تر و درست تر از روشی خواهد بود که در آن، یک معلم انبوهی امتحان می گیرد و تنها از طریق امتحان، یادگیری دانش آموز را ارزشیابی می کند. در ارزشیابی توصیفی معلم نگاه کمی نگر ندارد و فقط خلاها را اندازه نمی گیرد؛ بلکه به دنبال کیفیت یادگیری است. کارنامه در این نظام آموزشی گزارش پیشرفت تحصیلی است و توصیفی از یادگیری فراگیرنده را ارائه می کند. در این مسیر معلم همسفر دانش آموز است تا آرمش دانش آموز بر هم نخورد.

### پیشنهادهایی برای تغییر در رویکرد ارزشیابی تحصیلی

۱. تغییر طرز تفکر معلم از شیوه ی تدریس سنتی به روش های نوین تدریس.
۲. ایجاد فضای اخلاقی در کلاس درس.
۳. تغییر شیوه ی رهبری در کلاس درس.
۴. آماده کردن و توجیه والدین.

### فرایند اجرای ارزشیابی کیفی توصیفی

#### گام اول: شناخت اهداف و انتظارات

شناخت هدف ها، نشانه ها و انتظارات به منظور شناخت نقطه ضعف ها و قوت های یادگیری دانش آموزان صورت می گیرد.

#### گام دوم: جمع آوری اطلاعات

ابزارهای جمع آوری اطلاعات عبارت اند از:

۱. آزمون های عملکردی؛

۲. ثبت مشاهده؛

۳. تکلیف های درسی؛

۴. پرسش های پیگیر؛

۵. خودسنجی و امسال سنجی؛

۶. تحقیق و پژوهش.

#### گام سوم: تحلیل و تفسیر اطلاعات

در این مرحله توجه به این موارد اهمیت دارد:

۱. نوشتن تکلیف سنجش؛

۲. نوشتن مسئله یا بافت در تکلیف؛

۳. پیش بینی لوازم و تجهیزات احتمالی برای تکلیف؛

۴. نوشتن شیوه ی انجام تکلیف.

۵. نوشتن راهنمای توصیف عملکرد و خودسنجی.

در این مرحله باید راهنمایی برای توصیف عملکرد و ارائه ی باز خورد توصیفی نوشته شود.

### نکات مورد توجه معلم در این گام

الف) آگاهی معلم از شرایط (وضعیت جاری).

ب) مشخص کردن هدف یادگیری برای یادگیرنده (وضعیت مطلوب).

ج) خودسنجی.

# بازی و تمرکز

فاطمه قاسمی

سرگروه آموزشی استان فارس

مهوش افروغ

معاون آموزشی مدرسه

اکنون که به آخرین مطلب امسال، برای آموزش هنر، در این مجله رسیده ایم، اجازه دهید دوباره از مزایای این آموزش با شما سخن بگوییم. هنر را می توان روشی دانست که از طریق آن، کودکان مانند دیگر انسان ها، می توانند شخصیتشان را کشف کنند و دنیايشان را بهتر بفهمند. جنبه های هنری و انجام کارهای خلاقانه رابطه ای نزدیک با ریاضیات دارد و حتی عملکرد مفاهیم ریاضی را می توان در برخی از موضوعات هنری به وضوح مشاهده کرد؛ مثلاً اشکال هندسی در معماری، قرینه سازی در نقاشی و هنرهای تجسمی، ریتم سازی و شمارش گام ها در موسیقی و شعر. هنر در کیفیت آموزش، پرورش اعتماد به نفس و یادگیری رفتارهای اجتماعی بچه ها نقش مهمی بازی می کند. کودکانی که با هنر سرو کار دارند، نه تنها مشکلاتشان کمتر است، بلکه نسبت به کودکانی که دنیای هنر را تجربه نکرده اند، با انگیزه تر و هدفمندتر در زندگی واقعی ظاهر می شوند و پیشرفت مناسب و سریع تری در جنبه های متعدد زندگی دارند.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که ضرورت ارتباط کودکان با هنر فقط در هنرمند شدن آن ها خلاصه نمی شود، بلکه این ارتباط به پیدا کردن بینشی درست نیز کمک می کند. ممکن است بعضی ها مطالعه و آموزش هنر را کاری تجملی و فعالیتی اضافی بدانند؛ اما واقعیت این است که فعالیت های ساده و خلاقانه ی هنری پایه های حیاتی رشد کودک محسوب می شوند. دانشمندان علوم تربیتی دریافته اند که تأثیر آموزه های هنری روی بچه ها، به صورت مستقیم بر کسب مهارت های دیگر مورد نیاز آن ها، در طول زندگی، تأثیر می گذارد و ارتباط تنگاتنگی با کسب کار آن ها پیدا خواهد کرد. در ادامه، به ارتباط یادگیری هنر و برخی مهارت آموزی های مورد نیاز بچه ها می پردازیم.

## یادگیری هنر و ارتباط آن با مهارت های حرکتی

همین حرکات ساده ای که با خلق هنری همراه هستند، مثل در دست گرفتن قلم مو یا حرکت دادن مداد رنگی روی کاغذ، برای رشد مهارت های حرکتی خردسالان بسیار حیاتی محسوب می شوند.

## اهمیت یادگیری هنر در رشد زبانی

بعضی از پدر و مادرها از زمانی که کودک شروع به یادگیری زبان می کنند، یا به عبارت دیگر زبان باز می کنند، به صورت نامحسوس و گاه ناخواسته کار زبان آموزی را با آموزش های هنری همراه می کنند. این روند در یادگیری مهارت زبانی آن ها خیلی تأثیر گذار است.

کودکان دبستانی می توانند از کلمه ها یا عبارات های توصیفی استفاده کنند و اثر هنری خودشان را به هر شکلی که باشد (نقاشی، کاردستی و...)، از این طریق توضیح دهند یا حتی راجع به احساساتی حرف بزنند که زمان برخورد با آثار متفاوت هنری در آن ها به وجود می آید.

همه ی این فعالیت ها نشان می دهند که ارتباط با هنر، خلاقیت و توصیف هنری تا چه اندازه می توانند مهارت های زبانی کودکان را در دوره های متعدد به شیوه های گوناگون بسط و رشد دهند.

## مهارت حل مسئله و ارتباط آن با موضوع هنر

فرقی نمی کند کودک خردسالی که می خواهد بفهمد لکه ی روی شلوارش از چه چیزی ساخته شده است یا دانشمندی که تصمیم دارد، به هر شکلی که شده، درمانی برای یک بیماری را علاج کشف کند، هر دو یک مسیر و روند یکسان تفکر و حل مسئله را به کار می گیرند. از طریق مهارت حل مسئله است که بچه ها مهارت های فکری شان را می سازند و آن را رشد می دهند. همچنین آموزش یادگیری حل مسئله به کودکان توانایی های اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، بدنی و زیباشناسی آن ها را افزایش می دهد.

آموزش هنر بر قدرت حل مسئله ی کودک تأثیر

می گذارد و مهارت تفکر انتقادی او را می افزاید. تجربه ی تصمیم گیری و انتخاب هنگام خلق یک اثر هنری، بعد هادر زندگی کودک به او کمک می کند.

## یادگیری هنر و اهمیتش در سواد دیداری

طراحی، نقاشی، دست ورزی های متعدد، ساخت تندیس، کاردستی ها، چسبانه کاری (کلاژ) و... همگی مهارت های بصری و فضایی کودک را که امروزه می دانیم چقدر حیاتی و مهم هستند، رشد و ارتقا می دهند. یادگیری هنر به بچه های آموزشی که چطور تفسیر و نقد کنند و چگونه از اطلاعات دیداری خود بهره مند شوند و تصمیمات درست خود را بر اساس آن بگیرند.

## اهمیت یادگیری هنر در مهارت خلاقیت

پرورش خلاقیت از راه هنر یکی از روش های شناسایی استعدادها و توانمندی های بچه هاست. هنر به عنوان یک مجموعه ای وسیع، در طول تاریخ، نقش ارزنده ای در شکل گیری جوامع بشری داشته است. هنر زبان مشترک بین تمامی انسان ها محسوب می شود. از طریق هنر می توان با کودکان ارتباط برقرار کرد. سنین کودکی بهترین زمان برای کشف استعداد هنری است. پرورش خلاقیت کودکان از طریق هنر یکی از راه هایی است که می توانید از آن برای کشف استعداد فرزندان تان استفاده کنید.

## عملکرد تحصیلی بهبود یافته

### و ارتباط آن با هنر

بین هنر و دیگر موفقیت ها ارتباط عمیقی وجود دارد. کودکانی که در فعالیت های هنری شرکت می کنند (حداقل سه ساعت که شامل سه روز در هر هفته در طول یک سال است) چند برابر در موقعیت های تحصیلی آینده شان موفق هستند؛ مثلاً شرکت در مسابقات ریاضی یا علوم یا برنده شدن در مسابقات شعر و ادبیات در بین این بچه ها با اختلاف بیشتر از سایر بچه هایی است که در این جلسات هنری شرکت نمی کنند.

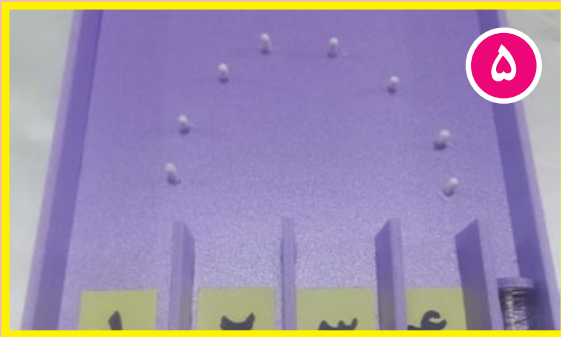
مراحل ساخت  
کاردستی کاربردی





۴

به کمک فوم‌های مستطیلی برش داده شده، چهار قسمت را برای کسب امتیاز از یکدیگر تفکیک می‌کنیم و امتیاز اعداد را در هر خانه می‌چسبانیم.



۵

در ادامه، تعدادی گوش پاک‌کن را از وسط می‌بریم، و برای تغییر مسیر توپ و ایجاد چالشی هیجان‌انگیز در صفحه نصب و از پشت جعبه آن‌ها را محکم می‌کنیم.



۶

در انتها با استفاده از یک توپ سبک و کوچک می‌توان بازی را شروع کرد. برای اینکه توپ سبکی داشته باشید، با استفاده از یونولیت یک توپ کوچک درست کنید و آن را رنگ آمیزی و با آن بازی کنید.

می‌توانید دانش آموزان را گروه‌بندی کنید و با ذکر قوانین بازی به هر گروه فرصت مشخصی برای بازی کردن بدهید. پس از هر رقابت امتیاز تیم‌ها را جمع‌بندی کنید و برندگان را مشخص کنید.

در ادامه با هم به ساخت یک کار دستی کاربردی برای زمان‌های فراغت دانش آموزان و استفاده از این زمان برای بازی و یادگیری می‌پردازیم.



۱

در ابتدا وسایل مورد نیاز را آماده می‌کنیم: فوم رنگی (یک ورق)، چسب مایع مخصوص فوم، گوش پاک‌کن، فنر (یک عدد).



۲

با استفاده از نوارهای سه سانتی دور تادور صفحه‌ی اصلی را می‌چسبانیم و یک جعبه درست می‌کنیم. در قسمت پایین کار، سوراخ کوچکی برای نصب فنر ایجاد می‌کنیم.



۳

بعد از اینکه ساخت جعبه کامل شد با استفاده از گوش پاک‌کن، دایره‌ی کوچکی از جنس فوم و فنر، قسمت پرتاب توپ را درست می‌کنیم و داخل دیواره‌ی اصلی برای نگهداری فنر وصل می‌کنیم.



### عاطفه هاشمی پناه

معاون آموزشی مدرسه ی مهدیه ۲، شهرستان

پاکدشت

«ما خودمان تصمیم می گیریم که چه کسی باشیم». این جمله ای است از گنی بلر که وقتی به مفهوم آن توجه کنیم، به طور قطع در خواهیم یافت که منظور از تصمیم گیری توجه به خود درون ماست. اینکه ما در جهان و در نظر دیگران چگونه انسانی باشیم، نشئت گرفته از درون ما و چیزهایی است که نیازهایمان را برآورده می کنند. نیازهای درونی ما، به طور ناخودآگاه، ما را وادار به فعالیت هایی می کنند که گاهی برای انجامشان باید آموزش ببینیم. بنابراین اجبار در یادگیری هرگز موفقیت آمیز نخواهد بود؛

# کنترل درونی

آیندآرپی

از دهمین ماه  
دوره ی بیست و هفتم  
شماره ی ۸ | ۱۴۰۳

۳۰



جلب شود و باعث افزایش شرکت فعالانه‌ی آن‌ها در یادگیری شود.

او در کتابش بر این اصل تأکید می‌کند که برای دست‌یابی به یادگیری با کیفیت باید از الگوی روان‌شناسی «کنترل‌درونی» استفاده کرد. الگویی که با الگوی پاداش و تنبیه که بر صبر و ترس مبتنی است، متفاوت است. به عبارت دیگر وقتی ما، به عنوان مسئولان مدرسه، محیط آموزشی‌ای را ایجاد کنیم که بر اصول روان‌شناسی کنترل‌درونی استوار است، دانش‌آموزان را برای آینده توانمند کرده‌ایم و این توانمندی را در تحصیلات آن‌ها خواهیم دید. نتیجه‌ی این رویکرد، دانش‌آموزانی آزاد و مسئولیت‌پذیر و پاسخگو خواهد بود.

همه‌ی کسانی که در امر آموزش دخیل هستند باید بدانند که دانش‌آموزان از درون انگیزه می‌گیرند. آن‌ها تحت کنترل رویدادها و محرک‌های بیرونی نیستند. بنابراین باید فضایی ایجاد شود تا انگیزه‌ی ذاتی دانش‌آموزان جلب شود. با چنین رویکردی، در نهایت حضور فعالانه‌ی دانش‌آموزان در فرایند یادگیری به وجود خواهد آمد.

### انگیزه‌ی درونی چیست؟

نیازهای ما انگیزه‌ها را در ما به وجود می‌آورند. وقتی به علت رفتارهای روزمره‌ی خود دقت کنید، متوجه خواهید شد که گاهی نیازهای ما خاموش هستند یا حداقل در گوشه‌ی هشیاری ما قرار دارند. انسان‌ها همیشه از درون انگیزه نمی‌گیرند؛ بلکه گاهی به محیط توجه می‌کنند تا برایشان انگیزه ایجاد شود.

انگیزه‌ی درونی گرایش‌های غریزی توجیه به تمایلات و به کار بردن توانایی‌هاست، برای رسیدن به آنچه فطرت ما طلب کرده است. انگیزه‌ی درونی به‌طور خودجوش باعث رشد می‌شود. وقتی افراد از درون انگیزه می‌گیرند، رفتارهایشان بر پایه‌ی این مؤلفه‌هاست: تمایلات، احساس لذت از کاری که انجام می‌دهند و علاقه به آنچه فعالیت را ایجاد می‌کند. علت این رفتارها انگیزه‌ی بیرونی نیست؛ چرا که انگیزه‌ی بیرونی شامل تشویق‌ها و تنبیه‌های محیط پیرامون است.

اگر حس می‌کنید برای انجام دادن امور روزانه‌ی خود انگیزه‌ای ندارید و با وجود پاداش‌ها و تشویق‌های محیط کار و زندگی خود به انجام کارهایتان ترغیب نمی‌شوید، همه و همه نشان از نداشتن انگیزه‌ی درونی است.

انگیزه‌ی درونی زمانی رخ می‌دهد که عمل ما هیچ ربطی به پاداش‌های بیرونی ندارد و ما فقط

از انجام دادن یک کار لذت می‌بریم؛ چرا که آن را فرصتی برای جست‌وجو، یادگیری و محقق کردن توانایی‌های خود می‌بینیم.

در فصل دوم این کتاب به تحقیقات و دستاوردهایی اشاره شده است که نشان می‌دهد چگونه روان‌شناسی کنترل‌درونی موجب پیشرفت تحصیلی، تربیتی و مسئولیت‌پذیری می‌شود. تمام این شواهد نشان می‌دهد که در تمام مدرسه‌هایی که اصول روان‌شناسی کنترل‌درونی به کار گرفته شده است، رفتارهای مخرب کمتری دیده می‌شود و دانش‌آموزان از نظر تحصیلی عملکرد بهتری دارند.

در فصل‌های بعدی این کتاب داستان‌هایی از معلمان، مشاوران، مدیران و دانش‌آموزان گنجانده شده است که هر کدام روان‌شناسی کنترل‌درونی را در عمل نشان می‌دهند. داستان‌هایی که از نظر جزئیات با یکدیگر متفاوت هستند؛ اما وجه اشتراک آن‌ها در این است که انگیزه‌ی ما از درون به بیرون برانگیخته می‌شود.

### برش‌هایی از کتاب برانگیختن شوق یادگیری

● متوجه پیام‌هایی که برای دانش‌آموزان می‌فرستیم باشیم. وقتی در ازای موفقیت تحصیلی، به آن‌ها پاداش بیرونی وعده می‌دهیم، ناخودآگاه این پیام را می‌فرستیم که ارزش یادگیری ناچیز است.

● مهارت همکاری به دست آورید. اگر افراد تحت مدیریت خود را به طرز معناداری دعوت به همکاری کنید، مدرسه از عقاید، خلاقیت، انرژی، اشتیاق و دیدگاه‌های متنوع‌تری بهره‌مند خواهد شد.

● اگر در یک مدرسه‌ی بزرگ کار می‌کنید، راهی برای کوچک کردن آن بیابید.

● خود را بر اساس نقش و مسئولیت‌های خودتان ارزیابی کنید، نه بر اساس گزینه‌ها و شرایط کسانی که بر آن‌ها کنترلی ندارید. در غیر این صورت ناتوان باقی خواهید ماند.

● به نوجوانان فرصت دهید کشف کنند چه کسی می‌خواهند باشند. با توجه به ضرورت تکاملی آن‌ها، بهتر است تمرکزشان را روی کسانی بگذارند که می‌خواهند باشند تا کاری را که می‌خواهند انجام دهند.

● مطمئن شوید که دانش‌آموزان چرایی آموختن مطالب درسی را می‌دانند. پرسش «چرا ما باید این را یاد بگیریم؟» فرصتی برای توضیح اهمیت آن مطلبی است که در حال یاددادن آن هستید.

چرا که ترس باعث می‌شود یادگیری به خطر بیفتد؛ اما اگر همین یادگیری با رغبت درونی و برای پاسخ‌گویی به نیازهای درونی باشد، حتماً با میل و رغبت همراه است و البته یادگیری در این زمان لذت‌بخش و همراه با سخت‌کوشی خواهد بود.

باب سالوز مریبان بر جسته که تجربه‌ی آموزشی چهل‌ساله‌ی خود را به عنوان معلم، روان‌شناس، مشاور و مدیر مدرسه‌ی کیفی در کتاب برانگیختن شوق یادگیری به اشتراک گذاشته است. او در این کتاب مباحث ارزشمندی پیرامون یادگیری ارائه کرده است. مباحثی که بر دادن انگیزه‌ی یادگیری به دانش‌آموزان نمی‌پردازد؛ بلکه بر این اعتقاد است که باید فضایی را در کلاس‌های درس ایجاد کرد که انگیزه‌ی ذاتی دانش‌آموزان

# میس مثل معلم

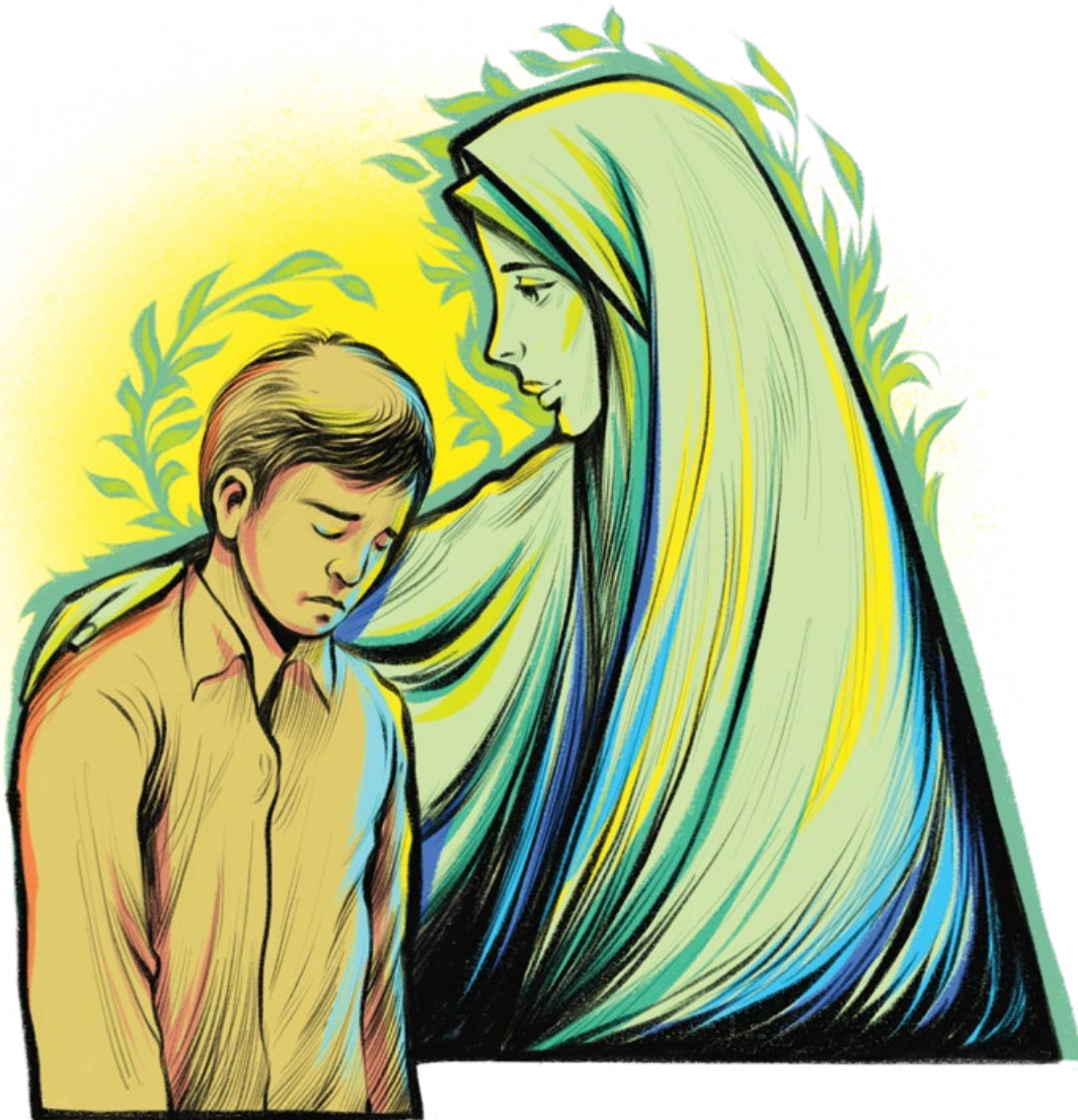


اعظم لاریجانی

«فریبا ادهمی قره‌شیران» سابقه‌ای سی‌وشش‌ساله در تدریس دارد و هم‌اکنون دانشجوی ارشد رشته‌ی روان‌شناسی تربیتی است. وی زودتر از موعد بازنشسته شده؛ ولی همچنان در دبستان روشنگران تهران به کار مشغول است. کار اصلی او رفع اختلالات یادگیری است. او همچنین در کارنامه‌اش تألیف سه کتاب کمک‌درسی و ۲۷ شعر کودکانی مناسب برای واحد کار بچه‌ها دارد.

وقتی سرش را روی بالش گذاشت تا بخوابد، همچنان تصویر محسن که با پیراهنی نازک زیر باران می‌لرزد، از مقابل چشمانش عبور می‌کرد. از این پهلو به آن پهلو چرخید تا شاید بتواند بخوابد؛ اما چهره‌ی غمگین و سرمازده‌ی محسن او را رهانمی‌کرد. صبح که به سمت مدرسه می‌رفت، در آن روز پرسوز بارانی، محسن را با پیراهن زرد رنگ و رورفته‌ای دید. شانه‌هایش را بالا داده و سرش را خم کرده بود و به سمت مدرسه می‌رفت. قدم تند کرد و خود را به او رساند و گفت: «محسن جان، پسرم، سرما می‌خوری. چرا کاپشنت را نپوشیدی؟»

محسن من و منی کرد و گفت: «نه خانم، هوا خوبه. ما گرمونه»  
خانم مهرانگیز لرزش شانه‌های محسن را زیر دست‌هایش احساس می‌کرد؛ اما به روی خودش نیاورد و او را تا مدرسه همراهی کرد. محسن سعی می‌کرد جلوی لرزش بدنش را بگیرد تا خانم معلم چیزی نفهمد. جمعه مادرش تنها کاپشن او را شست؛ اما هر چه این روو آن رویش کرد که تا صبح شبیه خشک شود، نشد که نشد. خانم مهرانگیز آن شب را به هر جان‌کنندی بود به صبح رساند. پشت میز صبحانه که نشست، همسرش لقمه‌ای برداشت و گفت: «انگار خوب خوابیدی! اوضاع مدرسه خوبه؟»  
او را خوب می‌شناخت. می‌دانست حال تک‌تک بچه‌ها، درست مثل فرزندانش، رویش تأثیر می‌گذارد. خانم مهرانگیز دستش را با لیوان چایش گرم کرد و گفت: «نه والا محمدجان، خوب خوابیدم. محسن رو که برات گفته بودم؟»



انگار یه چیزی فکرش رو مشغول کرده. انگار از چیزی می ترسه. خودش رو جمع می کنه کنار دیوار. گاهی سرش رو به دیوار تکیه می ده. حتی گاهی سرش رو آروم به دیوار می کوبه. یادته که تعریفش رو کرده بودم؟»

- آره یادمه. همون که گفتی بالاستعداده؛ اما انگار مشکلی داره که فکرش مشغوله. دلش تو کلاس نیست.

- همون. دیروز صبح تو اون بارون شدید و سرما با یک پیرهن نازک اومده بود مدرسه. خیس عین موش آب کشیده. اگه بدونی چه حالی شدم. به روی خودش هم نمی آورد. می دونم یه جای کار می لنگه. مطمئنم این بچه با اون رنگ و روش نه غذای درست و حساسی می خوره، نه پدر و مادر درست و حساسی داره. انگار اصلاً براشون مهم نیست این بچه چه جور بره، چه جور بیادا!

محمد که در بهزیستی کار می کرد، همان طور که کمک می کرد سفره را جمع کند، گفت: «خب یه بهونه‌ای پیدا کن، برو خونه‌شون یه سروگوشی آب بده. ببین اوضاعشون چطوره. شاید به کمک نیاز دارن. به من خبر بده.»

خانم مهرانگیز آن روز وارد کلاس که شد، اول کاپشن قهوه‌ای محسن را دید که روی میز گذاشته است. انگار می خواست آن را به او نشان دهد. بعد که مطمئن شد او کاپشنش را دیده است، آن را در جامیزی چپاند و کتابش را روی میز گذاشت و مثل همیشه سرش را به دیوار کنار نیکمت تکیه داد. به طور متناوب، انگار می خواهد سرش را به دیوار بزند، سر برمی داشت و دوباره به دیوار برمی گشت.

آن روز خانم مهرانگیز که به بهانه‌ای نشانی محسن را از دفتر دار گرفته بود، در زنگ آخر مقابل بچه‌ها ایستاد و گفت: «بچه‌ها، من امروز می خوام برم خونه فامیلمون، تو کوچه شهرور. کسی اونجا رو بلده؟»

محسن که داشت وسایلش را جمع می کرد، به آرامی گفت: «بله خانم، خونه ما تو همون کوچه است.»

بعد از مدرسه، خانم معلم هم به بهانه‌ای رفتن به خانه‌ی فامیلش با محسن راه افتاد. در راه هر چه سعی کرد نتوانست قفل سکوت محسن را بکنشاید. وارد کوچه که شد، زنی از روبه‌رو می آمد. ظرفی ماست در دستش بود با چند نان بربری که زیر ظرف ماست گذاشته بود. محسن هول شد و گفت: «خانم، ما رسیدیم. این کوچه شهرور. خدا حافظ!»

زن کمی که نزدیک شد، خانم مهرانگیز او را شناخت. مادر محسن بود. بارها او را در مدرسه

دیده بود. زن سلام و تعارفی کرد و گفت: «از این طرف‌ها، بفرمانون. بفرما خستگی در کنین.» محسن پایه‌پامی کرد تا زودتر خانم مهرانگیز برود. اصلاً دلش نمی خواست او بداند آن نان و ماست روی دست مادرش، ناهار بیشتر روزهایشان است.

مادرش اماول کن معامله نبود. پشت سر هم بفرما می زد. خانم مهرانگیز هم از خدا خواسته چشمی گفت و پشت مادر وارد خانه شد و با اشتیاق گفت: «چی از این بهتر! من عاشق نون داغ و ماستم. امروز هم قسمت بود خونه شما ناهار بخورم.»

محسن عصبانی بود. اصلاً این چه کاری بود مادرش کرد. حالا خانم معلم چه فکری می کند. الان تمام مدرسه همه چیز را می فهمند.

مادر محسن جلو افتاد. طول حیاط را طی کرد و بفرمانان به سمت اتاق کوچکی در ضلع جنوبی حیاط رفت. در را باز کرد و خودش اول داخل رفت. خانم مهرانگیز همین که پا به اتاق گذاشت، شوکه شد. اتاقی خالی با موکتی در کف و یخچال سبز کوچکی در کنار دیوار و مردی که خودش را جمع کرده بود و سر به دیوار می کوبید و صدای زوزه‌مانند آرامی از دهانش خارج می شد.

خانم مهرانگیز انگار نه انگار که شوکه شده است، روی موکت خاکستری نشست و بیخشییدی گفت و پایش را دراز کرد و گفت: «راه زیاد بود. پام درد گرفت.»

آن روز فهمید پدر محسن به خاطر مشکلات روانی که پیدا کرده است، قادر به اداره‌ی زندگی نیست و آن‌ها در تنها اتاقی که برادرش به آن‌ها داده است، زندگی می کنند. مادر محسن با چرخ خیاطی یکی از همسایه‌ها لباس می دوزد و نصف درآمدش را بابت اجاره‌ی چرخ خیاطی می پردازد و با بقیه امرار معاش می کند.

خانم مهرانگیز در حال گفت‌وگو با مادر، زیر چشمی محسن را نیز می پایید که مضطرب و عصبی است. او بعد از خوردن نان و ماست، محسن را از اتاق بیرون کشید و در حیاط مقابلش نشست و هر دو دست را بر شانه‌های او گذاشت. چشم در چشم او دوخت و گفت: «محسن جان، نگران هیچی نباش. من و مادرت با هم دوست شدیم. دوست‌ها هوای هم رو دارن. دیدی دوتایی با هم آذری صحبت می کردیم؟»

محسن اشک‌هایش سرازیر شد و با هق هق گفت: «بچه‌ها... اونا نفهمن... بابامم... آخه بابام... اونا نکن... دیوونه است!»

خانم مهرانگیز اشک‌های محسن را بادست خالی پاک کرد و گفت: «این چه حرفیه! کی می‌گه

بایات دیوونه است؟ فقط کمی روحش مریض و خسته است. باید بره دکتر. باید دارو بخوره. نگران نباش. دوست‌ها راز دارن.»

خانم مهرانگیز از آن خانه که بیرون آمد، بلندبلند گریه می کرد. انگار آسمان روی سرش آوار شده بود. هق هقش که فرو کش کرد، گوش‌اش را در آورد و به محمد زنگ زد: «بیخود غیبت این پدر و مادر رو کردم. تقصیر این‌ها نیست. باید بیای بینی تو چه شرایطی دارن زندگی می کنن.»

محمد که احاطه‌ی کاملی به مسائل مددکاری داشت، نشانی را گرفت و چند روز بیشتر نگذشت که مددکاران راهی آن خانه شدند تا اوضاع را بررسی کنند.

چند روز بعد بود که مادر محسن به خانم مهرانگیز زنگ زد و گفت: «خانم جان، ماهمین طوری هم شرمندگی شما و همسرتون هستیم. آخه چرا به زحمت افتادین؟»

خانم مهرانگیز نمی دانست او از چه حرف می زند: «این چه حرفیه، شرمندگی یعنی چی؟ ما فقط کمک کردیم شما بدونید از چه راهی باید به حقتون برسین.»

- اینکه پدر بچه‌ها دفترچه بیمه داره، پرونده داره، دوا درمون می شه از لطف شماست. بالاخره یه حقوقی هم به ما دادن که به جورایی بیشتر از پس خرج و مخارج زندگی برمی آیم. خدا خیرتون بده.

- خدا به تو خیر بده که یه تنه‌داری برای دو تا بچه‌ات و شوهرت تلاش می کنی.

- همین که همسرتون کمک کرد تو بهزیستی کلاس خیاطی برم و مدرک بگیرم، یه دنیا ارزش داشت. دیگه واقعا خرید چرخ خیاطی... شرمندگی شدم والا... الان این چرخ خیاطی به دستم رسید. واقعا به زحمت افتادین؟»

- آهان، خیالت جمع. ما از جیب خودمون نخریدیم. شوهرم گفت شما باید مستقل بشین. اینکه زحمت بکش، پول رو نصف کنی، انصاف نیست. دیگه چرخ خودت، کار خودت، پول خودت.»

بعد از گذشت ماه‌ها، کار خیاطی مادر محسن رونق پیدا کرد و زندگی‌شان کم‌کم سامان گرفت. حالا دیگر محسن آن طور که یک بچه باید آرام باشد، آرامش داشت. او دیگر اصراری نداشت حتما کنار دیوار بنشیند تا بتواند سر به دیوار بگذارد یا بر آن بکوبد. وقتی خانم مهرانگیز می دیدم و ترس از چشمان محسن رخت بر بسته است و او دل به درس می دهد و دیگر تمام ذهنش در کلاس است، توانست تصویر آن پسر لرزان رنگ پریده را که آب از سر و رویش می چکید، به ته ذهنش براند.

# رشد با رشد

سیده فاطمه موسوی تبار

مدیر آموزشگاه شهیدان تقی زاده یک،

شهرستان قدس

سپهילה محسنی

معاون آموزشی آموزشگاه شهیدان تقی زاده

یک، شهرستان قدس

دانش آموزان قرار دادیم، تصمیم جدیدی گرفتیم و آن تهیهی یک مجله‌ی رشد به واسطه‌ی خود بچه‌ها و با موضوعات ابتکاری و خلاقیتی بود. شور و نشاطی که در دانش آموزان به پاشده بود، انگیزه‌ی اصلی ما را در رسیدن به اهداف اولیه دو چندان کرده بود. قرار بر این بود که دانش آموزان با مبنای قرار دادن آنچه از مجلات رشد آموخته‌اند، مجله‌ی دست‌ساز را تهیه کنند و در دسترس دیگران قرار دهند.

دانش آموزان، ایجاد روحیه‌ای شاد، نزدیک شدن به فعالیت‌های ویژه‌ی مدرسه (بوم) و آشنایی با سنت‌ها و فرهنگ‌های متعدد دانش آموزان. زمانی که قرار شد به دانش آموزان و اولیای آنان، در خصوص تهیه‌ی مجلات رشد، اطلاع‌رسانی کنیم، نخست با بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی آن‌ها روبه‌رو شدیم؛ اما زمانی که هدف اصلی خود را برای آنان بازگو کردیم و اولیا به این باور رسیدند که هدف ما توزیع مجلات و جمع‌آوری هزینه‌ی آن‌ها نیست؛ بلکه اهدافی را برای این کار در ذهن داریم، آن‌ها هم ترغیب شدند که با ما همراه شوند و این مجلات را تهیه کنند. پس از آنکه چند شماره از مجلات را در اختیار

رکن اصلی نظام جدید آموزش و پرورش پژوهش و تحقیق است. این نظام در پی تربیت دانش آموزان و معلمانی جست‌وجوگر و خلاق است که حقیقت‌جویی، تعقل، تفکر و ابتکار در تمام زمینه‌های فرهنگی و علمی هدف اصلی آن‌ها در آموزش باشد. مجلات رشد منبع آموزشی و ابزار مهمی هستند که در کنار محتوای اصلی آموزشی می‌توانند این مهم را محقق سازند. این امر ما را بر آن داشت که تجربه‌ی خود را از چگونگی توزیع و مشارکت بچه‌ها، در تهیه‌ی این مجلات، با سایر همکارانمان به اشتراک بگذاریم.

همان‌طور که می‌دانیم انسان موجودی است که با سکون سازگاری ندارد و همیشه به دنبال راهی است که قدمی پیش بگذارد و پیشرفتی را به دست آورد. البته که برای پیشرفت در عرصه‌های زندگی احتیاج دارد با گذشته و آینده ارتباط برقرار کند. از این روست که امروزه وظیفه‌ی آموزش و پرورش فقط تهیه‌ی برنامه‌ی درسی سالانه و به پایان رساندن آن نیست. ذهن جست‌وجوگر کودکان، در این عصر، پاسخ‌های بی‌شماری از معلم و مدرسه می‌خواهد؛ پس باید در صدد راهی بود که دانش آموزان بیشتر به سمت کاوش و جست‌وجو و ارتباط با دنیای بیرونی خود متمایل شوند.

مجلات رشد یکی از منابع اطلاعاتی هستند که در زمینه‌های گوناگون و برای سطح‌های متعدد آماده می‌شوند و می‌توانند در بهبود جریان یادگیری و پیشرفت دانش آموزان نقش مؤثر و بسزایی ایفا کنند.

گروه آموزشی مدرسه‌ی ما، با توجه به آگاهی از اهمیت این مجلات در پیشرفت تحصیلی و شخصیتی بچه‌ها، بر آن شد تا از این طریق، به اهداف خود نزدیک شود. این اهداف عبارت‌اند از: شناسایی استعدادها و ابتکارات، پرورش خلاقیت



جمع آوری شده را در معرض نمایش قرار دهیم. با کمک دانش آموزان جایی را که قرار بود نمایشگاه ما باشد، با میزها و پارچه‌هایی که به رنگ پرچم کشورمان بود، تزئین کردیم و مجلات رشد دست‌ساز دانش آموزان را روی این میزها قرار دادیم. وقتی دانش آموزان کارهای زیبای خود و سایر دوستان خود را می‌دیدند، ذوق عجیبی در چشمان آن‌ها مشاهده می‌شد. من به‌عنوان معاون آن‌ها که در بسیاری از این مسیر با آن‌ها همراه بودم، از این شادی و اعتماد به نفسشان لذت می‌بردم. میزها وقتی آماده شد، از همه‌ی مدرسه خواستیم که از نمایشگاه مجلات دیدن کنند. دانش‌آموزانی که خالق این مجلات بودند و کنار این میزها ایستاده بودند، باز خوردهای خوبی از همسالان و معلمان مدرسه دریافت کردند.

در پایان هم از دانش‌آموزانی که در این کار، چه به صورت گروهی و چه انفرادی، شرکت کرده بودند، با دادن هدیه تشکر و قدردانی کردیم. از تمام این فعالیت‌ها نیز عکس گرفتیم و در کانال آموزشی مدرسه قرار دادیم. ما خوش حال بودیم؛ چون توانستیم دانش‌آموزانمان را به سمتی هدایت کنیم که بتوانند از ظرفیت‌های دیگر خود آگاه شوند.

ابزارهایی را که نیاز داشتند، در اختیارشان قرار می‌دادند. از آنجا که دانش‌آموزان در مدرسه باید ساعت‌های درسی را سر کلاس می‌ماندند و نیاز به زمان اضافه‌ای برای تهیه‌ی مجله داشتند، از این رو، مکان‌هایی را که می‌توانستیم در اختیار دانش‌آموزان قرار بدهیم، آماده کردیم و به بچه‌ها اعلام کردیم که می‌توانند از آن مکان‌ها برای همفکری با دوستان و راهنمایی از معلمشان استفاده کنند؛ جاهایی مثل نمازخانه، اتاق مشاوره، اتاق پرورشی.

از نظر ما این کار چالشی بود که نوآوری را در دانش‌آموزان زنده می‌کرد. ارائه‌ی کار جدید، بالا رفتن آمار مطالعه‌ی دانش‌آموزان، تمایل آن‌ها به نویسنده شدن، همکاری بین همسالان، رشد اعتماد به نفس و بالا رفتن روحیه‌ی جمعی از جمله اتفاقات خوبی بود که در این مسیر رخ داد. در این کار جمعی، دانش‌آموز یاد گرفت که می‌تواند با کمک دوستان خود اثری را تولید کند که مورد توجه معلم، مدیر، معاون و سایر همکلاسی‌ها و دانش‌آموزان مدرسه قرار بگیرد.

بعد از پایان کار دانش‌آموزان، شروع به جمع‌آوری مجلات کردیم. در یک روز مشخص هم اطلاع دادیم که می‌خواهیم تمام کارهای

بعد از پخش مجلات رشد در مدرسه، در جلسه‌ای که با کارکنان آموزشی داشتیم، در مورد نحوه‌ی صحیح استفاده از مجلات، در راستای پرورش خلاقیت و نوآوری بچه‌ها، صحبت و همفکری کردیم. بعد از آن، از بچه‌ها خواستیم بر داشت‌هایی را که از مجلات دارند، بنویسند. این موضوع را در جمع همکاران هر پایه نیز مطرح کردیم و با همکاری آن‌ها مواجه شدیم. استقبال همکاران باعث خوش حالی کارکنان آموزشی مدرسه شد.

بعد از مطرح کردن این موضوع در جمع همکاران و اطلاع‌رسانی به دانش‌آموزان، بچه‌ها فعالیت و پرسش و صحبت با کارکنان آموزشی و معلمانشان را آغاز کردند. یکی از سؤال‌های چالش برانگیز آن‌ها این بود که چطور می‌توانیم مطالبی را که تا الان دریافت کرده‌ایم، به رشته‌ی تحریر در بیاوریم. بعد از صحبت با دانش‌آموزان و راهنمایی آن‌ها و آموزش نحوه‌ی صحیح نوشتن و چگونگی همکاری در گروه‌های همسالان، آن‌ها شروع به فعالیت کردند و هر جا که نیاز به کمک یا راهنمایی داشتند، معلمان و کارکنان آموزشی آن‌ها را راهنمایی می‌کردند.

در این مسیر، اولیا نیز نقش مهمی داشتند؛ چرا که شرایط را برای فرزندانشان آماده می‌ساختند و



# جنبش جهانی محیط‌زیستی

بزرگداشت روز زمین پاک با توجه به ساحتهای شش‌گانه‌ی تعلیم و تربیت



فاطمه شیخ محسنی

رابط تلفیقی در شهرستان اقلید فارس

مجتبی محرابی

معاون متوسطه‌ی اول شهید شهید

زرین کلاه استان فارس

بزرگداشت روز جهانی زمین پاک هر ساله در ایران، در دوم اردیبهشت، برگزار می‌شود. این رویداد را باید جنبشی محیط‌زیستی تلقی کرد که در تلاش است زمینه‌ای را فراهم آورد تا همگان از اهمیت زمین و مزایای بی‌بدیل آن و گام‌هایی که می‌توانند برای حفظ آن بردارند، آگاه شوند. در حقیقت یکی از دلایل نام‌گذاری چنین روزی در پاسخ به بحران محیط‌زیست بوده و نتیجه‌های بسیار خوبی نیز در پی داشته است.

از آنجا که دانش‌آموزان آینده‌سازان این کشور هستند و فرهنگ‌سازی پایدار و مؤثر باید از مدرسه‌ها و در بین این نسل صورت گیرد، از این روز می‌توانیم استفاده کنیم تا مفاهیم مهمی را به آن‌ها انتقال دهیم و محیط‌زیست و مسائل مرتبط با آن را از زاویه‌ی ساحتهای شش‌گانه به دانش‌آموزان معرفی کنیم. ماهر ساله، به این بهانه، فعالیت‌هایی را انجام می‌دهیم که در ادامه به ذکر آن‌ها می‌پردازیم:

## ساحت عبادی، اعتقادی و اخلاقی

به دانش‌آموزان توضیح می‌دهیم که در دین ما به حفظ و نگهداری تمام منابع طبیعی بسیار سفارش شده است. برای نمونه چند حدیث را هم برای آنان می‌خوانیم:

امام علی (ع): «خاک‌روبه را پشت در منزل نریزید؛ زیرا جایگاه شیاطین است» (شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۸۳).

امام صادق (ع): «زندگی جز با سه چیز خوش نمی‌شود: هوای پاک، آب فراوان گوارا و زمین نرم و سست [آماده‌ی زراعت]» (حرانی، ص ۳۲۰).

امام صادق (ع): «آب مورد نیاز مردم را آلوده نکن» (کلینی، ج ۳، ص ۶۵).

## ساحت سیاسی و اجتماعی

به دانش‌آموزان یادآوری می‌کنیم که محیط‌زیست متعلق به همه‌ی افراد جامعه است، چه جامعه‌ی امروز و چه آیندگان، پس اگر برای حفظ آن تلاش نکنیم، به حقوق دیگران تجاوز کرده‌ایم. حفظ محیط‌زیست وظیفه‌ای همگانی است و یک تلاش جمعی را می‌طلبد؛ پس ما موظفیم علاوه بر اینکه خودمان راه‌های مناسب این کار را یاد می‌گیریم، به دیگران هم آموزش دهیم و آنان را به این مهم تشویق و ترغیب کنیم. کارهایی که به صورت جمعی انجام می‌شوند، نتیجه‌های ماندگارتری دارند؛ پس با استفاده از ظرفیت تشکلی‌های متعدد، می‌توان بسیج همگانی برای پاک‌سازی و حفظ محیط‌زیست خود به راه انداخت.

## ساحت زیستی بدنی

از بچه‌هایی خواهیم درباره‌ی اهمیت درختان و محیط‌زیست صحبت و راه‌های حفاظت از آن را بررسی کنند. همچنین به آسیب‌ها و خطراتی که در دوران ما محیط‌زیست را تهدید می‌کنند، توجه کنند و برای آن راهکار ارائه دهند. در یک روز مناسب دانش‌آموزان را به بیرون مدرسه می‌بریم تا زباله‌ها را جمع و محیط‌زیستی را از زباله پاک‌سازی کنند. هنگام پاک‌سازی محیط تذکر می‌دهیم از دستکش استفاده و نکات ایمنی را رعایت کنند. به آن‌ها گوش‌زد می‌کنیم زباله‌های

جمع‌آوری شده را جداسازی کنند تا به روشی مناسب دفع شوند. درباره‌ی زباله‌های خطرناک، مانند داروها و ته‌سیگارها، به آن‌ها توضیح می‌دهیم و می‌خواهیم این نوع زباله‌ها را جداگانه جمع کنند تا به شیوه‌ای مناسب معدوم شوند. با دعوت از فردی آگاه از هلال احمر، دانش‌آموزان را از اثرات داروهای تاریخ‌مصرف گذشته در محیط‌زیست آگاه می‌کنیم.

## ساحت علمی و فناوری

از دانش‌آموزان می‌خواهیم درباره‌ی انواع آلودگی‌هایی که محیط‌زیست را تهدید می‌کنند، تحقیق کنند و برای آن‌ها راهکارهایی ارائه دهند. علاوه بر آلودگی‌های آشنایمانند آلودگی آب‌وهوا و... به آلودگی‌هایی مانند آلودگی صوتی و نوری هم اشاره می‌کنیم. درباره‌ی محدودیت منابع و مواد اولیه در زمین و همچنین بحران که زباله‌ها می‌توانند به وجود بیاورند، با دانش‌آموزان به بحث و گفت‌وگو می‌پردازیم. درباره‌ی انواع پوشش گیاهی با دانش‌آموزان صحبت می‌کنیم و می‌خواهیم با تحقیق و گفت‌وگو با دیگران بهترین نوع درخت برای کاشت در منطقه‌ی خود را پیدا کنند. سپس تحقیق خود را به شکلی منظم و به گونه‌ای که بتوان از آن استفاده کرد، تنظیم کنند. در نهایت همراه با دانش‌آموزان تحقیق را به شورای شهر و شهردار ارائه می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم به جای کاشت درختان بی‌ثمر در معابر عمومی شهر و پارک‌ها از گیاهان پیشنهادی دانش‌آموزان استفاده کنند؛ مثلاً بچه‌ها برای شهرستان اقلید کاشت درخت بادام را انتخاب کردند که آب کمی مصرف می‌کند و بسیار بادوام است. همچنین پیشنهاد دادند به جای چمن که



نمونه‌ای از فعالیت‌ها  
برای داشتن زمین پاک

بومی این منطقه نیست، در بوستان‌ها شبدر کاشته شود.

### ساحت اقتصادی و حرفه‌ای

از دانش آموزان می‌پرسیم چرا به زباله «طلای کثیف» می‌گویند و چگونه می‌توان از آن‌ها کسب درآمد کرد. همچنین انواع باز یافت تر و خشک را به آن‌ها معرفی می‌کنیم. روش‌های تولید کود پوسان (کمپوست) را بررسی و در صورت امکان در مدرسه مکانی را برای تولید این نوع کود مشخص می‌کنیم. سپس برای پیدا کردن بازاری برای ارائه و فروش تولیدات بچه‌ها راهکارهایی را بررسی می‌کنیم. درباره‌ی روش‌های خشک کردن زباله‌های تر با دانش آموزان صحبت می‌کنیم و گوشه‌ای از حیاط را به این کار اختصاص می‌دهیم؛ سپس میوه‌ها و نان‌های خشک بچه‌ها را برای تغذیه‌ی دام به دامداری‌های منطقه می‌فروشیم.

### ساحت هنری و زیبایی‌شناختی

با استفاده از مواد باز یافتی کار دست‌هایی کاربردی تهیه می‌کنیم و در نمایشگاه مدرسه به نمایش می‌گذاریم. بچه‌ها را ترغیب می‌کنیم، به مناسبت روز پاک، تابلوهای نقاشی و روزنامه‌ی دیواری تهیه و در سرسرای (سالن) مدرسه نصب کنند. همچنین برای جشن روز پاک سرود و نمایش تمرین می‌کنیم و بر نوشته‌هایی را در این زمینه به کمک و هنرمندی بچه‌ها تدارک می‌بینیم.



- منابع
۱. شیخ صدوق، ا.، ۱۳۸۳، علل الشرایع، مکتب‌الحیدریه، قم.
  ۲. حرانی، ابن شعبه، الحران، تحف‌العقول، ترجمه‌ی بهراد جعفری، دارالکتب‌الاسلامیه.
  ۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ترجمه‌ی محمدحسین الدرایتی، دارالحدیث.



# باداها و مباداهای معلمی

معصومه همت زاده

آموزگار دوره‌ی ابتدایی استان آذربایجان غربی

در سال ۱۴۰۱ خیرگی منتشر شد که دانش‌جو معلمان سال آخر، به دلیل کمبود نیرو در آموزش و پرورش، می‌توانند مشغول به تدریس شوند. من هم که بسیار به تدریس علاقه‌مند بودم، اعلام آمادگی کردم و قرار شد در یکی از مدرسه‌های ناحیه‌ی دوارومیه به تدریس بپردازم. در سال اول تدریس با چالش‌ها و دغدغه‌هایی مواجه شدم که در این نوشتار به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

آماده‌ای یا نه؟

در شروع کار، من ترسی زیادی نداشتم. خیلی هم خوش حال بودم که تجربه‌های خوبی کسب خواهم کرد؛ اما بفهمی نفهمی ته دلم کمی هم اضطراب داشتم. وقتی از اداره به خانه برگشتم، خیلی با خودم فکر کردم. به خودم می‌گفتم: «من که هنوز تحصیل تمام نشده‌ام، چگونه باید کلاس را اداره کنم؟ هنوز یک سال از درس مانده است. اگر به هر دلیلی از پس کار بر نیایم، آن وقت باید چه کار کنم؟» باید خودم راه حل مسئله‌ام را می‌یافتم تا بتوانم به دانش‌آموزانم نیز مهارت حل مسئله را یاد بدهم. تصمیم گرفتم با

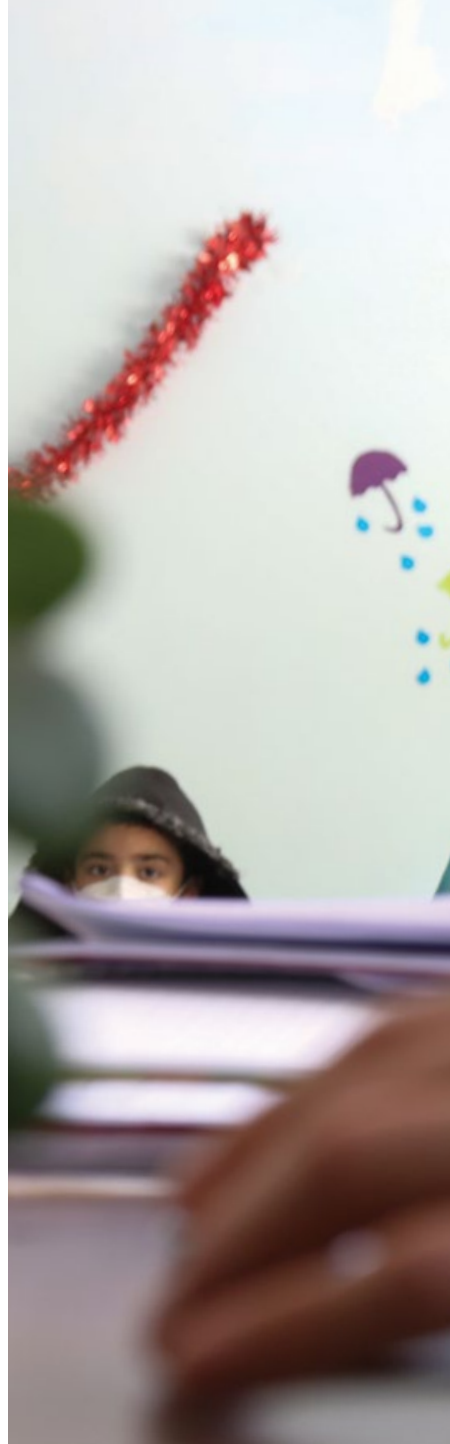
مشورت از استادان دانشگاه‌مان و صحبت کردن با معلمانی که در دوره‌ی کارورزی با آنان آشنا شده بودم، از دست این افکار و سؤالات رها بشوم. با چند نفر از آن‌ها صحبت کردم و آن‌ها نیز مرا تشویق کردند و گفتند: «تو دانشجویی عالی هستی، مطمئنم می‌توانی معلم خوبی بشوی.» به یادداشت‌هایم هم در کارورزی یک و دو مراجعه کردم و نکته‌هایی را که آن موقع نوشته بودم، دوباره مرور کردم. در نهایت توانستم به خودم اعتماد کنم. می‌دانستم معلمی که اعتماد به نفس ندارد، شناخت کاملی از خود، توانایی‌ها و ضعف‌هایش هم نمی‌تواند داشته باشد.

آیندازی

از دهمین ماه  
دوره‌ی بیست و هفتم  
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۳

۳۸





## مبادا عقب بمانم!

نکاتی درباره‌ی حجم کتاب‌های درسی شنیده و خوانده بودم، از طرفی می‌دانستم تعطیلات پیش‌بینی نشده‌ای وجود دارند که امکان دارد در وقت تدریس خللی ایجاد کنند. همه‌ی این عوامل باعث شده بودند از اول سال این اضطراب را داشته باشم که مبادا وقت برای تمام کردن محتوای آموزشی کم بیاورم.

برای حل این مسئله و رفع این اضطراب نخست راهنمای معلم کتاب‌های پایه‌ای را که در آن تدریس می‌کردم، بررسی کردم. سپس طرح درس سالانه‌ای را نوشتم و برای تدریس یک سالم برنامه‌ریزی کردم. در این میان، متوجه شدم جدول‌های بودجه‌بندی‌ای وجود دارند که در گروه‌های آموزشی منطقه ارسال می‌شوند و راهنماهای خوبی در این زمینه هستند. فهمیدن این مسئله نیز اضطراب من را کاهش داد. از دیگر کارهایی که انجام دادم، این بود که تقویم یک سال تحصیلی را با دقت بررسی کردم و ضمن یادداشت تعطیلات رسمی، تعطیلات پیش‌بینی نشده را هم در نظر گرفتم. ذکر این نکته نیز برای همکارانم مفید خواهد بود که خوب است معلم‌ها با سایر همکاران پایه‌ی تحصیلی خودشان در مدرسه هماهنگ باشند و هر هفته درباره‌ی تدریس و مبحث‌های درسی با یکدیگر صحبت کنند.

## پایه‌ی اول را خوب یاد نگرفته!

مهم‌ترین چالش در تدریس، ضعف پایه‌ای دانش‌آموز است. حقیقتاً مشکل بزرگی است. اگر دانش‌آموزی مطالب یک پایه را به خوبی فرا نگیرد و به پایه‌ی بالاتر ارتقا یابد، بی‌شک در پایه‌ی فعلی با مشکلات درسی و روحی و روانی مواجه خواهد شد. چنین دانش‌آموزی در برابر هم‌سن‌وسالان خود احساس خودکوچک‌بینی می‌کند و تمایلی به ادامه‌ی تحصیل نخواهد داشت. در کلاس من تعداد زیادی از دانش‌آموزان، پایه‌ی اول را به خوبی یاد نگرفته بودند. حتی حروف الفبا را هم بلد نبودند. برای حل این مسئله تعداد دانش‌آموزانی را که ضعف پایه‌ای داشتند، شناسایی کردم. متوجه شدم بیشتر آنان در سال قبل که مدرسه‌ها به صورت مجازی بودند، به دلیل اینکه توان تهیه‌ی تلفن همراه را نداشتند، آن گونه که باید و شاید درس‌ها را یاد نگرفته‌اند. پدر و مادر بیشترشان بی‌سواد بودند و هیچ‌کسی در خانواده‌شان وجود نداشت تا به درس آنان رسیدگی کند. این دانش‌آموزان به

دلیل اینکه پایه‌ی اول را بنا بر دلایلی که ذکر شد، نتوانستند خوب یاد بگیرند، در تمام درس‌های پایه‌ی دوم مشکل پیدا کردند. آن‌ها در درس املا به سختی کلمه‌ای را می‌نوشتند، در ریاضی پاسخ را می‌دانستند؛ اما نمی‌توانستند آن را بنویسند، در روخوانی فارسی هم مشکل داشتند، برخی از آن‌ها حتی یک کلمه هم نمی‌توانستند بخوانند. پاسخ تمرینات فارسی را متوجه می‌شدند؛ اما قادر نبودند چیزی را که بر زبان می‌آوردند، در دفتر بنویسند.

تصمیم گرفتم در حد توانم سطح کلاس را بالا ببرم. اقداماتی انجام دادم که برخی از آن‌ها را بیان می‌کنم. همکاران عزیز نیز می‌توانند در صورت تمایل و مواجهه با چنین چالشی از این راهکارها استفاده کنند:

اول: علت مشکل را شناسایی کردم.  
دوم: در اوایل سال، تمرین‌های مناسب سال قبل را با دانش‌آموزان کار می‌کردم.  
سوم: کار برگ‌های مناسب را به دانش‌آموزان می‌دادم.

چهارم: یادگیری را محدود به کلاس نمی‌کردم و به دانش‌آموزانم توصیه می‌کردم که تابلوی مغازه‌ها، پلاک ماشین‌ها و... را هم بخوانند.  
پنجم: تکلیف‌ها را متناسب با تفاوت‌های فردی و سبک یادگیری دانش‌آموزان ارائه می‌کردم.  
ششم: از نقش هم‌سالان و هم‌کلاسی‌ها به نحو احسن استفاده می‌کردم.

هفتم: نحوه‌ی نشستن دانش‌آموزان را به گونه‌ای انتخاب کرده بودم که بتوانم چندین بار به دانش‌آموزان ضعیف‌تر سر بزنم و به وضعیت آن‌ها رسیدگی کنم. به عبارت دیگر، این دانش‌آموزان بیشتر در دسترس من بودند.

هشتم: امیدم را حفظ کردم و تلاش کردم تا پایان سال تحصیلی با همان شوق و ذوق اولیه به کار خود ادامه دهم.

نهم: هر دانش‌آموز را با خودش مقایسه می‌کردم و سطح پیشرفتش را به او اطلاع می‌دادم.  
دهم: به دانش‌آموزانم انگیزه می‌دادم. آن‌ها را تشویق می‌کردم و بسیار مراقب بودم که هر گز دانش‌آموزی را سرکوفت نزنم. بازدهم: در کلاس، وقت مناسبی را به تمرین و تکرار اختصاص می‌دادم.

دوازدهم: از تفکر خلاق استفاده و در تابلوی کلاس مطلب‌های مهم را نصب می‌کردم.  
سیزدهم: با هماهنگی‌های لازم کلاس‌های تقویتی نیز برگزار می‌کردم.

بنابراین حرفی هم برای گفتن نخواهد داشت. در این میان مدام به خودم می‌گفتم: «بالاخره بعد از فارغ‌التحصیلی، باید مشغول تدریس شوی. هر سالی که شروع کنی، همان سال، سال اول تدریس توست. پس نترس و به کلیدواژه‌ی یادگیرنده‌ی مادام‌العمر اعتقاد داشته باش. شاید سال اول تدریس از نظر علمی در برخی از موارد به چالش بخورم، اما عشق و علاقه و انرژی می‌تواند راهگشای من باشد. از طرفی همکاران مدرسه، مدیر، راهبران آموزشی و افراد دلسوز دیگری حضور دارند که آماده‌ی راهنمایی و کمک به معلم هستند.»

# تأثیر کلام مثبت

سهمیه سورانی

آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی،

شهر ملارد



برای درس املا به دانش آموزان گفته بودم باد کنک و ماژیک بیاورید تا املاهای بادکنکی داشته باشیم. دانش آموزان خیلی خوش حال شدند. قبل از اینکه املا را بگویم، از آن‌ها خواستم اسم خود را با ماژیک روی بادکنک‌ها بنویسند. بادکنک‌ها را جمع کردم و در گوشه‌ای از کلاس قرار دادم. سپس از دانش آموزان خواستم بادکنکی را که به نام خودشان هست، ظرف پنج دقیقه پیدا کنند. همه‌ی آن‌ها در تکاپوی یافتن بادکنک خود بودند. هرج و مرج شده بود. مهلت به پایان رسید و هیچکس نتوانست بادکنک خود را پیدا کند. بعد از همه خواستم هر بادکنکی را که به‌طور تصادفی برداشته‌اند، به نامی که روی آن نوشته شده است، بدهند. بدین ترتیب کمتر از پنج دقیقه بادکنک‌ها به صاحبان خود رسید. به آن‌ها گفتم که نتیجه‌ی این کار را بیان کنند. برخی به کار گروهی اشاره کردند و برخی به دوستی و احترام به یکدیگر و... در پایان، من هم نظرم را به نظرات آن‌ها افزودم و گفتم: «خوشبختی و شادی مادر گرو خوشبختی و شادی دیگران است.» به آن‌ها ضرب‌المثلی را که در درس فارسی داشتند، یادآوری کردم: «از هر دست بدی، از همان دست می‌گیری.» در مسیر تربیت نیز این گونه است. اگر ما معلمان، تجربه‌های خود را به اشتراک بگذاریم و روایتگری کنیم، مسیر تربیت هموار

می‌شود و می‌توانیم به‌شایستگی، دانش آموزان را که امانت‌های الهی هستند، در چارچوب رابطه با خدا، خود، خلق و خلقت راهنمایی کنیم. یکی از تجربه‌هایی که از استادان محترم آموختم و در کلاس پیاده کردم، استفاده از زبان مثبت (مثبت‌گرایی) در کلاس بود. تلاش کردم این آیه‌ی قرآن را در کلاس پیاده کنم: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» و تأثیر آن را وقتی دیدم که با یکی از دانش آموزانم به چالشی برخورد کردم. نام آن دانش آموز برایم آشنا بود؛ چرا که معلم سال گذشته‌ی او بارها از ویژگی‌های اخلاقی و تحصیلی‌اش در دفتر مدرسه شکایت کرده بود.

روز اول مهر از دانش آموزان خواستم برای من نامه بنویسند و خواسته‌های خود را در این نامه بیان کنند. آن دانش آموز در نامه‌اش نوشت: «دوست دارم شما مرا دعوا نکنید و خوش اخلاق باشید.» بعد از گذشت دو هفته، کم‌کم چالش‌های من با او شروع شدند. دانش آموزان و اولیا از اخلاق و رفتارش در کلاس و زنگ تفریح شکایت می‌کردند و من جواب می‌دادم که فرصت دهید تا تغییر کند. گاهی از رفتارش به ستوه می‌آمدم و از اینکه تغییری احساس نمی‌کردم، ناراحت می‌شدم. هیچ‌کدام از دانش آموزان دوست نداشتند کنار آن دانش آموزان بنشینند. دائم وقت کلاس به خاطر جروبحث‌های آن‌ها گرفته می‌شد.

روزی از مادر ایشان خواستم به مدرسه بیایند تا با هم در مورد شرایط فرزندش صحبت کنیم. خطاب به ایشان گفتم: «دوست داشتم از نزدیک ببینمتان تا با هم در مورد فرزندتان صحبت کنیم. دختر شما خیلی دختر مرتب و منظمی است. تا حالا دیر به مدرسه نیامده و غیبت هم نداشته است. من از این بابت به او افتخار می‌کنم. شما هم به گل دخترمون افتخار کنید. ولی من کمی نگران هستم. از این بابت که خوبی بچه‌ها را بد برداشت می‌کند و گاهی ناخواسته حرف‌های ناماناسی می‌زند. اگر مسئله‌ای هست، با بنده در میان بگذارید.»

مادر ایشان با بغض به برخی مسائل اشاره کردند. بنده دست ایشان را فشردم و گفتم: «تمام توانم را برای اصلاح رفتار آن دخترتان به کار می‌گیرم. از شما هم می‌خواهم کمکم کنید، او را در خانه تشویق کنید و به او اعتماد به نفس بدهید.» با استادان و مشاوران زیادی صحبت کردم.

هر یک از عزیزان که راهکاری دادند، اجرا کردم. راهکاری مانند مسئولیت دادن به آن دانش آموز را هم امتحان کردم. گاهی که نکات مثبتی می‌دیدم، همان لحظه او را تشویق می‌کردم، از جمله اینکه چون این دانش آموز نسبت به سایر بچه‌ها بهتر نماز می‌خواند، بارها از او تعریف و تمجید کردم.

مثبت‌گرایی و استفاده از کلام مثبت نه فقط برای این دانش آموز بلکه برای کل کلاس که بعد از طی کردن دو سال مجازی، تجربه‌ی کلاس حضوری را داشتند، روند مطلوبی در ایجاد نظم به وجود آورده بود؛ مثلاً به جای اینکه با صدای بلند بگویم: «ساکت باشید.» قدری سکوت می‌کردم تا توجه‌ها جلب شود. سپس می‌گفتم: «مثل اینکه خسته شدید؛ حالا برای اینکه خستگی‌تان در برود، یک خاطره می‌گویم.»

به جای اینکه بگویم: «درست حرف بزن!» می‌گفتم: «دخترم، از کلمات بهتری می‌توانی استفاده کنی.»

یکی دیگر از راهکارهایی که برای مسئله‌ی اخلاقی این دانش آموز راهگشا بود، این بود که متوجه شدم هیچ دوستی در کلاس ندارد و همه‌ی این کارها از جمله آزار بدنی و کلامی بچه‌ها را برای جلب توجه می‌کند؛ لذا با یکی از دانش آموزان صحبت کردم برای مدتی کنار او بنشینند و با او دوست باشند. به لطف حق، این دوستی باعث شد تغییر محسوسی در رفتار او ایجاد شود و وضعیت درسی‌اش نیز بهبود یابد. این دانش آموز به حدی که کلاس علاقه پیدا کرده بود که موقع تعطیل شدن کلاس گریه می‌کرد و نامه‌های زیادی برایم می‌نوشت. در حال حاضر نیز در پیام‌رسان شاد پیام می‌دهد. من هم او را تشویق می‌کنم درس‌ها را تمرین کند و برایشم بفرستد.

من با این تجربه در یافتن کلمات ما معلمان مانند سکان کشتی هستند. اگر کلمات مثبت به کار گیریم، دانش آموزان را در مسیر موفقیت و رشد حرکت می‌دهیم. همچنین در یافتن جنبه‌های ایجابی تربیت مانند محبت، تبشیر و تشویق، تعاف، تلقین مثبت، فضل و رحمت مقدم است بر جنبه‌های سلبی مانند تنبیه و انذار. باید خداگونه عمل کنیم: «يَا مَن وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ عَرْصَتُهُ يَا مَن سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» و تمام تلاش خود را به کار گیریم تا کار تمام انسانی دانش آموزان حفظ شود، همان گونه که خود خدا می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»<sup>۲</sup>

پی‌نوشت‌ها

۱. دعای پر فیض جوشن کبیر. فراز ۱۹

۲. سوره‌ی مبارک که اسراء، آیه ۷۰



# از نگاه خفاش

تدریس تلفیقی با داستان



آزاده طوسی طیبی

آموزگار پایه‌ی ابتدایی، استان مازندران

– بگو ببینم درخت چه شکلی است؟  
– درخت یک تنه در بالا دارد و برگ‌های  
فراوان در پایین.

حیوانات دوباره فریاد زدند: «خفاش دیوانه  
است.» جغد گفت: «می‌خواهم پرسش  
دیگری هم از بقیه‌ی حیوانات بپرسم. آیا تا  
به حال خواسته‌اید مثل خفاش به اطرافتان  
نگاه کنید؟» بعد از آن، جغد دانا از همه‌ی  
حیوانات خواست که مثل خفاش از شاخه‌ای  
آویزان شوند و به اطراف خود نگاه کنند.  
وقتی حیوانات در همان وضعیت قرار  
گرفتند که خفاش قرار می‌گرفت، متوجه  
اشتباهشان شدند و از خفاش معذرت‌خواهی  
کردند.

xxx

اواسط فروردین بود. وارد مدرسه شدم. هوا  
عالی و بهاری بود. بچه‌ها مانند همیشه به  
استقبال آمدند.  
هفته‌ی قبل، زنگ تفکر برایشان داستان خفاش  
دیوانه را درس داده بودم و امروز تصمیم داشتم

میزان تأثیر گذاری آن داستان را روی دانش‌آموزانم  
بسنجم. به همین خاطر تصمیم گرفتم از روش  
تدریس تلفیقی درس تفکر و پژوهش و هنر  
استفاده کنم.

دانش‌آموزان را به حیاط مدرسه بردم. قبل از  
ورود دانش‌آموزان، یک میز وسط حیاط قرار دادم  
و روی آن دو گلدان گذاشتم. از بچه‌ها خواستم  
هر چه را می‌بینند، نقاشی کنند.

بعد از اینکه دانش‌آموزان نقاشی خود را تمام  
کردند، از آن‌ها پرسیدم: «به نظر شما نقاشی چه  
کسی کامل‌تر است؟» همگی به فکر فرو رفتند.  
بعد از مقداری مکث، هر کسی از نقاشی خودش  
تعریف کرد. جواب درست همین بود؛ زیرا هر  
کدام از آن‌ها از دیدگاه خود به اطراف نگاه کرده  
و نقاشی کشیده بود؛ پس هر کدام می‌توانستند  
نظر مخصوص به خود را داشته باشند. در این  
سنجش که به هر دانش‌آموز آزادی عمل داده  
شده بود، برای من معلم نیز بسیار مفید بود؛  
زیرا توانستم به توانایی‌های بچه‌ها پی ببرم و  
به گونه‌ای استعدادیابی کنم.

آموزشی

اردیبهشت‌ماه  
دوره‌ی بیست و هفتم  
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۳

۴۱

# بر نشاندن نهال خواسته



زهر اکوراوند

آموزگار پایه‌ی پنجم ابتدایی، فولادشهر اصفهان

بی هیچ ذوقی از شروع صبحی دوباره و آغاز روزی به تکرار آلوده، فریاد هم‌زمان چهار بلندگو از چهار طرف حیاط مدرسه از فکر گذشته بیرونم کشید. مدیر گفت: «چهارم (۱) بروند سر کلاس.» کیف را در زیر میز جادادم و با چشمانی بی‌فروغ از روشنائی آینده، در انتظار رسیدن دبیر قرآن، به در چشم دوختم. دوباره گذشته‌ها به سراغم آمدند. یادم آمد چطور به دلیل مسافت طولانی خانه تا هنرستان، مادر اجازه‌ی رفتن به هنرستان را به من نداد و من ناچار شدم رشته‌ی ادبیات را انتخاب کنم. آرام و خجالتی، بی‌چشمی و هدفی به آینده؛ این چند کلمه مراد آن روزها به خوبی توصیف می‌کنند.

ناگهان از میان همه‌ی هم‌کلاسی‌ها صدای نماینده‌ی کلاس اوج گرفت: «بریا!» خانم ناآشنا با مقنعه‌ای چانه‌دار و قدی متوسط و لبخندی کم‌رنگ در برابرمان ایستاد. با خود گفتم: «این دیگر کیست؟» اینکه در میانه‌ی سال معلم جدیدی را تحمل کنم، چیزی بیش از حوصله‌ی آن روزهایم بود. با صدای آرام اما پرطنین گفت: «بفرمایید. برجا، من خانم علیزاده هستم. مربی پرورشی شما. از شهر سامان به این مدرسه منتقل شده‌ام. از دبیر قرآن اجازه گرفتم تا در خدمتون باشم و شمارو با مسئولیت‌های پرورشی تون آشنا کنم؛ چون شما سال چهارم می‌هستید و برای بقیه الگوید.»

امام جماعت گذراندم. نماز خانه آماده‌ی عبادت بود. نوبت اول که تمام شد قبل از آنکه ما کلاس چهارمی‌ها وارد نمازخانه شویم، از هم‌کلاسی‌هایم خواستم جوراب‌های نو و تمیزی را که روز پیش گفته بودم با خود بیاورند، بیوشند و در جاهایی که مشخص کرده بودم، بنشینند. دل‌نگرانی‌ام را از نیامدن خانم علیزاده، با دود کردن اسپند و در رفت‌وآمد مدام، می‌پوشاندم.

حاج‌آقا آمد. یکی از بچه‌ها خبر آورد. نگرانی بی‌فایده بود. با چادر گل‌گلی به استقبالش رفتم و تا محراب همراهی‌اش کردم. نماز به خوبی پیش رفت. امام جماعت که نمازخانه را ترک کرد، از بچه‌ها خواستم، برای پذیرایی، سر جایشان بنشینند و قبل از آن تسبیحات حضرت زهرا (س) را بخوانند.

در حال پذیرایی بودم که خانم علیزاده نفس زنان و نگران رسید: «نماز چی شد؟ حاج‌آقا کجاست؟» با لبخندی که از آرامش بر می‌خواست جواب دادم که نماز تمام شده و آورفته است.

نفس راحتی کشید و گفتم: «خدا قوت! روسفیدم کردی.» از آن روز من دست راستی شدم، مطمئن، برای خانم علیزاده. روزها و ماه‌ها گذشت. آن سال تحصیلی هم همچون دیگر سال‌ها به سر رسید و مدیران مدرسه با کمک والدین تصمیم گرفتند جشن پایانی برای ما سال چهارمی‌ها برگزار کنند. روز جشن، همگی تکیه‌زده بر صندلی و چشم‌دوخته بر دست‌ان خدمتکار مدرسه که به دستور مدیر و خانم علیزاده هدیه‌ها را روی میز بزرگ می‌چید، به انتظار فهمیدن اینکه هر کس چه هدیه‌ای نصیبش می‌شود، بودیم. یکی یکی اسم‌ها از بلندگوها خوانده شد: منضبط‌ترین‌ها و درس‌خوان‌ها یک‌به‌یک هدیه‌مان را گرفتیم. هدیه‌ها تمام شد. همان‌طور ساکت روی صندلی نشستیم بودم که خانم علیزاده حرفش را این‌گونه آغاز کرد: «امسال سال پر از اتفاق‌های جدید برای من بود. از سامان به منطقه‌ای آمدم که فکرش را نمی‌کردم به این زودی به محیط و دانش‌آموزانش وابسته شوم؛ اما در این میان کسی که همیشه خاطر مرا جمع می‌کرد و با وجودش دغدغه‌ی دیررسیدن را انداشتیم...» زل زده بودم بر دهان خانم علیزاده. طنین چهارباره‌ی اسم من از چهار طرف سالن چنان از خود بیخودم کرد که نفهمیدم کی خانم علیزاده را در آغوش گرفتم و او چه موقع خودکار خاتم شده‌ای را به من هدیه داد. خودکاری که تا امروز و چه کسی می‌داند، شاید برای همیشه آن‌را نگه داشته‌ام. آن روز بود که رنگی نو در آینده‌ام نقش بست و تصمیم گرفتم به نقاشی بپردازم؛ اما نقاشی نسل‌های بعد. آموزگاری را برگزیدم.

بعد از آشنایی کوتاه پای تخته رفت و مسئولیت‌هایی را روی تخته نوشت. بعد هم گفت که هر کس با توجه به استعداد و علاقه مسئولیتی را انتخاب کند. طبق قانون نوشته‌ای بچه‌های پرشور و شور تر، قبل از همه، مسئولیتی را بپذیرفتند. من اما با سؤالی همیشگی مواجه بودم؛ استعداد من چیست؟ نه اینکه تبیل‌یابی مسئولیت باشم. سال‌های پایین‌تر هم در فعالیت‌های مدرسه شرکت می‌کردم و البته بیشتر به اجبار دوست‌هایم بود، اما امروز با واقعیتی روبه‌رو شده بودم که در این سال‌ها در لباس غم به فراموشی می‌سپردم. من که به سبب محل زندگی و محدودیت‌ها از تحصیل در رشته‌ی نقاشی نا کام مانده بودم، حال باید درخت خواسته‌ام را در کدام خاک می‌نشاندم؟! درست در همین لحظه حضور سنگینی را بالای سرم حس کردم. خانم علیزاده بود با لبخند نگاهم کرد و گفت: «شما دخترم؟» قبل از اینکه بتوانم بگویم شرکت نخواهم کرد، ادامه داد: «شما نفر آخر شدی و فقط مسئولیت بر گزاری نماز جماعت که توسط حاج‌آقا بر گزار می‌شه، باقی مونده، شما اون رو به عهده می‌گیری؟» ذوق زده پاسخ دادم: «بله، من این جور کارها رو از مامانم یاد گرفتم.» گفت: «پس شما مسئول بر گزاری نماز باشید. فردا چهارشنبه است و حاج‌آقای آد.»

باید نمازخانه را مرتب می‌کردم. برای بوی جوراب هم چاره‌ای می‌اندیشیدم و اینکه دقت می‌کردم صف نماز گزاران مرتب و منظم باشد. به یاد دارم آن روز، تا ساعت آخر، شادی عجیبی داشتم. شاد از مسئولیتی که به عهده گرفته بودم. ساعت آخر که تمام شد با عجله از مدرسه بیرون زدم و با پول توجیبی آن روز که خرج نکرده بودم، از بقال محل ده تومان نقل خریدم. آیا مادر اجازه می‌داد بشقاب‌های گل‌قرمز را برای جانفلی به مدرسه ببرم؟ فکرهای زیادی در سر داشتم. مادر از ترس شکستن یا حتی لب‌پاشیدن بشقاب‌های گل قرمز به بشقاب‌های ملامین قانعم کرد.

به همراه جالسفندی، دو گل مصنوعی را هم از طاقچه‌ی اتاقمان برداشتم و نارضایتی‌ام را از شمایل بشقاب‌های ملامین با ورق‌های آلومینیومی که پدرم از سرکارش می‌آورد، پوشاندم. فردا صبح باشادای و نه شبیه‌ی روز گذشته از خواب بیدار شدم. زنگ‌های تفریح راد نمازخانه به چیدن مهرها و پهن کردن سجاده و مرتب کردن جای

# چتر کلمات

بازی آموزشی گسترش دایره‌ی واژگان

معصومه هدايتی

آموزگار پایه‌ی ابتدایی، شهرستان ساری

مقدمه

بازی فعالیتی طبیعی است که ساختاری لذت‌بخش دارد و در عین اینکه وسیله‌ای برای سرگرمی است، جنبه‌ی آموزشی و سازندگی نیز دارد.

کودک از طریق بازی یاد می‌گیرد، ابداع می‌کند، تجربه می‌کند و می‌سازد. او در ضمن بازی می‌تواند به استعدادها، توانایی‌ها، خواسته‌ها، ضعف‌ها و نکات مثبت و منفی خود پی ببرد و با شناخت ویژگی‌های خود، شخصیت خود را نیز بسازد.

ویژگی‌های خاص بازی و فواید گوناگون آن در رشد همه‌جانبه‌ی قوای ذهنی، جسمی، شخصیتی و اجتماعی کودک باعث شده است تعداد زیادی از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت به نقش بازی در آموزش کودکان توجه ویژه‌ای داشته باشند. در این میان می‌توان از نظریات اندیشمندان متقدمی همچون افلاطون، ارسطو، روسو، خواجه نصیرالدین طوسی، امام محمد غزالی و از میان متأخران از نظریات مونتسوری، فروبل و دکروولی یاد کرد.

با توجه به استقبال عمومی کودکان به انواع بازی‌ها، نیاز به ایجاد و تولید بازی‌های جدید و تبدیل مباحث درسی چالش برانگیز، در قالب بازی‌های آموزشی، بیش از پیش احساس می‌شود و طراحی بازی‌های آموزشی مناسب با نیازهای دانش‌آموزان و محتوای درس‌ها اهمیت بسزایی دارد. در ادامه یک نمونه از این قبیل بازی‌ها را که برای آموزش و تقویت مهارت‌های آموزشی دانش‌آموزان طراحی شده است، به اختصار توضیح می‌دهیم:

## عنوان بازی: چتر کلمات

**اهداف بازی:** ایجاد فضای شاد و بدون تنش، تقویت مهارت‌های حرکتی، تقویت مهارت خواندن و نوشتن، تقویت املا.

**وسایل مورد نیاز:** کتاب فارسی، چتر، کارت کلمات، نخ.

**گروه سنی:** دانش‌آموزان دوره‌ی اول و دوم ابتدایی. شرح بازی: در ابتدا معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد کتاب فارسی را باز کنند و در گروه خود از درس مورد نظر صامت‌خوانی کنند. سپس با همکاری و همفکری هم، چند کلمه را انتخاب و روی کارت بنویسند. بدین ترتیب هر گروه چند کلمه تهیه کرده است. معلم با کمک نماینده‌ی هر گروه کارت کلمات را به پره‌های چتر می‌بندد. سپس معلم یک نفر را انتخاب می‌کند تا برای انجام بازی پای تخته بیاید (اعضای هر گروه هم می‌توانند یکی از دوستان خود را به عنوان نماینده‌ی گروه برای بازی انتخاب کنند).

دانش‌آموز منتخب چتر باز شده را در دست می‌گیرد و در کلاس راه می‌رود. گویی در یک روز بارانی در خیابان قدم می‌زند. سپس چند بار چتر را بالای سرش می‌چرخاند. هر زمان که چتر را نگه داشت، کارت کلمه‌ی روبه‌روی خود را می‌خواند. سپس همان کلمه را روی تخته می‌نویسد. دانش‌آموزان هم با یکدیگر کلمه‌ی نوشته‌شده را می‌خوانند و در دفتر خود یادداشت می‌کنند (تقویت مهارت املا نویسی).

**نکته:** معلم برای اینکه فضای کلاس را با این بازی هماهنگ کند، می‌تواند از برگ‌های پاییزی برای کف کلاس استفاده کند. صدای آرامی از بارش باران نیز برای دانش‌آموزان پخش کند. در انتهای بازی نیز می‌توان از خود بچه‌ها برای جمع کردن برگ‌ها و نظافت کلاس کمک خواست تا بچه‌ها این مطلب را نیز دریابند که بازی و تفریح آن‌ها نباید زحمت مضاعفی برای دیگران ایجاد کند.

ابتدایی

اردیبهشت‌ماه  
دوره‌ی بیست و هفتم  
شماره‌ی ۸ / ۱۴۰۳

۴۳

# همراه بارشده



محمدرضا رشیدی

## خلاصه‌ای بر آنچه در هفت شماره قبل گذشت

تا کنون، قصه‌های سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ در هر سه مجله کودک، نوآموز و دانش آموز، در بستر داستان‌هایی جذابی در هفت شماره ارائه شده‌اند.

# کودک

## مجله‌ی کودک

در قصه‌های مجله کودک، امیرمحمد و خواهرش ریحانه به همراه پدر و مادرشان شخصیت‌های اصلی داستان‌ها بودند. پدر امیرمحمد به خاطر شغلش (دریانوردی) اکثر مسافرت بود و امیرمحمد و ریحانه با پدرشان بیشتر از طریق فضای مجازی ارتباط داشتند. در ادامه، نام داستان‌های این قصه‌ها آمده است:

مهر ماه: روز به یاد ماندنی

آبان ماه: گل پژمرده

آذر ماه: یلدای دریایی

دی ماه: بهترین دوست داشتنی دنیا

بهمن ماه: بستنی وانیلی

اسفند ماه: بازی جدید

فروردین ماه: مأموریت امیرمحمد



# نوآموز

## مجله‌ی نوآموز

در قصه‌های مجله‌ی نوآموز، پونه و برادرش پیمان به همراه پدر و مادرشان شخصیت‌های اصلی داستان‌ها بودند. اتفاقات این داستان‌ها در مکان‌های گوناگونی مثل روستا، مسجد، محله، خانه و... رخ می‌داد. در ادامه، نام داستان‌های این قصه‌ها آمده است:

مهر ماه: خودت فطیر بیژ!

آبان ماه: جشن روز پ

آذر ماه: وقت ۹ سالگی

دی ماه: جشن حتی در هوای آلوده

بهمن ماه: راز کوچک

اسفند ماه: خانه‌ی جدید

فروردین ماه: کجا برویم؟



آیندگان

از دیهشت ماه  
دوره‌ی بیست و هفتم  
شماره‌ی ۸ | ۱۴۰۳

۴۴

# دانش آموز

مجله‌ی دانش آموز

در قصه‌درس‌های مجله‌ی دانش آموز، حلما، برادرش صدرا و خواهر کوچکش حسنی به همراه پدر و مادرشان شخصیت‌های اصلی داستان‌ها بودند که به دلیل شغل پدرشان از روستا به شهر مهاجرت کرده بودند. البته در این داستان‌های جذاب که بالحن طنز نوشته شده بود، شخصیت‌های دیگری هم کم‌وبیش در روند داستان‌ها تأثیر گذار بودند، از جمله‌ی این شخصیت‌هایی توان به این افراد اشاره کرد:

مادر بزرگ طیبیه (مادر بابای بچه‌ها)، بابا حسنین (پدر بزرگ مادری بچه‌ها)، دایمی جواد، زن دایمی زینب، امیر علی و امیر حسنین (پسر دایمی‌های حلما و صدرا) و حنایی (بزرگ‌مادر بزرگ). در ادامه، نام داستان‌های این قصه‌درس‌ها آمده است:

## مهر ماه

داستان اول: کم کردن حجم زباله‌ها به کمک چارلی چاپلین، حنایی و شیرینی‌های زندایی داستان دوم: خودت بازیافت کن داستان سوم: آزمایشگاه علوم مادر بزرگ طیبیه داستان چهارم: نشانه‌های بزرگی خدا در کنار دستگاه تهویه‌ی خدا داستان پنجم: روستاشناسی فوق پیشرفته داستان ششم: صدرا چگونه دشوارترین تصمیم زندگی‌اش را گرفت؟

## آبان ماه

داستان اول: گروه حاما به نجات کره‌ی زمین می‌آید. داستان دوم: مر برای آلبالو جانشین امپراتور و گربه‌های محله داستان سوم: آشنایی با مشاغل روستایی

داستان چهارم: نقشه‌ی گنج عجیب بابا حسنین داستان پنجم: دانشمندی که وقت نداشت سوزن مادر بزرگش را نخ کند.

## آذر ماه

داستان اول: زیر سایه‌ی همسایه داستان دوم: دانشمندی برای تمام فصل‌ها داستان سوم: قدرت‌های ابرقهرمانی مادر بزرگ

## دی ماه

داستان اول: حلما و صدرا کار آگاه می‌شوند. داستان دوم: چرا هر خانه یک قطب‌نما لازم دارد؟ داستان سوم: موزه‌ای در صندوقچه‌ی مادر بزرگ طیبیه

## بهمن ماه

داستان اول: خواجه نصیرالدین طوسی

هلاکوخان و تشت مسی داستان دوم: منظومه‌ای برای مادر بزرگ داستان سوم: اوقات فراغت نفس گیر

## اسفند ماه

داستان اول: قهرمان جنگل کیست؟ داستان دوم: راهنمای گام‌به‌گام نویسنده‌شدن، به قلم حلما و صدرا داستان سوم: راز بزرگ بزرگ‌ترها

## فروردین ماه

داستان اول: سروش کوچولو، نیوتن و ابوریحان بیرونی! داستان دوم: همه‌ی درس‌های یک زنبورگزیدگی! داستان سوم: وقتی مادر بزرگ طیبیه، طیب می‌شود!



# در انتظار نامه‌ای از آسمان

خاطره‌ای از مهلا غفاری،  
دختر شهید حسن غفاری







حمیده رسولی  
معاون مدرسه‌ی ابتدایی  
بسرانه‌ی شهید چمران،  
ناحیه‌ی ۲ شهری

بایعادت داشت هر روز، قبل از رفتن به سر کارش، نامه‌ای را زیر بالش من می گذاشت؛ نامه‌ای کوتاه که پراز مهر و محبت بود. در نامه‌اش می نوشت: «دخترم، مهلاجان، میوه‌ی دل بابا، سلام، صبحت به خیر. تو خواب بودی، بابا روی ماهت را بوسید و رفت.» من هم چون سواد نداشتم، هر روز آن را پیش مامان می بردم و از او می خواستم آن را برایم بخواند. شاید مطالبی که بابا در نامه می نوشت، تکراری بود، اما من دوست داشتم هر روز آن جمله‌ها را بشنوم. چون بابا را از

صمیم قلب دوست داشتم. بابا به خاطر شغلش چندین بار به عنوان مدافع حرم به سوریه اعزام شده بود. هر بار که او می رفت، خیلی بی قراری می کردم. مرتب بهانه‌اش را می گرفتم. مامان هم با محبت مرا دلداری می داد.

آن روز بابا با لباس رزم و شیرینی وارد خانه شد. وقتی لباس‌ها را در دست او دیدم، دلم آشوب شد. فهمیدم باز قصد دارد به سوریه برود. مامان خیلی صبور بود و اصلا در مورد رفتن بابا اعتراضی که نمی کرد هیچ، بلکه او را در تصمیمش همراهی هم می کرد. لحظاتی بعد از آمدن بابا، مامان از اتاق بیرون آمد و به بابا سلام کرد. شیرینی را از دست او گرفت و گفت: «دست شما درد نکند حسن آقا، راضی به زحمت نبودیم.» بعد به آشپزخانه رفت و با چند فنجان جای به اتاق آمد. در شیرینی را باز کرد و گفت: «بفرمایید جای و شیرینی.» بابا از داخل اتاق صدازد: «فاطمه جان، یک لحظه بیا.» مامان داخل اتاق رفت و من هم با کنجکاوی به سمت اتاق رفتم. بابا لباس نظامی‌اش را پوشیده بود. وقتی مامان وارد شد، او چرخ‌زد و پرسید: «خوشگل شدم؟ به نظرت خدامن رامی پسندد؟» مامان گفت: «بله آقا، می پسندد.» بابا گفت: «یعنی فاطمه، خدا من رامی خرد؟» من از حرف‌هایشان خیلی چیزی متوجه نمی شدم. بعد بابا گفت: «فقط یک آرزو برایم مانده، دوست داشتم به آن هم برسیم.» مامان پرسید: «چه آرزویی، حسن جان؟» بابا گفت: «اینکه مهلا، میوه‌ی دلم را در چادر ببینم.» مامان با مادر بزرگ تماس گرفت و ماجرای آرزوی بابا را برای او تعریف کرد. دقایقی بعد زنگ خانه به صدا در آمد. جلوی در رفتم و در را باز کردم. مادر بزرگ را جلوی در دیدم. از دیدن او خیلی خوش حال شدم، توی بغلش پریدم و سلام کردم. مامان و بابا هم متوجه آمدن مادر بزرگ شدند. جلوی در آمدند و با خوش آمدگویی او را به داخل خانه بردند. مادر بزرگ در گوش من گفت: «می خواهی با هم بیرون برویم؟» خیلی خوش حال شدم. آهسته پرسیدم: «کجا می خواهیم برویم؟» او گفت: «می خواهیم به بازار برویم.» پرسیدم: «چه می خواهیم بخریم؟» مادر بزرگ گفت: «برو لباس‌های بیرونت را بیاور تا برایت بگویم.» سریع لباس‌های خانها را در آوردم، مادر بزرگ مرا آماده کرد و حرکت کردیم. وقتی به بازار رسیدیم، مادر بزرگ اول برایم یک بستنی خرید. بعد به سمت چادر فروشی رفتیم. او از مغازه‌دار پرسید: «آقا، چادر اندازه‌ی نوه‌ی من هم دارید؟»

مغازه‌دار به من لبخندی زد و گفت: «بله که داریم.» بعد هم رفت و چادر قشنگی را برایم آورد. مادر بزرگ آن را سرم کرد تا ببیند اندازه است یا نه؟ من هم جلوی آینه‌ی مغازه رفتم تا خودم را ببینم. خیلی قشنگ بود. مادر بزرگ پول آن را پرداخت کرد و به سمت خانه برگشتیم. همین که وارد خانه شدیم و بابا مرا با چادر دید، از خوش حالی فریاد زد: «چقدر خوشگل شدی خانم، دیگر هیچ آرزویی ندارم.»

بابا فردای آن روز عازم سوریه شد. روزها پشت سر هم می گذشت. بابا خیلی دیر به دیر تماس می گرفت. خیلی دلتنگ بابا شده بودم و مرتب بهانه‌ی نامه‌هایی را که زیر بالشتم می گذاشت، می گرفتم. این بار سفر او خیلی طولانی و طاقت من تمام شده بود. به مامان گفتم: «بابا، دیگر مرا دوست ندارد که برایم نامه نمی نویسد.» مامان با قربان صدقه رفتن مرا دلداری می داد. یک روز که خیلی بی تابی کردم، مامان دست‌های کوچک مرا در دست گرفت و به چشمان گریان من نگاه کرد. بعد اشک در چشمان خودش حلقه زد. با یک پلک‌زدن اشک روی گونه‌هایش جاری شد و گفت: «مهلاجان، بابا تو را از قبل بیشتر دوست دارد؛ اما چون پیش خدا رفته، دیگر نمی تواند برایت نامه بنویسد.»

حرف مامان را متوجه نشدم و گفتم: «اما باید زودتر از پیش خدا بیاید.» مامان گفت: «عزیزم، دیگر نمی تواند بیاید.» به مامان نگاه کردم و با خود گفتم: «یعنی من دیگر بابا را نمی بینم؟! یعنی او دیگر برای من نامه نمی نویسد؟!» مامان مرا محکم بغل کرد و بوسید. دست مامان را که دور کمرم حلقه شده بود، کنار زدم و به سمت کمد رفتم. همه‌ی نامه‌هایی را که بابا تا به حال برایم نوشته بود، از داخل کمد برداشتم، جلوی خودم پهن کردم و شروع کردم با بابا درد دل کردن. نامه‌ها را نگاه می کردم و می گفتم: «بابا، مگر نگفتی مرا خیلی دوست داری، پس چرا دیگر نمی آیی؟ یعنی دیگر نمی توانم در بغل تو بنشینم و گونه‌هایت را ببوسم؟ یعنی دیگر نمی توانم موهایت را شانه بزنم؟ همه‌ی دوستانم با باباهایشان به پارک می روند و وقتی سوار تاب می شوند، باباهایشان آن‌ها را هل می دهند، پس من اگر سوار تاب شدم، چه کسی مرا هل بدهد؟» دوباره با خود می گفتم: «خب، اصلا مهم نیست، حالا که دیگر بابا ندارم، پارک هم نمی روم.» هنوز هم بعد از سال‌ها هر وقت دلتنگ بابا می شوم، نامه‌های بابا را جلوی خودم پهن می کنم و شروع می کنم به درد دل کردن تا دلم آرام بگیرد.

# تو مرا باز رساندی به یقینم

الیه دیمی

سرگروه آموزشی و آموزگار پایه‌ی

دوم ابتدایی، استان فارس



فتح کنند و پرچم سه رنگ کشورمان را در آینده‌ای نزدیک به اهتزاز در آورند.

آری، باورها و ارزش‌ها در کلاس درس معلم تبیین و تثبیت می‌شوند. ما با رسالت تربیت تمام‌ساحتی در ابعاد گوناگون شور و شعور را ورق می‌زنیم تا فرزندان این مرز و بوم بدانند که خون بهای شهدا و جوانانمان، آرامش امروز کلاس در سمان است. یاد آورند که ما با هر قومیتی در نقشه‌ی جغرافیای ایران زندگی می‌کنیم و همه با هم دست در دست هم دهیم به مهر، تا میهن خویش را کنیم آباد!

بوسیدیم و بوییدم پرچم مقدس سه رنگ کشورمان را تا بدانیم در هر احوال، خدا با ماست و بزرگ‌تر از آن است که وصف شود.

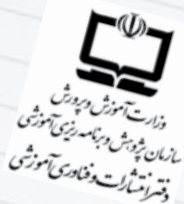
ما قرن‌ها پای وطن پیدا و پنهان مانده‌ایم ما پای فرهنگی کهن با نام ایران مانده‌ایم تدریس می‌تواند با انگیزه و ساختاری از جنس هویت آغاز شود. آن روز در کلاس، عنوان درسی مان «ایران زیبا» بود. احساس کردم این موضوع می‌تواند با ساز و کار نو و رنگ‌بوی میهن دوستی حس هویت ملی را به فرزندانم منتقل کند.

در هر کلاس، دانش آموزانی با زبان‌ها و فرهنگ‌های متعدد هستند که با تعامل و ارتباطی مناسب در کنار هم یاد می‌گیرند تا قله‌های علم و ایمان را





عکاس: محبتی اسماعیل زاده، استان آذربایجان غربی  
دهمین جشنواره ملی آموزش عالی و متوسطه و کوروش ریش



## فراخوان عضویت در جمع پدیدآوردندگان رشد آموزش ابتدایی

همکاران پرتوان آموزش ابتدایی، سلام و خداقوت.  
همه‌ی ما بی‌تردید خود روش‌هایی هنرمندانه و ایده‌هایی ناب دارند. اگر شما از این  
دانش‌آموزان خود روش‌هایی هنرمندانه و ایده‌هایی ناب دارید. اگر شما از این  
دسته از همکاران هستید، این فراخوان برای شماست!  
مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی برای دوره‌ی تحصیلی جدید در سال ۱۴۰۳، در صد  
است. آموزگاران نوآورداری ایده‌ی دارید یا معرفی کنید. اگر برای یکی از اهداف آموزشی و  
تربیتی دوره‌ی ابتدایی ایده‌ای دارید یا برای آموزش یک درس از کتاب درسی روش  
موفقی را پیاده می‌کنید یا موضوعی را برای آموزش به سایر همکاران مناسب  
می‌دانید و... دست به کار شوید؛ یادداشتی بنویسید، عکس یا فیلمی بگیرید،  
به دفتر مجله بفرستید و ما را در جریان آن بگذارید. تجربه‌ها و خاطرات شما  
ارزشمندند و حیف است آن‌ها را به اشتراک نگذارید. شما می‌توانید از این طریق  
با دفتر مجله مرتبط شوید:  
شماره‌ی تماس مستقیم دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۸۳۹۱۷۸

وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
رایانامه: [ebtedayi@roshdmag.ir](mailto:ebtedayi@roshdmag.ir)  
پیام‌رسان شاد:

